

بن عبّادگردید و در نیشابور مرجع استفاده افاضل شد . کتاب الشعر و کتاب الهجاء تألیف او بوده و در سال چهارصد و بیست و یکم هجری قمری درگذشت .  
(ص ۱۸۶ ج ۱۸ جم)

ابن عبدوس احمد بن عبدوس - مصطلح رجال و موکول بدان علم شریف است .

ابن عبدوس علی بن محمد بن عبدوس - کوفی مذکور ذیل ، معروف به ابن عبدوس ، از ادبا و نحویین بوده و از تألیفات او است :

۱- البرهان فی علل النحو ۲- معانی الشعر ۳- میزان الشعر . سال وفاتش بدست نیامد .  
(کف و غیره)

ابن عبدوس محمد بن عبدوس - بنوان جهشیاری در باب اول مذکور است .

ابن عبدون احمد بن عبدالواحد بن احمد - بنزاز ، مکنسی به ابو عبیدالله ، معروف به ابن العاشر و ابن عبدون (بضم عین) از ثقات و معتمدین

محدثین و علمای امامیه ، از پیشوایان فقه و حدیث و ادب ، کثیر السماع و کثیر الروایة بوده و از مشایخ اجازة شیخ طوسی و شیخ نجاشی میباشد . از تألیفات او است :

آداب الحکما و آداب الخلفا و اخبار السید الحمیری و اخبار فاطمة ع و تاریخی معروف به تاریخ ابن العاشر و تفسیر خطبة فاطمة ع و عمل الیوم والليلة و فهرست و کتاب الحدیثین المختلفین . وی در سال چهارصد و بیست و سیّم هجری قمری وفات یافت .  
(ذریعه و ص ۷۳ هب و کتب رجالیه)

ابن عبدون اسمعیل - در باب اول (القاب) بعنوان قائمی نگارش یافته است .

ابن عبدون عبدالمجید - بن عبدون ، مکنسی به ابو محمد ، معروف به ابن عبدون ،

از ادبا و علمای اندلس و وزیرای ملوک بنی افسس میباشد که در فن شعر و کتبت و معانی حدیث و دیگر فنون متداوله و حید عصر خود بود . از اشعار او قصیده رائیه ایست که از مهمات قصائد معروفه ، بنام خودش (قصیده ابن عبدون) مشهور و در مرثیه بنی افسس است که ضمناً تاریخ جمعی از مشاهیر ملوک ماضیه و اکابر خلفا را تذکر داده و محل توجه افاضل میباشد . شروح بسیاری بر آن نوشته اند که من جمله شرح

جمال‌الدین ابن‌الجوزی و شرح ابن‌بدرون عبدالملک و شرح ابن‌الائیر حلبی سابق‌الذکر است و او علاوه بر شرح که بسیار ممتاز است تندییش هم کرده و مطلع قصیده این است :

الدهر یفجع بعد العین بالآثر  
فما البكاء علی الاشباح والصور  
انهاک انهاک لا آلواک معذرة  
عن نومة بین ثاب‌اللیث والتظفر  
فلا یغرنک من دنیاک نومتها  
فما صناعة عینها سوی السهر

در سال پانصد و بیستم یا بیست و نهم هجرت درگذشت و نام او بنوشته احمد رفعت محمد بن عبدالمجید بوده و بعضی دیگر محمد بن عبدالله نوشته‌اند .

(ص ۳۷ ج ۱ فع ۶۴۶ ج ۱ س و غیره)

محمد - بن عبدالله بن عبدون رعینی حنفی ، مکنی به ابوالعباس ،

ابن‌عبدون

معروف به ابن‌عبدون ، از فقها و ادبا و شعرای حنفیه میباشد که

در دوست و نود و نهم هجرت درگذشته و از تألیفات او است :

۱- الاحتجاج بقول ابی حنیفه ۲- اعتلال ابی حنیفه .

(کف و ص ۷۴ هب و ۶۴۶ ج ۱ س)

در اصطلاح رجالی ابراهیم بن عبده از اجلائی محدثین شیعه است .

ابن‌عبده

یوسف بن حسن - بتوان مقدسی در باب اول (القاب) مذکور است .

ابن‌عبدالهادی

تئریگوریوس - بن هارون ، مورخ طبیب نصرانی یعقوبی مالطی ،

ابن‌العبری

از مشاهیر اطببا و مورخین قرن هفتم هجری میباشد که کنیاش

ابوالفرج ، لقبش جمال‌الدین ، شهرتس ابن‌العبری است (که پدرش در اصل عبری و یهودی

مذهب بوده و اخیراً بکیش نصاری درآمده بود) . بسال ششصد و بیست و سیم یا چهارم

هجرت در شهر مالطیه از بلاد دیار بکر متولد شد ، مبادی و ط را از پدرش که از

اشراف قوم خود و طبیب ماهر و در فاسفه نیز خبیر بوده خواند ، پس فلسفه و لغات سریانی

و عربی و یونانی قدیم را فراگرفت ، در حملات مغول با پدر خود بانطاکیه فرار کرد و

طریق زهد و رهبانیت پیش گرفتند و بمقام جانیلیتی که در مراتب مذهبی یک مرتبه پائین تر

از مقام بطریق است رسید ، عاقبت بعد از تطورات بسیاری بسال ششصد و هشتاد و پنجم

هجرت در شهر مراغه آذربایجان ایران درگذشت و از تألیفات او است :

- ۱- دفع الهمم ۲- زبدة الاسرار ۳- جمع من اخبار که با ترجمه لاتینی اش در اکسفورد چاپ شده است ۴- مختصر الدول که وقایع عمومی را از بدو خلقت تا زمان خودش حاوی و در بیروت چاپ شده است ۵- منتخب الغافی در ادویه مفرده و غیر اینها که تألیفات دینی و تاریخی و طبّی و ریاضی او بالغ به سی کتاب میباشد .

(ص ۶۶۶ ج ۱ ص و ۳۳۹ مط)

ابن العتاهیه محمد بن حسن - بعنوان ابن درید نگارش دادیم -

عبدالرحمن = بن محمد بن ابراهیم عتایقی، یا ابراهیم بن عتایقی،

ابن العتایقی

یا ابراهیم بن محمد بن یوسف عتایقی حلی، عالمی است فاضل

محقق مدقق فقیه متبحر از علمای امامیه قرن هشتم هجرت که به کمال الدین ملقب، به ابن العتایقی معروف، با شهید اول (متوفی سال ۷۸۶ هـ ق = ذقو) و نظائر وی معاصر، جدش به دیهیم عتایق نام از قراء حله منسوب بهمین جهت به عتایقی موصوف و عبدالرحمن نیز به ابن العتایقی معروف گردیده است . از تألیفات او است :

- ۱- اختصار کتاب الاوائل ابو هلال عسکری که ملخص جلد ثانی آن است ۲- اختیار حقائق الخلل فی دقائق الحیل ۳- الاضداد در لغت ۴- الاعداد ۵- الايضاح والتبیین فی شرح منهاج الیقین علامه حلی ۶- تجرید النیة ۷- الشهادة فی شرح معرب الزبده که در سال هفتصد و هشتاد و هشتم تألیف شده است ۸- شرح نهج البلاغه که سه جلد بزرگ و منتخب از چهار شرح ابن میثم و ابن ابی الحدید و قطب الدین کیدری و قاضی عبدالجبار شیعی امامی است ۹- صفوة الصفوة ۱۰- مختصر تفسیر علی بن ابراهیم و غیر اینها که بنقل معتمد، بسیاری از مصنفات او در خزانه مبارکه حضرت امیر المؤمنین ع موجود بوده و سال وفاتش بدست نیامد .
- (ذریعه و ۳۵۱ ت و ۷۴ هب و غیره)

ابن عتبه احمد بن علی - رجوع بعنوان ابن عتبه نمایند .

ابن العجاج رؤبه بن ابی الشعناء - در باب اول بهمین عنوان رؤبه مذکور است .

ابن عجلان در اصطلاح رجالی عبدالله بن عجلان احمر سکونی<sup>۱</sup>

**ابن عجیبه** - احمد - بن محمد بن عجیبه حسنی فاسی عارف صوفی ، معروف  
به ابن عجیبه و از تألیفات او است :

۱- ازهار البستان فی طبقات الاعیان ۲- ایقاظ الهمم فی شرح الحکم ۳- الفتوحات  
الالهیه فی شرح المباحث الاصلیه که ابن دو آخری در فاس و قاهره در یکجا چاپ شده اند .  
صاحب ترجمه در حدود هزار و دوست و شصت و ششم هجری قمری درگذشت .  
(ص ۱۶۹ مط)

**ابن عجیم فارسی** از فضالی اطبا و منجمین اوائل قرن پنجم هجرت میباشد که  
مولد و منشأ وی فارس ، در آن دیار مشهور و محل وثوق سلاطین  
آل بویه بود . علاوه بر نجوم و هر دو قسمت علمی و عملی طبیبی در منطق و فنون حکمت  
و فلسفه نیز متمهر ، در هر یک از اقوال حکمای پیش از اسلام در حرکت و کرویست زمین  
و جوابات سؤالات ابوریحان بیرونی که درباره افلاک و ثوابت و سیارات نموده تألیفی  
دارد . وی در حدود سال چهارصد و سی ام هجرت درگذشت و اسم و مشخص دیگری  
از وی بدست نیامد . (ص ۴۳۳ ج ۱ مر و ۲۲ ج ۲ مه و غیره)

**ابن عدی** عبدالله بن عدی { در باب اول (القاب) بعنوان جرجانی عبدالله و  
**ابن عدی** یحیی بن عدی } تکریتی یحیی نگارش یافتند .

### ابن العدیم

**ابن العدیم** - احمد - بن یحیی بن زهیر بن هارون بن هوسی بن عیسی بن  
عبدالله بن محمد بن ابی جراده حلبی ، مکنی به ابوالحسن ،  
معروف به ابن العدیم ، نخستین کسی است از افراد خانواده بنی العدیم که در حلب بقضاوت  
شد ، فقه را از قاضی ابوجعفر سمعانی یاد گرفت ، در چهارصد و بیست و نهم

۱- ابن العدیم - موافق آنچه ضمن عنوان بنی جراده از خاتمه کتاب تذکر خواهیم  
داد بنی العدیم عنوان مشهوری خانواده است از بطون و شعب خانواده بنی جراده . هر یک از  
افراد ایشان با بنی العدیم معروف و در اینجا بشرح حال اجمالی بعضی از ایشان میپردازیم و وجه  
تسمیه را نیز ضمن شرح حال ابن العدیم عمر ، تذکر خواهیم داد .

هجرت درگذشت . شرح حال اجمالی پسرش **هبة الله بن احمد** نیز بعنوان قاضی **هبة الله** نگارش یافته است . **محمد بن هبة الله** مذکور نیز که کنیه اش **ابو غانم** میباشد فقیهی است فاضل عابد عقیق زاهد ، بعد از فوت پدر قضاوت و خطابت و امامت حلب و نواحی آن بدو مفضّل شد و بعمارت مسجد حلب پرداخت ، بعد از سال پانصد و هیجدهم هجرت که حلب محصور فرنگیها بوده وفات یافت . پسرش قاضی **ابوالفضل هبة الله بن محمد بن هبة الله** هم فقیه عابد زاهد بود ، بعد از وفات پدرش بقضاوت حلب و نواحی منصوب شد و در پانصد و شصت و دویم هجرت درگذشت و خواهرزاده اش **محمد بن عبدالملك احمد بن هبة الله** که کنیه اش **ابوالمکارم** و شهرتش **قاضی بسعدتك** بوده قضاوت حلب را حیازت نموده و در پانصد و شصت و پنجم یا ششم هجرت در حلب درگذشت . سبب شهرت مذکورش آن بوده که در جواب هر سؤالی کلمه **بسعدتك** بزبان میآورد مثلاً **فالانی چطور شد میگفت مات بسعدتك** و **فالان خانه چطور شد خربت بسعدتك** و هكذا . (ص ۵-۳۰ ج ۱۶ جم)

حسن بن ابوالحسن علی اولی و سیمی را بعنوان ابن ابی جراده	ابن العدیم
عبدالقاهر بن ابوالحسن علی } و دومی را نیز بعنوان ابوالبرکات	ابن العدیم
علی بن عبدالله	ابن العدیم

نگارش داده ایم .

عمر بن هبة الله - یا عمر بن احمد بن هبة الله بن محمد بن هبة الله

بن احمد بن یحیی مذکور فوق حلبی ، ملقب به **كمال الدین** ،

معروف به **ابن ابی جراده** و **ابن العدیم** ، مکنّی به **ابو حفص** یا **ابوالقاسم** ، فقیه هفتی محدّث حافظ مورّخ بلیغ کاتب منشی شاعر ، قاضی حنفی ، از اکابر علما و محدّثین اهل سنت میباشد که در حلب و دمشق و حجاز و عراق از پدر خود و دیگر اکابر وقت تکمیل مراتب علمیه نموده و ریاست حنفیه بدو منتهی می شده است . در خط و کتابت نیز بی نظیر و در عصر خود ضرب المثل و بخت خطاط شهر ، **ابن البواب** سابق الذکر ترجیحش میداده و بیبای گزافش می خریدند ، حتی **ملوک** و اکابر مانند **آلی** و **جواهر اتحاف** یکدیگر منمودند .

در اثر سرعت قلمی هم که داشته کتب بسیاری استنساخ نموده و مدتی متصدی قضاوت حلب هم بوده و تمامی عمر خود را در تألیف و تدریس و فتوی مصروف داشته است . از تألیفات او است :

۱- اخبار المستفادة فی ذکر بنی جرادة که در شرح حال افراد این خانواده تألیف کرده است ، یاقوت حموی این کتاب را از خود مؤلف خوانده و گوید : وجه تسمیه و سبب شهرت ایشان به بنی العدیم را از وی پرسیدم اظهار بی اطلاعی کرده و گفت افراد خانواده نیز بی اطلاع هستند ، این نام ، محدث بوده و اسلاف ما بدان معروف نبوده و چیزی بنظرم در این باب نمیرسد جز اینکه جدّ جدّم قاضی ابوالفضل هبة الله بن احمد بن یحیی با همه ثروتی که داشته همیشه در اشعار خود از فقر و پریشانی شکایت میکرد ، بهمین جهت به عدیم شهرت یافته و خانواده اش نیز به بنی العدیم معروف شدند و بعد از این جمله گفت اگر این هم سبب این شهرت نبوده باشد سبب دیگری را سراغ ندارم . نگارنده گوید : بنا بر این که هبة الله مذکور ، موصوف به عدیم باشد باید خودش و پدرش احمد ، موصوف به ابن العدیم نباشند و حال آنکه ایشان نیز از افراد بنی العدیم بوده اند اینک در وجه تسمیه ، قول خود یاقوت را تأیید مینمایم که چون یحیی پدر احمد که جدّ اعلی عمر است عدیم و بی چیز بوده لذا هر یک از اولاد او به ابن العدیم مشهور و خانواده اش نیز به بنی العدیم شهرت یافته اند ۲- بغية الطلب فی تاریخ حلب که شرح حال اعیان حلب را بترتیب اسامی حاوی ، چهل مجلد از آن به مبیضه نقل ، بتیغاش در مسوده باقی و بواسطه حلول اجل حتمی نقل به مبیضه نشده است و ذیلهای بسیاری برای آن نوشته اند ۳- تبريد حرارة الاكباد فی انصبر علی فقد الاولاد ۴- الخط و علومه و آداب و وصف ضروبه و اقلامه ۵- الدراری فی ذکر الدراری ۶- رفع الظلم والتجری عن ابي العلاء المعری ۷- زبدة الحلب فی تاریخ حلب که با ترجمه لاتینی در پاریس چاپ شده است ۸- ضوء المصباح فی الحث علی السماح و از اشعار ابن العدیم هم است :

فوا عجا من ريقه و هو طاهر      حلال و قد اضحی علی محرما  
هو الخمر لكن این للخمر طعمه      و لذته مع انی لسم اذقهما

يك قصيدة ميميه كه در آن قتل و غارت و ويراني عمارت و ديگر صنععات را كه از مغول بحلب وارد آمده متذكر شده و مطلع آن اين است :

هو اللّٰه ما تبنيه كفك يهدم      و ان رمت انصافا لئديه فضلم

عمر بسال ششصد و شصتم و ياشصت و ششم هجری در هفتاد و پنج يا هشتاد و يك سالگی در قاهره مصر در گذشته و در قرافه مدفون گردید .

(كف وص ۵ ج ۱۶ جم و ۹۶ ج ۶ فع و ۶۴۶ ج ۱ س وغيره)

ابن العدیم      محمد بن عبد الملك - (فوقاً ضمن شرح حال ابن العدیم احمد  
ابن العدیم      محمد بن هبة الله - (مذكور شدند .

ابن العدیم      هبة الله بن احمد - بنوان قاضي هبة الله نگارش یافته است .

ابن العدیم      هبة الله بن محمد - فوقاً ضمن ابن العدیم احمد مذکور شد .

ابن عرب شاه      ابراهيم - در باب اول (القاب) بعنوان تصام الدين مذکور است .

ابن عرب شاه      احمد - بن محمد بن عبدالله بن ابراهيم ، حنفی رومی ، دمشقی  
الاصل والولادة والنشأة ، معروف به عربي و ابن عرب شاه ، ملقب

به شمس الدين ، مكنتی به ابو محمد و گاهی به عجمی هم موصوف میباشد از افاضل او اوسط قرن نهم هجرت است كه به روم و سمرقند و بلاد ماوراءالنهر و خوارزم مسافر تنها كرد ، فقه و اصول و ديگر علوم متداوله را از اكابر آنها ياد گرفت و علم و فضل او مورد تصديق اهل عصر خود بوده است . اخيراً بسوطن خود دمشق برگشت ، بحال انزوا بتأليف و مطالعات پرداخت ، بعضی از كتب فارسی را بترکی ترجمه نمود و بهر سه زبان عربي و تركی و فارسی تألیفات طریفه دارد :

۱- عجائب المقدور في نوائب (اخبار خدا) تیمور كه كتابی است مسجع و مقفی و بدیع الانشاء در تاریخ تیمور لنگه كه در قاهره و كلكته چاپ و درلیدن نیز با ترجمه لاتینی اش بطبع رسیده است ۲- فاكهة الخلفاء و مغاکهة النظر فاء كه باصول كتاب كلیله و دمنه بوده و در مصر و قاهره با ترجمه لاتینی اش چاپ شده است ۳- مرآت الادب في المعانی و البیان ۴- مرزبان نامه كه اصل آن بترکی بوده و اسپهبد مرزبان از حکما و شاهزادگان طبرستان در قرن چهارم

هجرت بفارسی ترجمه کرده و همین ترجمه فارسی در ایران چاپ شده است . نظر بعضی آنکه  
ابن عربشاه هم آنرا بعربی ترجمه کرده و همین ترجمه عربی در مصر چاپ شده است . وقات  
او بسال هشتصد و پنجاه و چهارم هجرت در شصت و چهار سالگی واقع گردید .

(ص ۲۳۰ ج ۶ فاع و ۱۷۳ مط)

محمد - بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن احمد ، قاضی حافظ

ابن عربی

مالکی اندلسی اشبیلی ، مکنی به ابوبکر ، معروف به ابن العربی ،

از اکابر اواسط قرن ششم هجری اندلس میباشد که بیاد بسیاری مسافر تپا کرد ، از ابوبکر  
شاشی و ابو حامد غزالی و دیگر اجله ، فقه و اصول و حدیث و تفسیر و علوم عربیه را  
متقن داشته و در اکثر علوم متداوله متفنن و متبحر بوده است . اخیراً بموطن و مولد  
خود اشبیلیه از بلاد اندلس برگشت ، مدتی متصدی قضاوت بوده و بعد منصرف شد و  
تمامی اوقات خود را در تألیف و نشر علوم متنوعه مصروف داشت تا در سال پانصد و چهل  
و دویم یا سیّم یا ششم هجری قمری درگذشت و از تألیفات او است :

- ۱- احکام القرآن که در قاهره چاپ شده است ۲- الانصاف فی مسائل الخلاف ۳- انوار  
الفجر فی تفسیر القرآن که ۸۵۰ شتاد مجلد بوده و در ظرف بیست سال تألیفش کرده است ۴- ترتیب  
المسائل فی شرح موطأ مالک ۵- سراج المریدین ۶- سراج المهتدین ۷- عارضة الاحوذی  
فی شرح سنن الترمذی ( عارضة بمعنی قدرت بر کلام و احوذی کسی است که کارها را از کثرت مهارت  
زودتر انجام دهد ) ۸- قانون التأویل ۹- القبس فی شرح موطأ مالک بن انس ۱۰- القواصم  
والعواصم ۱۱- مراقی الزلف ۱۲- المناسخ و المنسوخ و غیر اینها .

(کف و ص ۷۲۴ هب و ۴۹ ج ۱ فاع و ۶۴ ج ۲ کا و خود احکام القرآن فوق و غیر اینها)

محمد بن علی - در باب اول (الثاب) بعنوان محیی الدین عربی

ابن العربی

مذکور است .

در اصطلاح رجالی عیسی بن صبیح عرزمی و بعضی دیگر است .

ابن العرزمی

ابراهیم بن محمد - بعنوان نقطویه مذکور شده است .

ابن عرفه

محمد بن احمد - بعنوان دسوقی نگارش یافته است .

ابن عرفه



**ابن العریف** - احمد - بن محمد صنہاجی اندلسی ، زاهد صوفی ، مکنی به  
 ابوالعباس ، معروف به ابن العریف و صلاح ، از اکابر زهاد قرن  
 ششم هجرت میباشد که در علوم متداوله حظی وافر داشت ، شعر خوب نیز میگفته و کتاب  
 المجالس از تألیفات او است . وی بسال پانصد و سی و ششم هجری قمری در مراکش درگذشت .  
 (کف والاعلام زرکلی ۶۴۷ ج ۱ ص)

**ابن العریف** - بن ولید بن نصر بن عریف قرطبی ، ادیب نحوی فقیه کامل ،  
 حافظ آراء فقها که کنیه اش ابوبکر ، شهرتش ابن العریف و برادر  
 حسین بن ولید ذیل است . سال وفات و مشخص دیگرش بدست نیامد .  
 (ص ۲۱۸ ت)

**ابن العریف** - حسین - ادیب نحوی شاعر ، مکنی به ابوالقاسم ، معروف به  
 ابن العریف ، از اساتید علوم عربیه و ادبیه میباشد که باقران خود  
 مقدم بود و بسال سیصد و نودم هجری قمری در شهر طلیطله از بلاد اندلس درگذشت .  
 (ص ۱۸۲ ج ۱۰ جم و سطر ۴ ص ۲۱۸ ت)

**ابن عزیز** - محمد بن عبدالعزیز - بنوان سجستانی محمد نگارش یافته است .  
**ابن عساکر** - احمد - بن هبة الله بن احمد بن محمد بن حسن ؛ دمشقی شامی ،  
 ادیب محدث حافظ شافعی ، مکنی به ابوالفضل یا ابوالیمن ،  
 معروف به ابن عساکر ، از فضلاء قرن هشتم هجرت میباشد که در سال هفتصد و سی و هشتم  
 درگذشت و بظن صاحب روضات او نیز کتاب جامع بزرگی در حدیث دارد .  
 (ص ۸۹ ت)

**ابن عساکر** - عبدالرحمن - بن محمد بن حسن بن هبة الله بن عبدالله بن حسین ،  
 فقیه شافعی یا حنفی ، معروف به ابن عساکر ، ملقب به فخرالدین ،  
 مکنی به ابومنصور ، برادرزاده ابن عساکر علی بن حسن ذیل میباشد که از مشاهیر فقهای  
 عامه قرن هفتم هجرت ، با ابن حاجب و نظائر وی معاصر بود ، مدتی در مدرسه جاروحیه

و تقویة دمشق و مدرسه صلاحیة بیت المقدس تدریس نموده و مرجع استفادة اکابر گردید و در دهم رجب ششم و بیستم هجری قمری در هفتاد سالگی در دمشق وفات یافته و در مقابر صوفیه مدفون گردید و تألیفاتی در فقه و حدیث بدو منسوب دارند .

(ص ۲۹۹ ج ۱ کا و ۶۴۸ ج ۱ و ۳۰۷۲ ج ۲ ص)

علی - بن حسن بن هبة الله بن حسن بن عبدالله بن حسین بن  
ابن عساگر

عساگر دمشقی ، مکنی به ابوالقاسم یا ابوالحسن، ملقب به

نورالدین و ثقة الدین، معروف به ابن عساگر، از مشاهیر مورخین و فقها و حفاظ محدثین شافعیة قرن ششم هجرت میباشد که به حافظ کبیر مصروف و لفظ ابن عساگر در صورت نبودن قرینه بدو منصرف و از کثرت فطانت و حدت ذهن و ذکاوت به شعله ناره هم متصف بوده است.

بعد از تکمیل مقدمات و مبادی معموله ، بمرام استماع حدیث و تکمیل مراتب

علمیة عراق عرب و عجم و نواحی خراسان مسافر تها کرد ، در اصفهان و خراسان بنشر احادیث نبویة پرداخت ، از مشایخ بسیاری که بنوشته بعضی از اهل سیر عدّه ایشان هشتاد زن و یک هزار و سیصد تن مرد بوده استماع حدیث نموده تمامی اوقات خود را در تألیف و عبادت و تعلیم و تعالم مصروف داشت و نورالدین ملک عادل محمود بن زنگی مدرسی بنام دارالحدیث النوریه برای او بنا نهاد ، او هم تا آخر عمر در همانجا تدریس حدیث میکرد ، در نتیجه قناعت که گنجی بی نهایت است با کبر و اغنیا و امور دنیویة توجهی نداشته و از تألیفات او است :

۱- الاربعین الطوال که چهل حدیث مبسوط مشعر بر نبوت حضرت خیر الانام و فضائل اصحاب کرام است و نام این کتاب را در روضات بدین روش نوشته است: اربعین حدیثاً عن اربعین شیخاً من اربعین مدینة و شاید این اربعین غیر از اربعین طوال باشد ۲- الاشراف علی معرفة الاطراف که دو مجلد است ۳- الاطراف للسنن الاربع ۴- الامالی فی الحدیث ۵- تاریخ دمشق که هشتاد مجلد و به تاریخ کبیر معروف بوده تکمیل و تلخیصاً محل توجه اکابر مورخین است ۶- تبیین کذب المفتری فی مانسب الی ابی الحسن الاشعری . از ابن السبکی نقل است که این کتاب ، کثیر الفایده میباشد ، هر فقیهی که آنرا نداشته باشد شافی حقیقی نیست و هر سنی که آنرا نداشته باشد نفس او بی بصیرت میباشد و مشایخ هم ، طلبه را بمطالعه آن امر میکردند ۷- معجم الشیوخ

۸- مناقب الشباب ۹- الموافقات در حدیث . اشعار طریقهٔ ابن عساکر نیز بسیار بوده و از او است:

ایا نفس و یحک جاء المشیب	فما ذا التصابی وماذا الغزل
تولی شبایی کان لم یکن	و جاء المشیب کان لم یزل
کانی بنفسی علی غرة	و خطب المنون بها قد نزل
فیالیت شعری ممن اکون	وما قدر الله لی فی الازل

الا ان الحدیث اجل علم	و اشرفه الاحادیث العوالی
و انفع کل نوع منه عندی	و احسنه الفوائد والامالی
و انک لن تری للعلم شیئا	یحققه کافواه الرجال
فکن یا صاح ذا حرص علیه	و خذه عن الرجال بالاملال
ولا تأخذه من صحف قترمی	من التصحیف بالداء العضال

بسال پانصد و هفتاد و یکم یا دویم هجرت در دمشق در گذشته و در مقابر باب الصغیر نزد عشیره و اقوام خود در جوار معاویه مدفون گردید و شیخ قطب الدین نیشابوری بجنازهاش نماز خواند ، ملک ناصر صلاح الدین یوسف بن ایوب هم در نماز جنازهاش حاضر بود . ناگفته نماند در طبقات الشافعیة گوید که صاحب ترجمه را ابن عساکر گفتن مجرد شهرت است و الا کسی از اجداد او را سراغ نداریم که موسوم به عساکر باشد و لیکن در معجم المطبوعات و بعضی از مدارک دیگر عساکر را نام جد چهارم یا پنجم او نوشته اند چنانچه در صدر عنوان مذکور داشتیم .

(ص ۳۶۳ ج ۱ کا و ۲۷۳ ج ۴ طبقات الشافیه و ۷۳ ج ۱۳ جم و سطر ۶ ص ۸۹ ت و ۶۴۸ ج ۱ س)

ابن عساکر  
علی - بن عساکر بن مرجب بن عوام ، نحوی قاری بغدادی ،  
مکنسی به ابوالحسن ، معروف به بطایحی و ابن عساکر ، از ائمهٔ قرائت

بوده و از احمد بن حسن بن بنا و بعضی دیگر روایت نموده است و با اینکه ناینا بوده مصنفاتی در علوم قرآنیّه بدو منسوب دارند . در سال پانصد و هفتاد و دویم هجرت درگذشت و بنوشتهٔ معجم الادبا و ولادتش بسال چهارصد و نهم هجرت بوده و بنا بر این مدعت عمرش یکصد و شصت و سه سال میباشد ولی بسیار مستبعد و ظاهر آن است که در تاریخ ولادت در موقع طبع و یا از خود مؤلف سهو شده است .

(سطر ۳۷ ص ۹۰ ت و ۶۱ ج ۱۴ جم)

## ابن عسکر

محمد - بن علی بن خضر در باب (القاب) بعنوان غسانی مذکور است.

## ابن العشرة

حسن بن یوسف - یا حسن بن علی بن احمد بن یوسف عاملی ،

ملقب به عزالدین، معروف به ابن العشرة، فقیهی است فاضل زاهد،

کثیر الورع والدعاء والعباده که از عقلائی علمای اواخر قرن هشتم و اوائل قرن نهم هجرت بوده است . در حدود چهل مرتبه حج نمود ، مصدر همه گونه منافع و خیرات و مبرات متنوعه ، از تلامذه ابن فهد حلّی (احمد بن محمد بن فهد) و ابوطالب محمد پسر شهید اول و نظائر ایشان بود ، در سال هشتصد و شصت و دویم هجرت از بعض تلامذه شهید اول روایت نموده و در قریه کرک نوح از دیپات جبل عامل وفات یافت و پیش از وقت قبر خود را تهیه کرده بود و سال وفاتش بدست نیامد .

ابن العشرة گفتن او موافق آنچه در روایات از امل الامل نقل کرده بجهت آن است

که مادرش يك مرتبه در توی پرده نازکی ده بچه بر آورد ، فقط یکی از ایشان که همین عزالدین حسن است در حیات مانده و دیگران مردند و از این رو با ابن العشرة (بفتح عین) مشتهر گردید ، لکن در اعیان الشیعه گویند که ابن العشرة بکسر عین است و در مستدرک نیز بعد از استعجاب حکایت مذکور بلکه نبودن آن در امل الامل گویند که خود صاحب امل الامل کسر عین را استظهار کرده است .

(ص ۴۳۱ مس و ۸۵ ج ۱۶ عن وسطر ۲ ص ۲۰ ت)

## ابن العصار

علی - بن عبدالرحیم بن حسن بن عبدالملک تغلبی لغوی، معروف

به ابن العصار ، از اکابر لغویین قرن ششم هجرت میباشد که از

تلامذه ابو منصور جوالیقی و اساتید عمید الرؤساء سابق الذکر بوده و ریاست لغویین عهد خود بدو منتهی گردیده است . وی در سیّم محرم پانصد و هفتاد و پنجم هجرت درگذشت .

(ص ۱۰ ج ۱۴ جم و غیره)

## ابن عسرون

عبدالله بن محمد - بعنوان ابن ابی عسرون نگارش یافته است .

علی - بن موسی (مؤمن خدا) بن محمد بن علی نحوی، حضرمی  
ابن عصفور

الأصل ، اندلسی اشبیلی الولادة ، تونسى الوفاة ، ابوالحسن

الكنية ، ابن عصفور الشهرة ، از اعظم ادبای قرن هفتم هجرت میباشد که در زمان خود  
در بلاد اندلس حامل نوای علوم عربیه و از تلامذه دباج و اساتید شلوین سابقی الذکر  
بوده و از تألیفات او است :

۱- الازهار ۲- انارة الדיاجی ۳- البديع ۴- السائف والعدار ۵ تا ۱۳- سرقات  
الشعراء و شرح اشعار السنة و شرح الجزولية و شرح الجمل و شرح الحماسة و شرح المتنبي و  
شرح المقرب و مختصر الفرة و مختصر المحتسب ۱۴ تا ۱۶- المفتاح والمقرب در نحو و اللمتع  
در صرف و الالهلال . بسال شصت و شصت و سیم یا نهم هجری قمری در شصت و هفت یا هفتاد و یک  
سالگی درگذشت و قاضی ناصرالدین ابن المنیر در مرثیه اش گفته است :

استد انحو الينا السدثلى عن امير المؤمنين البطلی

بدأ النحو على وكذا قسمل بحق ختم النحو على

(ص ۷۵ هب و ۴۹۳ ت ۶۴۸ ج ۱ س)

احمد بن عبدالله - ياعبيد بن ناصح بن بلنجر نحوى كوفى ، ديلى  
ابن عصيدة

الأصل ، معروف به ابن بلنجر و ابن عصيدة ، مكنتى به ابو جعفر ،

مؤذّب و معلّم اولاد متوكّل عباسى بود که در سال دويست و هفتاد و سيم هجری قمری  
درگذشته و از تألیفات او است :

۱- عيوم الاخبار والاشعار ۲- كتاب المذکر والمؤنث ۳- كتاب المتصور والممدود  
وغير اينها .  
(كف و ۲۲۸ ج ۳ جم)

احمد بن عطا - به ابوالعباس مكنتى و به ابن عطا معروف از كبار  
ابن عطا

صوفيه بغداد میباشد که علوم شريعت و طريقت را جامع بود ،  
فنون تصوف را از جنيد بغدادى اخذ کرده و تفسيرى رمزى بر قرآن مجيد نوشته است .  
عاقبت بجهت پاره اى مدايح که درباره منصور حلاج گفته بوده در سال سيصد و نهم هجرت  
بامر حامد بن عباس وزير مقتدر بالله هيچدهمين خليفه عباسى (۲۹۵ - ۳۲۰ هـ = رصه - شك)  
تمامى دندانه ايش را يکى يکى برکنده و بر سرش کوييدند و اعدامش نمودند .

(ص ۳۸ ج ۱ فع)

ابن عطا } احمد - بن محمد بن عبدالکریم بن عطاءالله بن محمدشاذلی،  
یا } ابن عطاءالله مالکی یا شافعی، اسکندری یا اسکندرانی یا سکندری، ملقب

به تاج‌الدین، مکنی به ابوالفضل و ابوالعباس، معروف به ابن عطا و ابن عطاءالله، از اکابر علمای متصوفه عامه میباشد که تفسیر و حدیث و اصول و نحو و فقه مالکی و دیگر علوم متداوله را جامع و در تصوف اعجوبه زمان بود، در قاهره اقامت کرده و بوعظ و ارشاد اشتغال داشته است و از تألیفات او است :

۱- تاج العروس و قمع النفوس ۲- التنویر فی اسقاط التذویر و این هر دو در تصوف بوده و در مصر و قاهره چاپ شده‌اند ۳- الحکم العطائیه یا حکم ابن العطا در اخلاق که کلمات حکیمانده اهل طریقت را حاوی و محل توجه اکابر بوده و شرح بسیاری بر آن نوشته‌اند و بتصدیق مرشد و پیر طریقتش ابوالعباس مرسی تمامی مقاصد احیاء العلوم را با زیادتی دیگر جامع میباشند. در فاس مستقلاً و با شرح ابن عجبیه سابق‌الذکر چاپ شده است ۴- مفتاح الفلاح و مصباح الارواح یا مفتاح الفلاح فی ذکر الله الکریم الفتح در اخلاق که در مصر چاپ شده است. صاحب ترجمه بسال هفتصد و نهم هجرت در مدرسه منصوریه قاهره وفات یافته و در قرافه صغری مدفون گردیده است.

ابوالقاسم بن عطار - از ادبا و شعرای قرن ششم هجرت میباشند  
ابن عطار که با فتح بن خاقان (متوفی بسال ۵۳۵ هـ ق = ۱۱۴۰ م) معاصر،

اشعارش بسیار لطیف و از او است :

لا بد للدمع بعد الجری ان یقف  
و بی غزال اذا صادفت غرته  
کالبدر مکتوما کالظبی ملتفتا  
وهبه سال فؤادی عنده اسفا  
جنیت من و جنتیه روضة اتقا  
کالروض مبتسما کالغصن منعظا

سال وفاتش بدست نیامد و ظاهراً نام اصلیش هم ابوالقاسم است.

(ص ۶۴۸ ج ۱ س)

ابوبکر - بن غالب بن عطیه غرناطی، از علمای ادبای اواخر  
ابن عطیه قرن پنجم هجری اندلس میباشد که بشرق مهاجرت کرده بودند

و از او

کن بذئب صائد مستاناً  
انما الانسان بحسر مائسه  
واجعل الناس كشخص واحد  
و اذا ابصرت الانسان ففر  
ساحل فاحذره اياك الغور  
ثم کن من ذالك الشخص حذر

سال وفاتش غير معلوم بوده و ظاهراً نام اصلیش هم ابوبکر است .

(ص ۶۴۹ ج ۱ س)

عبدالحق - بن ابی بکر فوق ، مکنی به ابو محمد ، از علمای قرن

ابن عطیه

ششم اندلس میباشد که در فقه و تفسیر و حدیث و نحو و لغت یندی

طولی داشت ، در بعضی از بلاد اندلس قضاوت نموده و تفسیری بقرآن مجید نوشته است

که نامش المجرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز بوده و بسیار مقبول میباشد . ابو حیان

بسیارش ستوده و گوید ابن عطیه بزرگترین کسی است که در تفسیر قرآن تألیف نموده و

فاضل ترین اشخاصی است که بتنقیح تفسیر پرداخته اند و این عبدالحق را ابن عطیه متأخر

نیز گویند چنانچه ذیلاً ضمن شرح حال ابن عطیه عبدالله مذکور است و از اشعار او است:

بالسيف اسحب اذ يالا من الظلم

و ليلة جبت فيها الجزع مرتديا

والبرق في طينسان الليل كالعلم

والنجم حيران في بحر اندجى غرق

جرح في شعب احيانا له بدم

كأنما الليل زنجى بكاهله

بسال پانصد و چهل و ششم هجرت در شهر لورقه در گذشت و نام او در قاموس الاعلام و در

یکجا از کشف الظنون بقرار فوق و در جای دیگر آن عبدالله بن عبدالحق است .

(کف و ص ۶۴۹ ج ۱ س)

عبدالله - بن عطیه دمشقی ، مکنی به ابو محمد ، محدث مفسر

ابن عطیه

قاری ، از اکابر قرن چهارم هجرت میباشد که پنجاه هزار بیت

شعر برای استشهاد بر معانی قرآنی در حفظ داشته و گاهی او را ابن عطیه قدیم نیز گویند

که زمان او سابق بزمان ابن عطیه عبدالحق مذکور فوق بوده و او نیز تفسیری دارد که

که به تفسیر ابن عطیه قدیم معروف است ، در مقابل ، محض بجهت امتیاز ، عبدالحق

مذکور فوق را ابن عطیه متأخر و تفسیر او را نیز تفسیر ابن عطیه متأخر نامند . وفات

ابن عطیه عبدالله در سیصد و هشتاد و سیم هجرت واقع گردید .

(کف و ص ۱۹ تذکره النوادیر)

ابو محمد - بن عطیه ، از ادبا و شعرای قرن هشتم هجری اندلس

ابن عطیه

میباشد که مدتی قضاوت نموده و مدتی هم خطیب مسجد اعظم

غرناطه بوده و از اشعار او است :

الا ایها اللیل البطیئی الکواکب      متى ینجلی صبح بلبل المآرب  
وحتى متى ارعى النجوم مراقبا      فمن طالع منها على اثر غارب

ولادتش بسال هفتصد و نهم هجرت واقع شد و سال وفاتش بدست نیامد .

(ص ۶۴۹ ج ۱ س)

محمد بن سلیمان - بن علی بن عقیف الدین ، تلمسانی الاصل ،

ابن العقیف

قاهری الموالد ، دمشقی المدفن ، ملقب بد شمس الدین ، معروف

به شاب ظریف و ابن العقیف ، مانند پدرش از مبرزین ادبا و شعرای قرن هشتم هجرت

میباشد که اشعار او لطیف و سلیس و ساده و قریب بافهام عموم و سهل الحفظ و دلچسب

و محل رغبت عامه بود و بهمین جهت اهل آن عصر و ادوار تالیف خصوصاً اهل دمشق مقنون

آنها بوده و هیچ شاعری را بندو ترجیح نمیدادند . دیوان او در مصر و بیروت چاپ و

یک مقامه هم دارد که در دمشق طبع شده و از اشعار او است :

ما بین هجرک والنوی      قد ذبت فیک من الجوی  
و حیات وجهک لاسلا      عنک المحب ولا نوی  
یا فاتنی بمعاطف      سجدت لها قضب اللوی

بسال ششصد و هشتاد و هشتم هجرت در بیست و هشت سالگی در دمشق در حال حیات

پدر درگذشت ، پدرش هم که شرح حال او را بعنوان عقیف الدین سلیمان نگارش داده ایم

مراثی بسیاری برای او گفته است . (ص ۶۴۹ ج ۱ س و ۱۸۶ مط و منفرده)

احمد بن محمد - بن سعید بن عقده ، یا عبدالرحمن بن زیاد بن

ابن عقده

عبدالله بن زیاد بن عجلانی سیعی همدانی کوفی ، مکنی به



ابوالعباس، معروف به ابن عقده، محدث حافظ رجالی جلیل القدر و عظیم المنزله، از ارکان اصحاب حدیث و اکابر حفاظ و ضبط و مشایخ روایت وافر از محدثین بود.

دارقطنی سابق الذکر گوید که بعد از زمان ابن مسعود صحابی، محدثی احتفظ از ابن عقده دیده نشده است. از خودش نقل است که یکصد و بیست هزار حدیث با اسناد آنها در حفظ داشته و سیصد هزار حدیث هم در تحت مذاکره و مشغول تکمیل شرائط روایت آنها بوده است و از تألیفات او است:

۱- اخبار ابی حنیفه ۲- اسماء الرجال للذین رووا عن الصادق ع که چهار هزار تن از کسانی را که آن حضرت روایت کرده اند ضبط و هر حدیثی را که هر یک از ایشان از آن حضرت فرا گرفته ثبت نموده است ۳- تسمیة من شهد مع امیر المؤمنین ۴- تفسیر قرآن مجید و سید رضی الدین علی بن طاووس در رساله محاسبة النفس از این تفسیر روایت میکند و غیر اینها.

صاحب ترجمه بسال سیصد و سی و دویم یا سیّم هجرت در کوفه وفات یافت، بقول نجاشی و علامه حلی، زیدی جارودی بوده لکن با امامیه معاشرت داشت، اصول ایشان را ذکر نموده و جمیع کتابهای ایشان را از مؤلفین آنها روایت مینماید.

ناگفته نماند خطیب بغدادی نیز بشرح حال ابن عقده پرداخته، عالم و کثیر الحفظ و الروایة بودن، صدق و وثاقت او را ستوده و حافظ صد هزار یا دویست و پنجاه هزار یا سیصد هزار حدیث بودن و تحت مذاکره داشتن سیصد یا ششصد هزار حدیث با وسائط مختلفه از وی روایت کرده و با این همه بجهت نشر مطاعن شیخین و صحابه و فاسد کردن احادیث اهل کوفه و بعضی جهات دیگر، او را متروک الروایة شمرده و گوید بهمین جهت حدیث او را ترك کرده و از وی روایت نمیکنم. اما ابن عقده مفتن احمد بشرموده فیض بجهت آن است که نام جدّ عالی او عقده بوده و بنوشته بعضی دیگر عقده لقب پدرش میباشد که بجهت تعقید کردن در علم صرف لقب عقده داشته است.

## ابن عقیل

حسن بن علی - بنوان ابن ابی عقیل مذکور داشتیم .

## ابن عقیل

عبدالله بن عقیل - یا عبدالله بن عبدالرحمن بن عبدالله بن محمد

بن محمد بن عقیل، شافعی قرشی هاشمی عقیلی همدانی مصری

آمدی، ملقب به بهاءالدین، مکنی به ابو محمد، معروف به ابن عقیل، از مشاهیر ادبا و

نحویین قرن هشتم هجرت میباشد که از اولاد جناب عقیل بن ایطالب برادر حضرت

امیر المؤمنین ع بوده و از تلامذه ابو حسیان و نظائر وی و از اساتید سراج الدین بلقینی

و امثال او میباشد. با ابن هشام معروف صاحب مغنی اللیب معاصر، در نحو و فنون عربیه

بدیگران مقدم، بتصدیق شمنی، نحوی تر از او در زیر آسمان وجود ندارد. علاوه

بر علوم عربیه در فقه و اصول و تفسیر و معانی و بیان و عروض و قرائت نیز مهارتی

داشت، مدتی قاضی القضاة مصر و بسیار سخی و بامهابت و شہامت و عزت نفس بود،

با کابر و ارباب ثروت اعتنا نکرده و با احترام تمام میزیسته است و از تألیفات او است:

۱- تفسیر قرآن مجید که تا آخر سوره آل عمران است ۲- الجامع النفیس فی الفروع

(فقه) ۳- شرح الفیه ابن مالک که بهترین شرح الفیه و محل توجه اکابر بوده و بارها در

برلین و بیروت و قاهره و غیره چاپ شده است ۴- شرح تسهیل ابن مالک که نامی المساعد

و نامم است. وفات ابن عقیل بسال هفتصد و شصت و نهم هجری قمری در هفتاد و یک یا

دو سالگی در مصر واقع شد و نزدیکی امام شافعی دفن گردید.

(ص ۷۶ هب و ۴۵۸ ت و ۶۴۹ ج ۱ س و غیره)

علی بن محمد - بن عقیل بغدادی حنبلی قاری نحوی، مکنی

به ابوالوفاء، از اکابر علمای حنبلیه میباشد که در فقه و اصول

و کلام و ادبیات و تصوف و علم خلاف و دیگر علوم متداوله و حید عصر خود، در وعظ

و خطابه نیز با طاق و قدرت بیان معروف بوده و از تألیفات او است:

۱- الارشاد ۲- الفنون یا کتاب الفنون که علوم متنوعه بسیاری مشتمل، زیاده

بر چهارصد علم و فن را حاوی و هفتاد یا صد یا سیصد مجلد یا بیشتر میباشد ۳- الواضح

در اصول فقه و سه مجلد است و در پانصد و سیزدهم هجرت در هشتاد و دو سالگی درگذشت.

(کف و ص ۷۶۶ ج ۱ س و سطر ۲۷ ص ۴۵۸ ت)

## ابن العلاف

حسن - بن علی بن احمد نهروانی ، نایب‌نای مکنی به ابوبکر،

معروف به ابن العلاف، از مشاهیر شعرای اوائل قرن چهارم هجرت

و از ندمای معتضد بالله شانزدهمین خلیفه عباسی (۲۷۹-۲۸۹ هـ ق = رعمط - رفظ) و مشمول مراحم وی بود . نوادری بدو منسوب ، اشعارش لطیف و مرغوب و با يك فقره قصیده دالیه معروف به مرثیه هره اشتهار یافته است که بحکم و مواعظ بسیاری مشتمل و در خصوص گریه خانگی خود که بقصاص کبوتر بچگان همسایگان مقتول ایشان بوده سروده است . این قصیده مفصل و در وفیات الاعیان فقط چهل و دو بیت از آن مذکور شده و ما هم بملاحظه جنبه حکمی آن بادر نظر گرفتن اختصار کتاب يك چند بیت از آن را مینگاریم:

و كنت عندي بمنزلة الوند  
كنت لنا عدة من العدد  
بالغيب من حية ومن جرد  
ما بين مفتوحها الى السد  
ولا تهاب الشتاء في الجهد  
امرک في بيتنا على سدد  
ولم تكن للاذى بمعتقد  
ومن يحم حول حوضه يرد  
و انت تنساب غير مرتعد  
قتلك اربابها من الرشد  
منك وزادو او من يصد يصد  
حتى سقيت الحمام بالرصد  
ثم ترت منها لصوتها الغرد  
اذقت افراخها يدا بيد  
ومت ذا قاتل بلا قود  
و يحك حلا قنعت بالغرد  
وثبت في البرج وثبة الاسد  
تاخرت مدة من المدد  
ياكلك الدهر اكل مضطهد  
اغره في السدنو والبعد

يا هر فارقتنا ولم تعد  
وكيف ننفك عن هواك وقد  
نظره عنا الاذى وتحرسنا  
و تخرج الفار من مكانها  
لا ترهب الصيف عند حاجرة  
وكان يجري ولا سداد لهم  
حتى اعتقدت الاذى لجيرتنا  
وحمت حول الردي لظلمهم  
وكان قلبي عليك مرتعدا  
اطعمك الغي لحمها فرأى  
صادرك غيظا عليك وانتقموا  
فلم تزل للحمام مرتصدا  
لم يرحموا صوتك الضعيف كما  
اذقك الموت ربهن كما  
عشت حريصا يقوده طمع  
يا من لذيد الفراخ اوقعه  
الم تخف وثبة الزمان وقد  
عاقبة الظلم لا تنام و ان  
اردت ان تأكل الفراخ ولا  
هذا بعيد من القياس وما

لا بارک الله فی الطعام اذا کان هلاک النفوس فی المعاد

بزعم بعضی این قصیده در مرثیه غلام خود ابن العلاف میباشد که بدست علی بن الحسین نامی مقتول شد ، یا درباره محسن ابن الفرات پسر علی بن محمد بن فرات وزیر مقتدر عباسی است که در سی و سه سالگی با پدرش مقتول گردید ، یا درباره عبدالله ابن المعتز آتی الذکر است که از ترس خلیفه وقت ، قدرت تصریح باسم ایشان را نداشته و لفظ هره را کنایه از یکی از این دو نفر نموده است . وفات ابن العلاف بسال سیصد و هیجدهم یا نوزدهم هجرت در صد سالگی واقع گردید .

(ص ۱۶۴ ج ۲ ع و ۷۶ هب و ۲۱۵ ت و ۶۴۹ ج ۱ س)

احمد بن ابراهیم - مکی شافعی نقشبندی ، صدیقی ، ملقب به

ابن علان

شهاب الدین ، معروف به ابن علان ، از فحول علما و اکابر صوفیه

قرن یازدهم هجرت میباشد که اصول طریقت را از تاج الدین نقشبندی اخذ و مرجع استفاده جمع کثیری بود ، شرح قصیده سودی و شرح قصیده شهرزوری و شرح قصیده عارف بالله ابومدین تلمسانی و غیرها از آثار قلمی وی میباشد . وی بسال هزار و سی و سیتم هجرت در مکه معظمه در گذشت و نزدیکی قبر شریف جناب خدیجه کبری ع مدفون شد .

(ص ۱۸۸ مط)

محمد بن علی - بن محمد بن علان صدیقی بکری ، معروف به

ابن علان

ابن علان ، از اکابر علمای عامه ، مولد و منشأ وی مکه معظمه

و از اساتید فقه و حدیث میباشد که نسبش با بیست و یک واسطه بابو بکر صدیق موصول و بهمین جهت به صدیقی موصوف ، در تحصیل علم و تکمیل نفس رنج بسیاری کشید ، تا در هیجده سالگی مسند نشین تدریس و در بیست و چهار سالگی صاحب رأی و فتوی شد و مردم را بتقلید خویش تکلیف میکرده است . در اصطلاح معاصرین خود در معرفت اخبار و ضبط روایت و کثرت تألیفات بسیوطی زمان معروف و در حل مسائل مشکله غنیمت مرجع کل بوده و از اشعار او است که در زهد و تذکر موت گفته است :

الموت بحر موجه طافح  
ويحك يانفس قفي واسمعي  
ما ينفع الانسان في قبره

يفرق فيه الماهر السابح  
مقالة قد قالها ناصح  
الا التقى والعمل الصالح

از تألیفات او است :

۱- اعلام الاخوان بتحریم الدخان ۳- تحفة ذوی الادراك فی المنع من التنباك  
۳- العلم المفرد فی فضل الحجر الاسود و غیر اینها . از خصائص او است که تمامی صحیح بخاری را از اول تا آخر در میان کعبه مکرمه روایت کرده و بسال یکهزار و پنجاه و هفتم هجرت در شصت و یک سالگی وفات یافت . (ص ۷۷ هب و ۲۳۱ ج ۲ ص ۴۰۲)

محمد - بن احمد (محمد خدا) بن علی علقمی بغدادی شیعی ،

ابن العلقمی

مکنی به ابوظالب، ملقب به مؤید الدین، معروف به ابن العلقمی ،

وزیر روشن ضمیر مستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی (۶۴۰-۶۵۶ ه ق = خم - خنو) از تلامذه عمید الرؤساء هبه الله سابق الذكر ، عالم فاضل مدبر کامل ، در امور سیاسی و زمامداری کشور خبیر، کفایت و فطانت و حسن تدبیر او مسلم و دوستدار اهل تقوی و شیعه بود . در غلبه مغول و تسخیر بغداد و انقراض شوکت عباسیه تدابیر بسیاری بکار برد که شرح آنها اطناب و خروج از وضع کتاب است . ابن ابی الحدید معتزلی هم قصائد سبع علویه و شرح نهج البلاغه را بنام وی نظم و تألیف نموده چنانچه حسن بن محمد بن حسن صاغانی سابق الذکر هم دو کتاب مجمع البحرین و عباب را برای او تألیف داده است . عاقبت در همان سال مذکور انقراض بنی عباس و یادراوائل سال پنجاه و هفتم وفات یافت . (ص ۷۷ هب و ۳۸ ج ۱ فع و ۶۵۰ ج ۱ س و غیره)

عبدالبساقی } هر دو در باب اول (القاب) بعنوان زرقانی  
محمد بن عبدالباقی } نگارش یافته است .

ابن علوان

ابن علوان

سید احمد بن علوی } در باب اول ، اولی بعنوان مرعشی و دومی  
عبدالله بن علوی } بعنوان حدادی نگارش یافته اند .

ابن علوی

ابن علوی

احمد - بن عبیدالله بن محمد بن عماد ، ثقفی القبیله ، ابوالعباس  
الکنية ، ابن عماد الشَّهره ، ادیبی است مورخ کاتب مشهور و

## ابن عماد

از تألیفات او است :

۱ تا ۵ - اخبار ابن الرومی و اخبار ابی العتاهیه و اخبار ابی نواس و اخبار بنی امیه  
و اخبار حجر بن عدی ۶ - الانواء فی النجوم ۷ - تفضیل بنی هاشم و اولیائهم ۸ - ذم بنی امیه  
و اتباعهم ۹ - الزیادات فی اخبار الوزراء ۱۰ - المبیضة فی اخبار مقاتل آل ابی طالب  
و غیرها . وی در سال سیصد و نوزدهم هجرت درگذشت .

(الاعلام و ص ۲۱۲ ف)

احمد بن عمادالدین - بعنوان اقفسی نگارش یافته است .

## ابن عماد

محمد بن عمار - بعنوان ذوالوزارتین نگارش یافته است .

## ابن عمار

معاویه بن عمار - مصطلح علم رجال و موکول بدان علم است .

## ابن عمار

شهابالدین بن شمسالدین بن عمر - بهمین عنوان نگارش یافته است .

## ابن عمر

عبدالله بن عمر بن خطاب - صحابی مشهور و شرح حاشی موکول  
بکتاب مربوطه بوده و لفظ ابن عمر در صورت نبودن قرینه

## ابن عمر

عبارت از او است .

در اصطلاح رجالی محمد بن حفص بن عمرو از وکالی ناحیه  
مقدس است .

## ابن العمری

علی بن ابی الفضل - بعنوان ابوالفتح علی بن ابی الفضل مذکور است .

## ابن العمید

محمد بن حسین عمید - یا حسین بن عمید (که لفظ عمید نام پدر

## ابن العمید

حسین است) میباشد ، یا بمناسبت اینکه خود حسین ، کاتب و منشی

نوح بن نصر سامانی بوده بعادت معمولی اهل خراسان لقب عمید داشت که در مقام تجلیل  
اکابر بکار میبردند و با فقط لقب و منشی بوده است) به ابن العمید مشهور ، به ابوالفضل  
مکنی ، عالمی است ادیب فاضل شاعر کاتب منشی و یکی از کتاب و مترسین طراز

اول چهار گانه دنیا و سه دیگر عبارتند از صابی و عبدالحمید و صاحب بن عباد، یا بدیع الزمان و ابوبکر خوارزمی و صاحب (علی اختلاف الانظار). ابن العمید در فصاحت و بلاغت و انشا و کتابت و ترسل و فنون ادبیه بی بدل و ضرب المثل بود. ثعالبی در یتیمه الدهر گوید فنّ انشا و کتابت با عبدالحمید افتتاح شد و با ابن العمید پایان رسید. ابن العمید در نجوم و هیئت و فلسفه و تاریخ و حفظ اخبار و اشعار عرب و دیگر علوم متداوله نیز حظّی وافر داشت و از این رو در کلمات اهل فنّ به استاد و رئیس و جاحظ ثانی و جاحظ اخیر موصوف است. صاحب ابن عباد سابق الذکر با آنهمه جلالت آفاقی که داشته از اتباع ابن العمید بوده بلکه موافق عقیده بعضی، صاحب گفتن او نیز بجهت معاصبت وی بوده است. قصیده‌دالیه که در مدح او گفته معروف و از آیات آن است:

لأزدری قدر سائر الاولاد	لودری الدهر انه من بنیه
وهوان قال قل قس ایاد	فهو ان جاد صن حاتم طی

بعد از مراجعت صاحب از سفر بغداد چگونگی آن شهر را از وی پرسیدند گفت: بغداد فی البلاء کالاستاد فی العباد. ابن العمید از اکابر رجال عهد دیالمند و وزیر رکن الدوله دیلمی پدر عضد الدوله بوده و در فنون مملکت‌داری و سیاست بصیرت کامل داشت، وظائف لازمه زمامداری کشوری را موافق مقتضیات وقت انجام میداد، در اخلاق فاضله نیز ممتاز و در اوقات وزارت خود مرجع و کعبه آمال ادبا و فضلا و علما و ارباب فضل و کمال بود آه آه... یک تاریخ و یک دیوان الرسائل و المذهب فی البلاغات از آثار قلمی وی بوده و از اشعار او است:

ظلت تظللنی مسن الشمس	نفس اعز علی من نفسی
فاقول و اعجبا و من عجب	شمس تظللنی مسن الشمس

کتاب مثالب الوزیرین ابو حنیان توحیدی را که در اثر بعضی از اغراض شخصی در مطاعن ایندو وزیر پانکضمیر (صاحب و ابن العمید) نوشته در شرح حالش تذکر دادیم. وفات ابن العمید بسال سیصد و پنجاه و نهم یا شصتم هجرت در ری یا بغداد واقع شد و

در تمامی عمر خود، مبتلای دو دشمن قوی داخلی قولنج و نفرس بوده است.  
(ذریعه و ص ۶۵۰ ج ۱ س ۱۶۹ و ج ۲ کا ۷۷ و ۲۱۱ لس و ۴۲۳ هر و غیره)

ابن عنبسه } احمد بن علی - بن حسین بن علی بن مهنا بن عنبسه، یا عنبه  
یا } یا عقبه یا عنبه، حسنی داوری، ملقب به جمال الدین، از  
ابن عنبه.

اعاض علمای انساب امامیه اوائل قرن نهم هجرت میباشند که بواسطه استاد و پدرزن خود  
ابن معید سید محمد بن قاسم، از علامه حلی روایت کرده است. نسب شریفش باهیچده  
واسطه بحضرت امام حسن مجتبی موصول و نام پدر جد سیمش مهنا بوده و در کتب تراجم  
و رجال مابین عنبسه و عنبه و عقبه و عقبه مرقد است و بهمان نسبت عنوان مشهوری خودش  
نیز در کتب مربوطه مختلف و مابین ابن عنبسه و ابن عنبه و ابن عقبه و ابن عقبه محل خلاف  
و نظر بوده و دومی (ابن عنبه) اقرب بصحت میباشد. بپرحال از اکابر علمای انساب  
بوده و از تألیفات او است:

- ۱- انساب آل ابیطالب که بطرز عمده الدلائل ذیل بوده و فارسی است، از همین کتاب نقل  
است که مؤلف آن در بلخ بمزار سرور بنام علی بن ابیطالب رفته و در روی سنگ مر آرش که زیر  
صندوق بوده این جمله را خوانده است: **هَذَا قَبْرُ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ابِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ ابِي طَالِبٍ**  
**بن عبیدالله بن علی بن حسن بن حسین بن جعفر بن عبیدالله بن حسین اصغر بن علی بن الحسن**  
**السیط علیه السلام** و از اینجا معلوم میشود که صاحب آن قبر، سیدی بوده از اولاد حسن مجتبی که  
مالک و حکمران آن نواحی بوده است. لکن انحصار ثنیه و لقب و اسم شخصی و اسم پدر منشأ  
اشباه بعضی از عوام شده و آن قبر را بحضرت امیر المؤمنین ع منسوب دارند ۲- **بحر الانساب**  
که يك نسخه از آن در کتابخانه خدیویه مصر موجود است ۳- **التحفة الجمالیة** در انساب بفارسی  
و از این کتاب نقل شده که علی اکبر فرزند حضرت امام حسین ع عبارت از حضرت امام زین العابدین  
است ۴- **تحفة الطالب** در انساب و شاید همان **تحفة جمالیة** باشد ۵ و ۶- **عمدة الطالب فی انساب**  
**آل ابیطالب** که دو کتاب بدین اسم تألیف داده و بهید صغری و کبری از همدیگر امتیاز یافته است،  
اولی تلخیص دومی بوده و در لکنه و بهمای چاپ و بهترین کتابی است در انساب ۷- **النسب**  
و ظاهراً همان انساب آل ابیطالب مذکور فوق است. ابن عنبه بسال هشتصد و بیست و هشتم  
یا هفتم یا پنجم هجری قمری در کرمان وفات یافت.



## ابن عنوان

حاتم بن عنوان - در باب اول بعنوان اصم مذکور شده است .

## ابن عنین

محمد - بن نصر الدین بن نصر بن حسین بن عنین { کوفی الاصل ،

## ابن عنین

محمد - بن نصر الله بن حسین بن عنین { انصاری القبيلة ،

دمشقی الولادة ، شرف الدین اللقب ، ابو المعاصن الکنیة ، ابن عنین الشهرة ، ادیبی است  
شاعر لغوی ، در تمامی فنون شعری بصیر و متفکر که تنها بیك رویه قناعت نمی نمود .  
بسیار ظریف و نیکو معاشرت و بقول احمد رفعت خاتم شعرای عرب بوده و بعد از او  
نظیرش نیامده است . در تاریخ و دیگر علوم متداوله نیز بصیرتی داشته ، يك قصیده  
مبسوط صد بیتی موسوم به مقراض الاعراض در هجو و ذم اکابر و اشراف و رؤسای شام نظم  
کرد و بهمان جهت از طرف سلطان صلاح الدین ایوبی بیمن تبعید شد و در هنگام خروج  
از شام گفته است :

فعلام ابعدمم اخا ثقة      لم یقترف ذنبا ولا سرقا  
انفوا المؤذن من بلادکم      ان كان ینفی کل من صدقا

بعد از وفات صلاح الدین بوسیله يك قصیده راثیه ، مشعر بر معاصن شام و زحمات غربت  
و اشتیاق وطن ، از برادرش ملك عادل استیذان نموده و باز بدمشق مراجعت نمود ،  
به هند و غزنه و مصر و حجاز و جزیره و ترکستان و خوارزم و خراسان و عراق و  
آذربایجان مسافرتها کرده و اخیراً باز بدمشق برگشته است . نزد اکابر محترم بوده تا  
در اواخر سلطنت ملك عادل و اوائل سلطنت برادرش ملك ناصر بوزارت رسید و در ششصد  
و سی ام یاسی و چهارم هجرت در همانجا درگذشت . از آثار قلمی او است :

۱- تاریخ العزیزی ۲- مختصر الجمهرة در لغت .

(ص ۱۱ ج ۶۵۱ ج ۱ س و ۳۵۵ ج ۱ ن و ۸۱ ج ۱۹ جم)

## ابن العواتک

وجود مقدس حضرت رسالت مآبی است که سه تن از جدات

آن حضرت اسم عاتکه را داشته اند که یکی مادر هاشم جد عالی

آن حضرت که دختر مره بن فالج است ، دیگر مادر عبدمناف پدر هاشم که دختر هلال بن  
فایح بن ذکوان است ، سیمی نیز والده ماجده و هب ، جد اول مادری آن حضرت که دختر

اوقص بن مرة بن هلال میباشد . (مرصع ابن الاثير)

محمد - بن علی بن حسن عودی عاملی جزینی، معروف به ابن العودی،

### ابن العودی

ملقب به بهاءالدین، از علمای امامیه و اجلائی تلامذه شهید

ثانی میباشد که فاضلی است صالح، ادیبی است شاعر و از تاریخ دهم ربیع الاول نهد و چهل و پنجم تا دهم ذیقعده شصت و دویم هجرت شرفاندوز حوزه افادات متنوعه آن عالم ربانی بوده است. محض قدردانی و سپاسگذاری يك قسمت از حقوق تعلیمات استاد خود، کتابی در شرح حال ادوار زندگانی او از ولادت تا شهادت تألیف کرد و به بغية المرید فی الكشف عن احوال الشيخ زین الدین الشهید موسومش داشت و در مرثیه استاد معظم خود که در روم بشهادت رسیده گوید .

مخبرات بان القوم قد رحلوا  
فالان لاعوض منهم ولا بدل  
وكلما جئت ربعا قبل لی رحلوا  
وانه ليس لی فی وصلهم اعل تا آنکه گوید:  
ناع نعاہ فنار الحزن تشتعل  
والنوح دابی و دمع العین ینهمل  
فوق الصعید علیه الترب مشتمل  
الامصاب الاولی فی کربلا قتلوا

هذي المنازل والاثار والظلل  
ساروا وقد بعدت عنا منازلهم  
فمرت شرقا و غربا فی تطلبهم  
فحين ایقنت ان السدکر منقطع  
اتی من الروم لاهلا به قدعه  
فصار حزنی انیسی والبكاء سکنی  
لهفی له نازح الاوطان منجدلا  
اشکو الی الله رزء لیس یشبهه

سال وفات ابن العودی بدست نیامد .

(ج ۳ ذریعه و ۳۵۶ ج ۱ نی و سطر ۲۵ ص ۲۹۰ ت)

فیلی - از شعرای امامیه قرن ششم هجرت و یا پیش از آن میباشد

### ابن العودی

که در چندین موضع از مناقب ابن شهر آشوب (متوفی بسال

۵۸۸ ق = ثفج) بعضی از اشعار او را نقل کرده و از او است :

هم شجر الطویسی لمن یتفهم  
هم اللوح والسقف الرفیع المعظم  
هم الحجر والبيت العتیق و زمزم

هم الثین والزیتون آل محمد  
هم جنة المأوی هم العوض فی غد  
هم الایة الکبری هم الرکن والصفاء

هم في غد سفن النجاة لمن وعى هم العروة الوثقى اللذي ليس تفصم

اسم و سال وفات و مشخص ديگري بدست نيامد . (ص ۲۰۳ ج ۱۴ عن)

ابن عوض نفيس بن عوض - ضمن عنوان فاضم الاطباء نگارش داديم .

ابن عياش احمد - بن محمد بن عبدالله (عبيدالله خدا) بن حسن بن عياش بن

ابراهيم جوهرى ، فقيه حافظ شاعر ، معروف به ابن عياش ، مكنتى

به ابو عبدالله ، از اهل علم و ادب و از معاصرین صدوق و پدر شيخ نجاشى بود ، خود نجاشى نیز او را دیده و از وی استفاده کرده است و از تألیفات او است :

۱- الاشتمال في معرفة الرجال ۲- الاغسال المستونة ۳- ما نزل من القرآن في صاحب

الامر ۴- مقتضب الاثر في النص على الائمة الاثني عشر وغير اينها . در او اخر عمر مختل الحواس

شد و در سال چهارصد و يكم هجرت وفات يافت و بعضى از علمای رجال تضعيفش کرده اند و قضاوت موکول بكتب رجال میباشد و در ردیف احمد بن از نخبه المقال گوید :

والجوهرى آخر العمر اضطرب عندى جليل ذو كتاب المقتضب

(ص ۲۸ هب و سطر ۲۸ ص ۱۷ ت و كتب رجاله)

ابن عياش عبدالله بن عياش - در باب اول (القاب) بعنوان منتوف مذکور

همان اسمعيل بن قاسم بن عبدون میباشد که شرح حال او بعنوان

قالى نگارش یافته است . قاموس الاعلام و بعضى ديگر ، نام جد

او عبدون را عيذون قيد کرده اند .

در اصطلاح رجالى بفرموده بروجردي شيخ القمين احمد بن محمد

اشعري و بفرموده وافى احمد بن محمد بن عيسى است .

ابن عيسى

حكم بن عيينه - يا عتبه موکول به رجال است .

ابن عيينه

سفيان بن عيينة بن ابي عمران ميمون ، محدث هلالى ، كوفى

الاصل والولادة ، مكنتى الوفاة والاقامة ، مكنتى به ابو محمد ،

ابن عيينه

معروف به ابن عيينه ، از موالى بنى هلال قبيلة ميمونه حرم محترم حضرت رسالت ص و از

تابعین تابعین و از مشاهیر محدّثین بوده و در تفسیر و احادیث نبویّه یدی طولی داشت. هفت هزار حدیث شریف از زهری و غیره روایت کرده و هشتاد و چند تن از تابعین را دیده است. امام شافعی و یحیی بن اکثم قاضی و نظائر ایشان هم از وی روایت کرده و خطیب بغدادی بسیارش ستوده و بقول ابن خلّکان هفتاد مرتبه حج کرده است. ولی جمعی وافر از علمای رجال شیعه تضعیفش کرده اند، اعراض و انحراف از حضرت صادق علیه السلام وارد است. بسال یکصد و نود و هشتم هجرت در نود و یک سالگی درگذشت. چهار نفر آدم و ابراهیم و عمران و محمد نام از نه برادرش نیز محدّث بوده اند.

(ص ۷۸ هب و ۲۲۶ ج ۱ کا و ۱۷۲ ج ۹ تاریخ بغداد و ۶۵۲ ج ۱ س و غیره)

محمد بن احمد - بن محمد بن محمد بن علی بی غازی، مکنّی

### ابن غازی

به ابو عبدالله، معروف به ابن غازی، از فضایی قرن دهم هجرت

و مؤلف کتاب بغیة الطلاب فی شرح منیة الحساب میباشد که در شهر فاس چاپ و شرح منظومه حسابی خودش است و در نهمصد و نوزدهم هجرت درگذشت.

(ص ۱۹۵ مط)

جعفر بن احمد - بن عبدالملک بن مروان اشبیلی، ادیب نحوی

### ابن الغاسلة

لعوی، مکنّی به ابو مروان، معروف به ابن الغاسلة، در لغت

و معانی شعر و فتون ادب خبیر و در حدیث نیز اطلاع وافی داشت. وی بسال چهارصد و سی و هشتم هجرت در هشتاد و چهار سالگی درگذشت.

(ص ۱۵۲ ج ۲ جم)

علی بن محمد - ملقب به علاءالدین، معروف به ابن غانم، از مشاهیر

### ابن غانم

ادبا و شعرای دمشق و شام، دارای اوصاف حمیده، خانه اش

مجمع علما و فضلا بوده و از او است:

وانت علی ما اخترت من ذالك محمود

لقد غبت عنا واللذی غاب محمود

به کل شئی ما خلا الستر مفقود

حللنا محلا بعد بعد بعدك محلا

در سال هفتصد و سی و هفتم هجرت درگذشت و برادرش شهاب الدین احمد بن غانم و پسرش

جمال‌الدین عبدالله بن علی بن غانم نیز از ادبا و شعرا بوده‌اند .

(ص ۶۵۲ ج ۱ س)

### ابن غانم

علی بن محمد - بن علی بن خلیل بن غانم ، خزرجی القبیلة ،

مقدسی الأصل، قاهری الولادة والنشأة، ابن غانم الشهرة، سعدی

عبادی النسب ، نورالدین اللقب ، حنفی المذهب ، از اکابر فقهای حنفیه بلکه از

مجددین آن طریقت در قرن دهم هجرت معدود و در کلمات بعضی از ارباب تراجم به

حجت و قدوه و عالم کبیر و رأس الحنفیه موصوف است و نسبش به سعد بن عباده صحابی

موصول میباشد و از تألیفات او است :

۱- بغية المرئاد لتصحيح الضاد ۲- شرح الاشباه والنظائر ۳- شرح نظم الكنز

۴- الشمعة فی احکام الجمعة . بسال يك هزار و چهارم هجرت در هشتاد و چهار سالگی

در گذشته و رجوع بعنوان شافعی صغیر هم نمایند . (ص ۲۰۲ ج ۲ مه و غیره)

### ابن غانم

محمد بن عبدالسلام - بن احمد بن غانم ، واعظ مقدسی ، ملقب

به عزالدین ، معروف به ابن غانم ، از اکابر صوفیه قرن هشتم

هجرت میباشد و از تألیفات او است :

۱- الحديث (القول خا) النفیس فی تفلیس ابلیس در تصوف که حاوی مذاکرات و مناظرات

از با ابلیس بوده و در مصر چاپ شده است ۲- کشف الاسرار عن حکم الطیور والازهار

که در مصر و قاهره و پاریس چاپ و از زبان حال هر یک از جماد و حیوان و شکوفه‌ها

موعظه و تذکری برای عبرت استفاده کرده است . در سال ششصد و شصتم یا هفتاد و هشتم

هجرت درگذشت .

(کف و ص ۱۹۶ مط)

### ابن الغر

ذیلاً بعنوان ابن الغر مذکور است .

### ابن غراب

در اصطلاح رجالی علی بن عبدالعزیز است .

### ابن الغرایلی

محمد بن قاسم - بعنوان ابن قاسم خواهد آمد .

### ابن غرور

در اصطلاح رجالی ابوطالب بن غرور از مشایخ شیخ طوسی است .

احمد بن حسین بن عبیدالله - که کنیه اش ابوالحسین ، به ابن الغضائری

### ابن الغضائری

معروف و گاهی به غضائری نیز موصوف می باشد از اکابر و ثقات

مشایخ امامیه اوائل قرن پنجم هجرت می باشد که محتاج بتوثیق و تعدیل نمی باشند و این عنوان ابن الغضائری در صورت نبودن قرینه بدو منصرف و شیخ طوسی و شیخ نجاشی و نظائر ایشان از وی روایت کرده اند ، اقوال او در کتب رجالیه در مقابل اقوال اکابر علمای رجال مذکور و در جرح و تضعیف روایات معروف بوده و گویند کمتر کسی است از ثقات که از جرح او سالم بماند و در ردیف احمدین از نخبه المقال گوید :

سبط عبیدالله بن حسین وهو غرض عدل بغير مین

کلمه غرض در کتب رجالیه اشاره بر او است . وجه نسبت غضائری را هم که لقب جدش عبیدالله است در باب اول (القاب) نگارش داده ایم و در سال چهارصد و یازدهم هجرت وفات یافت .

(ص ۱۳ ت و ۷۹ و ۲۰۶ هب و ۱۷ ج ۵ ذریعه و کتب رجالیه)

ابن الغضائری حسین - پدر احمد فوقی در باب اول بعنوان غضائری مذکور است.

اختیارالدین - بن غیاث الدین حسینی قاضی هرات ، کتاب

### ابن غیاث الدین

اساس الاقتباس که مختصری است در امثال و حکم و اقتباسات

لطیفه و بامر سلطان حسین میرزا بایقرا تألیف و در استانبول و قاهره چاپ شده از او است . وی در سال نهصد و بیست و هشتم هجرت درگذشت .

(ص ۱۹۸ مط)

مبشر - بن فاتک مصری ، مکنی به ابو الوفاء ، ملقب به محمود الدوله ،

### ابن فاتک

معروف به ابن فاتک ، از افاضل ادبا و اطباء و حکما می باشد که

در ادبیات و فنون متنوعه طب و حکمت بی نظیر و در تحقیق مطالب علمیه و حید عصر خود بوده و از تألیفات او است :

۱- اسرار الطب ۲- الاصطلاحات الطبیة ۳- البدایه در منطق ۴- حکمت الهی

- ۵- السنة الضرورية ۶- سيرة المستنصر ۷- شرح کتاب منطق ارسطو ۸- العقل والجهل  
 ۹- مختار الحكم و محاسن الكلم . در اوائل قرن ششم هجرت در قاهره درگذشت .  
 (ص ۳۵۸ ج ۲ م)

ابن الفاجر مبارک بن فاجر- بنوان ابوالکرم مبارک مذکور داشتیم .

احمد بن فارس - بن زکریا بن محمد بن حبیب، قزوینی رازی،

ابن فارس

ادیبی است نحوی شاعر لغوی، مکنی به ابوالحسن یا ابوالحسین،

معروف به ابن فارس، فارس مضمار نحو و ادبیات و بسیاری از علوم متداوله بود، خصوصاً در لغت که گوی سبقت از دیگران ربوده است . با فقها تحدی کرده و مسائلی در لغت نوشته که ایشان را بدانها راهی نبوده و از فهم آنها عاجز باشند، حریری نیز همین رویه را از وی اقتباس نموده و در مقامه سی و دویم از مقامات خود بکصد مسئله فقیه بهمان اسلوب نگاشته است . از یتیمه الدهر ثعالبی نقل است که ابن فارس از اعیان علم، جامع لطایف کتاب و شعرا و اتقان و تحقیق علما ، در بلاد جبل مانند ابن لسنکک بوده است در عراق و ابن خالویه در شام و ابن العلاف در فارس و ابوبکر خوارزمی در خراسان .

ابن فارس در وضع مقامات که معمول به بعضی از ادبای نامی میباشد مبتکر بوده و فضیلت تقدّم بر دیگران داشت و بدیع الزمان همدانی معروف که در مقامات نگاری مقتدای حریری است نظم و نسق و اصول مقاماتی را از رسائل و منشآت همین ابن فارس اقتباس نمود ، بلکه در اوقات اقامت او در همدان تلمذش هم کرد چنانچه صاحب ابن عمّاد سابق الذکر نیز از تلامذۀ ابن فارس بوده و از وی روایت نموده و صدوق نیز از وی روایت میکند . در معجم الادبا گوید ابن فارس نخست فقیه شافعی بود سپس مذهب مالکی را اختیار نمود لکن قرائن قطعیه قویه تشیع وی را مبرهن مینماید، چنانچه شیخ طوسی در فهرست خود و ابن شهر آشوب هم در معالم العلماء که هر دو برای شرح حال مصنفین و مصنّفات شیعه تألیف شده اند بشرح حال وی پرداخته اند و ابن داود نیز در کتاب رجال خود در قسمت نقاشی درج نموده است . در ذریعه (که فهرست مصنّفات شیعه میباشد)

بذکر تألیفات او پرداخته ، در اعیان الشیعه نیز شرح حال او را نگاشته و در تنقیح المقال هم احتمال عامی بودن او را تضعیف نموده است . علاوه بر اینها ، آل بویه با آن همه تعصبی که نسبت بمذهب تشیع داشته اند بمعلمی او تن در داده و از همدان به ری احضارش کردند و این امر نیز مؤید مرام میباشد و از اشعار ابن فارس است :

وقالوا کیف جئتک قلت خیر	تقضى حاجة و تقوت حجاج
اذا ازدحمت هموم الصدر قلنا	عسى يوماً يكون لها انفراج
ندیمی هرتی و انیس نفسی	دفاتر لی و معشوقی السراج

اذا كنت في حاجة مرسلا	و انت بهسا كلف مغرم
فارسل حكيمًا ولا توصه	و ذاك الحكيم هو الدرهم
قد قال في ماضي حكيم	ما المرء الا باصغريه
فقلت قول امرء لبيب	ما المرء الا بدرهميه
من لم يكن معه درهماه	لم يلتفت عرسه اليه
و كان من ذله حقيرا	تبول سنوره عليه

از تألیفات او است :

۱- الاتباع والمزاوجة ۲- اختلاف النحاة النحويين (خا) ۳- اخلاق النبي ص  
 ۴- اصول الفقه ۵- امثلة الاسجاع ۶- الانتصار لشعب ۷- تفسير اسماء النبي ص ۸- حلية  
 الفقهاء ۹- دارات العرب ۱۰- دیوان شعر که در مصر و بیروت و اروپا چاپ و دو نسخه خطی آن  
 نیز بشماره ۳۱۰ و ۳۱۲ در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید طهران موجود است ۱۱- ذخائر  
 الكلمات ۱۲- ذم الخطاء في الشعر ۱۳- سيرة النبي ص ۱۴- الصحابي يا فقه اللغة که برای  
 صاحب بن عباد تألیف و در قاهره چاپ و يك نسخه خطی آن نیز که در سیصد و هشتاد و دویم هجرت  
 نوشته شده در استانبول موجود است ۱۵- العم والنخال ۱۶- غريب القرآن یا غريب اعراب  
 القرآن ۱۷- الفصیح ۱۸- فقه اللغة که بنام صاحبی مذکور شد ۱۹- مجمل اللغة که باختصارش  
 فوائد بسیاری را مشتمل و صاحب قاموس بذکر اوهام و اشتباهات وی پرداخته و مع ذلك بسیارش  
 تجلیل مینماید ۲۰- مقایس اللغة ۲۱- مقدمة في النحو ۲۲- مقدمة في الفرائض و غیر اینها .  
 بسال سیصد و هفتاد و پنجم یا نودم یا نود و سیم یا نود و پنجم هجرت در حصاری از  
 محلله ای محمدیه نام از ری وفات یافته و در مقابل قبر قاضی علی بن عبدالعزیز جرجانی  
 دفن شده است .

(ص ۶۴ ت و ۸۰ هب و ۲۱۵ ج ۱۰ عن و ۳۷ ج ۱ کا و ۵۱۱ ج ۲ مه و غیره)



- ابن فارس** - احمد بن فارس - بن یوسف بعنوان شهباق نگارش یافته است .
- ابن الفارسی** - محمد بن احمد - در باب اول (القاب) بعنوان فتال مذکور است .
- ابن الفارض** - عمر بن علی - بن مرشد بن علی ، یا عمر بن حسن بن علی بن رشید ، یا عمر بن فارض ، یا عمر بن علی بن فارض ، یا عمرو بن علی بن مرشد ، اندلسی مغربی ، حموی الاصل ، مصری المسکن والمدفن والولادة ، ابوالحفص یا ابوالقاسم الکنیه ، ابن الفارض الشهرة ، شرفالدين اللقب ، از اکابر عرفا و شعرا و مشایخ متصوفه نامدار ، بسیار باتمکین و وقار ، در مجالس او تمامی حضار ساکت و صامت بوده و نزد مصریین نهایت احترام داشته است . وقت راه رفتن ، مردم ازدحام می کردند و درخواست دعای خیر و برکت می نمودند . اوقاتی که در مکه معظمه اقامت داشته روز و شب بیابان گرد بود ، با وحشیان صحرا انس می گرفت و بدین معنی اشاره کرده است :

وابعدنی عن اربع بعد اربعی      شبابی و عقلی و ارتیا حی و صحتی  
 فلی بعد اوطانی سکون الی الفلا      وبالوحش انسی اذمن الانس وحشتی  
 اخذتم فؤادی وهو بعضی عندکم      فما ضرکم ان تبتعوه بجملتی

اشعارش بسیار لطیف و ظریف و هلیح و فصیح بود و بس جای شگفت است که معانی دقیقه و رموز و نکات رقیقه عرفان و تصوف را با انواع محسنات لفظیه و معنویّه بدیعّه نوأم ساخته است . از اشعار و آثار قلمی ابن الفارض است :

۱- دیوان شعر که بارها در مصر و بیروت و غیره چاپ شده است ۲- قصیده تائیه صغری در تصوف که چهل و پنج بیت بوده و مطلع آن اینست :

نعم بالصبا قلبی صبا لاحتی      فیما حبذا ذاك الشداحین هبت

۳- قصیده تائیه کبری نیز در تصوف که بششصد یا هفتصد و پنجاه بیت مشتمل و حاوی تمامی حالات سیر و سلوک و اصطلاحات عرفا و صوفیه و محل توجه فحول و اکابر بوده و شروح بسیاری بر آن نوشته اند و از مهمات قصائد مشهوره میباشد و در ایران و با ترجمه آلمانی در وین چاپ و حسب الامر ردّیائی حضرت رسالت ص نام اولی آنرا که **لوائح الجنان و روائح الجنان** بوده به **نظم السلوک** تبدیل داده است ۴- قصیده تائیه که چهل و نه بیت بوده و در جلد سیم کشکول بهائی مذکور است ۵- قصیده تائیه .

اقوال ارباب تراجم درباره وی تفریطا و افراطا مختلف است ، بعضی از ایشان محکوم بفسق ، بلکه زندقه و کفر و الحاد و حلول و اتحادش کرده اند و برخی زیاده از حدش ستوده و غرائب و کرامات بسیاری بدو منسوب و از متبحرین علوم دینیّه و فنون عرفان و تصوف و سیر و سلوک و طریقت و حقیقت دانسته اند و از جمله مجذوبینش شمرده و گویند که تمامی اشعار خود را در همان حال جذب و محو و فنا فی الله و بیخودی نظم کرده است ، بلکه جمعی بتشیع وی رفته و شیخ بهائی هم در چندین جا از جلد سیم کشکول با ترجم و دعای خیر یادش کرده است و از بعض ایسات قصیده تائیه او هم استشمام رایحه تشیع میشود .

ومن مذهبی فی الحد بالآل مذهبی      وان ملت یوما عنه فارقت ملتی

گروهی چنانچه طریق احتیاط و سلامت است سکوت ورزیده و قضاوت نکرده اند .

وجه ابن الفارض گفتن صاحب ترجمه بنوشته قاضی نورالله بجهت لقب فارض داشتن

پدرش علی میباشد که در علم فرائض متخصص بوده است . ابن خلکان نیز گوید فارض کسی

را گویند که فروض و وظائف و حقوق لازمه زنان را که بر دانه مردان ثابت است مینویسد

دیگر چیزی نگفته و ظاهر آن نیز آن است که فارض لقب پدرش علی بوده است و بهر حال

بعضی از ارباب تراجم بهمین جهت او را عمر بن فارض نوشته اند چنانچه در صدر عنوان

اشاره نمودیم و اما عمر و بودن نام او فقط در روایات است و در مدارك دیگر عمر میباشد .

وفات ابن الفارض بسال شصت و سی و دویم هجری قمری در پنجاه و هفت یا هفتاد

و هفت سالگی در قاهره مصر واقع شد و در قرافه مدفون گردید ، قبرش معروف و مزار

اهل مصر بوده و جمله : خدا آسمان = ۶۳۴ ماده تاریخ وفات ۱ .

(کف و ص ۶۵۳ ج ۱ س و ۵۰۵ ت و ۴۱۷ ج ۱ ک و ۲۲۹ ج ۲ م و ۱۳۳ لس و ۴۰

ج ۱ فع و ۸۰ هب و ۳۸۰ ض و غیره)

محمد بن جریر بن رستم - بنوان طبری ابن جریر شیعی مذکور است .

ابن فاضل

سلیمان بن عبدالله - مکنی به ابو عبدالله ، معروف به ابن الفتی ،

ابن الفتی

ادب نحوی لغوی ، از فضایل قرن ششم هجری ری میباشد که

علوم ادبیه را در بغداد از ثمانینی اخذ کرد ، باصفهان رفته و در پانصد و هفتاد و پنجم هجرت در آنجا در گذشته واز او است :

تذلل لمن ان تذلل له      رای ذاك للفضل لا للبله  
وجانب صداقه من لم يزل      على الاصدقاء يرى الفضل له  
(ص ۲۵۱ ج ۱۱ جم)

ابن الفخر      علی بن عیسی - بعنوان اربلی در باب اول (القاب) مذکور است .

احمد بن طیب - سرخسی ، معروف به ابن الفرائقی ، از مشاهیر فصحاء و بلغای عامه می باشد که در علم آثار و سیر هم خبیر ، در فنون حکمت بصیر ، از مقربین معتضد بالله عباسی ، تألیفاتی بدو منسوب و بالحداد و زندقه میگرائیده است . وی در سال دوست و هشتاد و ششم هجرت بامر معتضد مقتول گردید .  
(ص ۹۸ ج ۳ جم)

ابن فراموز      محمد بن فراموز - در باب اول (القاب) بعنوان خسرو مذکور است .

ابن فرحون: فرعون ابراهیم بن علی - بعنوان برهان الدین در باب القاب مذکور است .  
عبداللطیف بن عبدالعزیز بن فرشته - ملقب به عزالدین ، معروف به ابن فرشته  
ابن فرشته ، فقیهی است حنفی محقق مدقق ، با کثرت قوه حافظه مشهور ، در حل مشکلات علمیّه متمیز ، شرح المنار و مبارق الاذهار فی شرح شارح الانوار که هر دو در استانبول چاپ شده از تألیفات او بوده است که اولی در اصول فقه و شرح کتاب منار ابوالبرکات نسفی است . صاحب ترجمه در سال هشتصد و هشتاد و پنجم هجرت در گذشت و از آن رو که فرشته بیارسی مَلَكُ (بفتح لام) را گویند به ابن ملک نیز معروف است .  
(ص ۱۰۷ فوائد البیه و منفرقه)

ابن الفرضی      عبدالله بن محمد - بن یوسف بن نصر فرضی از دی اندلسی قرطبی ، مکنی به ابوالولید و ابو محمد ، معروف به ابن الفرضی ، فقیه

محدث حافظ رجالی قاضی ادیب شاعر، از افاضل اوائل قرن پنجم هجری شهر قرطبه از بلاد اندلس بوده و مدتی در شهر بلنسیه از آن نواحی قضاوت نموده است و از تألیفات او است :

۱- اخبار شعراء اندلس ۳- تاریخ علماء اندلس ۴- المؤلف والمختلف عاقبت در اثر دعای خود که دست برآستار کعبه ، توفیق شهادت را از درگاه خداوندی مسئلت نموده بوده روز دوشنبه ششم شوال چهارصد و سیم هجرت در پنجاه و دو سالگی مقتول بربریان شد ، سه روز بهمان حال در خانه خود مانده و شکل و صورتش تغییر یافت ، بعد از آن بی غسل و نماز و کفن بخاکش سپردند و از او است :

اسیر الخطایا عند بابك واقف	علی و جل مما به انت عارف
یخاف ذنوبا لم یب عنك غیبا	ویرجوك فیها وهو راج و خائف
فیا سیدی لا تخزنی فی صحیفتی	اذ انشرت یوم الحساب والصحائف
وكن مونی فی ظلمة القبر عندما	یصد ذووالقربی و یجفو الموالی

(ص ۲۹۰ ج ۱ کا و ۲۲۱ ج ۱ ع و ۶۵۳ ج ۱ س)

در اصطلاح رجالی، هریک از داود و عبدالمجید و عبدالرحمن و

ابن فرقد

یزید اولاد فرقد است و با نبودن قرینه ظاهراً آخری مراد است.

عبدالرحمن - بن ابراهیم بن سیاح عزازی ، ملقب به تاج الدین،

ابن فرکاح

از اکابر فقهای شافعیه میباشد که بر معاصرین خود مقدم بود ،

در سال ششم و نودم هجرت در دمشق شام درگذشته و در مقبره باب الصغیر دفن شد .

(ص ۱۷ ج ۵ فع)

همان ابن فرحون - سابق الذکر است که به هنر هوزش نوشته است .

ابن فرهون

حسان بن ثابت سابق الذکر است و رجوع بدانجا نمایند.

ابن الفریعة

احمد بن علی بن احمد - همدانی ، ملقب بسد فخر الدین، مکنه

ابن الفصیح

بد ابوطالب ، معروف به ابن الفصیح ، از اکابر علمای

جامع علوم عقلیه و نقلیه میباشد . درست مذهبی در عهد خود به

ابوحنیفه تدریس میکرده است . *نظم السراجیه* در فرائض و *نظم الکنز* و *نظم المنار* در اصول فقه و *نظم النافع* از آثار قلمی او است . بسال هفتصد و پنجاه و پنجم هجری قمری در هفتاد و پنج سالگی درگذشت . (ص ۲۶ فوائدالبیة)

(بسیعۀ مبالغه) - در اصطلاح حرجالی، عنوان چندتن از اولاد فضال

### ابن فضال

بن عمر بن ایمن از موالی عکرمه بن ربیع می باشد :

۱- احمد بن حسن بن علی بن فضال ۲- حسن بن علی بن فضال که این عنوان در وی مشهورتر از دیگران است ۳- علی بن حسن بن علی بن فضال ۴- علی بن فضال ۵- محمد بن حسن بن علی بن فضال . با اینکه مذهب فطحی داشته اند از موثقین روایت میباشند ، روایات ایشان محل اعتماد بوده و بعضی از ایشان از آن مذهب منصرف و بعقائد حقه امامیه معتقد شده اند و تمامی مراتب را موکول بکتب رجالیه میدارد .

ابن الفضل هبة الله بن فضل - بنوان ابن القطان خواهد آمد .

احمد بن یحیی - یا محیی الدین بن فضل الله بن احمد بن یحیی

### ابن فضل الله

عدوی مصری ، عمری النسب ، شهاب الدین اللقب ، ابو العباس

الکنیه ، کاتب دمشق و ابن فضل الله الشهرة ، از افاضل قرن هشتم هجرت میباشد که در ادبیات و شعر و انشا و حید تصر خود بود ، در هیئت و اسطرلاب و تاریخ و جغرافیا خصوصاً در تاریخ هند و ترک و مغول نیز دستی توانا داشته و از تألیفات او است :

۱- الدعوة المستجابة ۲- دمهة الباکي و یقظة الساهي ۳- سفرة السافر ۴- صباة المشتاق در مدایح نبویه ۵- فواضل السمر فی فضائل آل عمر که چهار مجلد است ۶- مسالك الابصار فی ممالک الامصار که بیست جلد بزرگ است ۷- لنحة الروض و بسال هفتصد و چهل و نهم هجری قمری در چهل و نه سالگی در مصر درگذشت .

(کف و ۶۵۴ ج ۱ س)

احمد بن فقیه - یا احمد بن محمد بن اسحق بن ابراهیم همدانی ،

### ابن الفقیه

طباطبائی ، مکنی به ابوبکر یا ابو عبد الله ، معروف به ابن الفقیه ،

در اوائل قرن چهارم هجرت از اکابر جغرافیین و اهل ادب بوده و از تألیفات او است :

کتاب البلدان یا مختصر کتاب البلدان که در لیدن چاپ و بعد از وفات معتضد شانزدهمین خلیفه عباسی (۲۷۹ هـ ق = ۸۹۲ م) تألیف شده و بجز موارد نادره نامی از بغداد نبرده و فقط بلاد عظیمه را ذکر کرده است . سال وفاتش بدست نیامد و نام او را در قاموس الاعلام احمد بن فقیه نوشته و ظاهر آن است که پدرش محمد ، ملقب به فقیه بوده است .

(ص ۷۹۰ ج ۱ س ۲۰۳ و ۲۰۴ ج ۲ ع و ۱۹۹ ج ۴ جم)

عبد الواحد بن ابراهیم - مکنی به ابو منصور و معروف به ابن الفقیه

از مشاهیر محدثین و ادبا بوده و از او است :

و من العجائب ان قلبی یشتکی شوقا الیک و انت فیه مقیم

در سال ششصد و سی و ششم هجری قمری درگذشت .

(ص ۶۵۴ ج ۱ س)

منصور - بن فلاح بن محمد یمنی نحوی ، معروف به ابن فلاح ،

ابن فلاح

ملقب به تقی الدین ، از ادبای قرن هفتم هجرت میباشد و از

تألیفات او است :

۱- الکافی که دلالت بمعرفت وی در اصول فقه هم دارد چنانچه در روضات گفته و

ظاهر کشف الظنون آنکه کافی ابن فلاح در نحو است و دور نیست که دو کتاب کافی نام داشته

باشد ۲- المغنی در نحو و در سال ششصد و هشتادم هجرت درگذشت .

(کف و سطر ۳۴ ص ۴۵۶ ت)

محمد بن حمزة - در باب القاب بعنوان فناری محمد مذکور است .

ابن الفناری

علی بن زید - در باب القاب بعنوان بیهقی علی بن زید مذکور است .

ابن فندیق

محمد بن محمد - بن عبدالله بن محمود بن فورجه .

ابن فورجه

محمد بن حمزة بن فورجه ، یا آنکه نام و نسب موافق روضات

محمد بن محمد بن عبدالله بن فورجه میباشد . بهر حال در اصل پروردی و یا بقول تعربی

اصفهانى بوده و در ری اقامت داشت ، ادیبی است فاضل نحوی لغوی از افاضل قرن پنجم

هجرت که در نظم و نثر مبرز بوده و از تألیفات او است :

۱- التجنی علی ابن جنی ۲- الفتح علی ابی الفتح ابن جنی که در رد

ابن جنی بوده و از اشعار او است :

ایها القاتلی بعینیه رفقا	انما يستحق ذامن قلاکا
اکثر اللائمون فیک عتابی	انا واللائمون فیک فداکا
ان لی غیرة علیک من اسمی	انه دائما یقبل فاکا

در روضات این شعر را هم مؤید حمده بودن نام او گرفته است .

ولادت او در ذیحجه سال سیصد و سی تمام بوده و سال وفاتش بدست نیامد و بقول کشف الظنون و ثعالبی در سال چهارصد و بیست و هفتم زنده بوده است . اما زنده بودن او در سال چهارصد و پنجاه و پنجم هجرت چنانچه در معجم الادبا مییاشد مستبعد است .  
لفظ فورجه ، بتصریح روضات، بضم فا و سکون واو و فتح و تشدید رای بی نقطه است ، لکن در قاموس الاعلام با زای نقطه دار نوشته شده است .

(کف و ص ۱۸ ج ۱۸ جم و سطر ۳۶ ص ۲۶۲ ت و ۶۵۴ ج ۱ س)

محمد بن حسن - یا حسین بن فورک (بروزن دوزخ) ادریب نحوی

ابن فورک

فاضل متکلم اصولی عارف واعظ زاهد اصفهانی ، مکنی بد

ابوبکر، معروف به ابن فورک ، مدتی در عراق مشغول تدریس بوده پس به ری رفت ، اخیراً بحسب درخواست کتبی اهالی نیشابور بآن نواحی عزیمت کرد و مورد محبت و اخلاص فوق العاده گردید . برای او خانه و مدرسه تهیه کردند او نیز در اثر قدردانی اهالی بنشر بسیاری از علوم متنوعه موفق شد . برای مناظره مذهبی بغزند دعوت گردید ، در اثنای مراجعت در سال چهارصد و ششم یا چهل و ششم هجرت مسموماً درگذشت و جنازه اش بنیشابور نقل و در محله حیره مدفون شد .

قبرش معروف و مزار و بقعینه معاصر بودن او با صاحب ابن عبّاد (متوفی بسال

۳۸۵ هـ = شقه) چنانچه بعضی از اجلد نوشته اند تاریخ اولی مذکور اقرب بصحت است .

از تألیفات او است : المشکل فی الحدیث و بیئ نسخه از آن که در سال ششصد و هفتم هجرت

نوشته شده برقم ۶۲۸ در خزانه بانگی فور موجود است و غیر این که تا صد تألیف در اصول فقه و اصول دین و معانی قرآن و موضوعات دیگر بدو منسوب می‌باشد و رجوع بعنوان اسفرائینی ابراهیم بن محمد بن ابراهیم نیز نمایند .

(ص ۶۵۴ ج ۱ اس و ۸۱ هب و ۷۱۴ ت و ۵۶ ج ۲ کا و ۴۴ و ۶۴ تذکرة النوادر)

شیخ عبدالرزاق - بن احمد بن محمد بن محمد بن احمد بن

### ابن الفوطی

عمر بن محمد بن محمود بن احمد بن محمد بن فضل بن عباس

بن عبدالله بن معن بن زائده شیبانی ابن الصابونی ، مروزی الاصل ، بغدادی المسکن ، ابو الفضل الکلبی ، ابن الفوطی الشهرة ، جمال الدین یا کمال الدین اللقب ، نسبش موافق آنچه از دزد کلمته نقل شد با دوازده واسطه به معن بن زائده میرسد و چنانچه از نسب مذکور روشن می‌گردد گاهی به ابن الصابونی هم متصف بلکه در قاموس الاعلام فقط بهمین عنوان مذکورش داشته است بهر حال وی از مشاهیر محدثین و مورخین و افاضل ادبای اوائل قرن هشتم هجرت میباشد که در منطق و علوم اوائل و فنون حکمت خبیر ، ذهنی نقاد و طبعی وقاد داشت ، بهر دو زبان عربی و فارسی شعر خوب میگفت ، خطش نیز بسیار ممتاز و خوب و مانند خط خطاط شهیر ابن البواب بوده است . وی در عماد مشاهیر خطاطین معدود و بسیار سریع القلم بود ، روزی چهار جزوه با خط خوب مینوشت ، بسا بودی که بر پشت خوابیده و دست بطرف سقف خانه کتابت میکرد و بسیاری از کتب قدیمه را با خط ملیح خود استنساخ کرده است . یک نسخه از کتاب خریدة التمر عماد کاتب که با خط ابن الفوطی و چهار مجلد بزرگ بوده بدست ابن حجر رسید ، اتحاف صاحب یمشر کرده و با نعامات بسیاری فایده گردید .

ابن الفوطی در فاجعه بغداد و تسلط مغول اسیر شد و با استخدام از طرف خواجه

نصیر طوسی موفق آمد ، سألها از آن یگانه فیلاسوف اسلامی تلمذ کرده و اساس منطق و فلسفه و علوم متنوعه را متقن داشت ، مدتی هم مباشر کتابخانه و خزانه رصد مراغه (که چهار صد هزار کتاب داشته) گردید ، بعد از مراجعت ببغداد نیز تا آخر عمر کتب بد از



مدرسه مستنصریه آنجا بود اینک بمطالعات کتب بسیار تاریخی و غیره موفق شد و بالخصوص در تراجم احوال اکابر و تواریخ و اخبار و سیر باطلاعات وافر و نائل آمد و تألیفات طریقه‌ای در صفحه روزگار یادگار گذاشت :

- ۱- تاریخ الحوادث من آدم الی خراب بغداد ۳- تذکرة الرصد که تواریخ رصدخانه شهر مراغه آذربایجان ایران را که بفاصله یک سال از فتح بغداد از طرف خواجه نصیرالدین طوسی تأسیس یافته بوده حاوی وقایع علمی و تاریخی بسیاری را مشتمل است ۳- تلخیص مجمع الاداب ذیل که از افسس کتب بوده و یک نسخه فوتوگرافی آن در کتابخانه معارف بغداد موجود است
- ۴- تلخیص الافهام فی المختلف و المختلف که مجدول است ۵- الحوادث الواقعة (الجامعة خلد) و التجارب النافعة فی المائة السابعة که در بغداد چاپ و حاوی بعضی از وقایع مهمه قرن هفتم است
- ۶- در الاصداف فی غرر الاوصاف که بترتیب مراحل وجود از مبدأ تا معاد مرتب و بیست مجلد است
- ۷- الدرر الناصعة فی شعراء المائة السابعة ۸- مجمع الاداب فی معجم الاسماء و الالقاب
- ۹- معجم الشيوخ و غیرها .

وفات ابن فوطی در سیم محرم هفتصد و بیست و سیم هجری قمری در هشتاد و یک سالگی در بغداد واقع و در مقبره شونیزیه مدفون گردید . ظاهر بعضی کلمات ذریعه آنکند صابونی لقب جدش محمد بوده و ابن صابونی گفتن او نیز بهمین جهت است . فوطی هم که با فای مضمومه میباشد (نه با قاف یا غین نقطه دار چنانچه بعضی توهم کرده اند) لقب جد مادری او میباشد که لنگی و فوطه فروش بوده است . اما مذهب او بزعم بعضی معتزلی شافعی بوده و لکن صاحب ذریعه بتشیع وی رفته و شاید بتلمذ و شدت اهتمام او بحال خواجه و ارتباط او با علمای شیعه نیز قرینه تشیع باشد و قضاوت موکول بکتب دیگر است .

(کف و ذریعه وص ۶۴۰ ج ۱ س ۳۶۴ ج ۲ کمین)

محمد بن عمر بن عبدالعزیز = بنوان ابن القوطیة ( با قاف )  
ابن القوطیة  
خواهد آمد .

احمد - بن فهد بن حسن بن محمد بن ادریس احسائی مقری ،  
ابن فهد  
ملقب به شهاب الدین ، معروف به ابن فهد ، از ثقات علما و فقهای  
امامیه اوائل قرن نهم هجرت و از تلامذه شیخ احمد ابن المتوج بحرانی آتی الذکر بوده

و از تألیفات او است : خلاصة التنقيح في المذاهب الحق الصحيح که در فقه امامیه و دو مجلد بزرگ و شرح ارشاد علامه حلی است و جلد دوم آن که از نکاح تا آخر دیات میباشد بنظر صاحب ذریعه رسیده است و مؤلف در آخر آن خود را بدین روش معرفی مینماید این کتاب خلاصة التنقيح بدست مؤلف خود احمد بن محمد بن فهد بن حسن بن محمد بن ادریس در بیست و سیّم رمضان هشتصد و ششم هجرت بیابان رسید و بنا بر این، این ابن فهد نیز مثل ابن فهد حلی مذکور ذیل احمد پسر محمد بن فهد میباشد چون در اسم و زمان و اساتید و مشایخ روایت و اشتهاار با ابن فهد و تألیف شرح ارشاد متحد و مشترک هستند لذا در اغلب موارد منشأ اشتباه اسمی شده و هر دو را یکی پنداشته و کتاب خلاصة التنقيح مذکور را از ابن فهد مذکور ذیل دانند لکن علاوه بر تألیفات ایشان قیود مقری و احسائی و لقب شهاب الدین و نبودن کنیه و پدر بودن فهد در اینجا و حلی و اسدی و لقب جمال الدین و کنیه ابوالعباس داشتن و جد بودن فهد در ابن فهد حلی ذیل در امتیاز و تعدد ایشان کافی و علاوه بر همه اینها صاحب ترجمه (ابن فهد احسائی) در حله معروف و ابن فهد حلی ذیل در کربلا مشهور است . سال وفات و مشخص دیگری از همین ابن فهد احسائی بدست نیامد .

(ذریعه و تنقيح المقال و ص ۲۱ ت و ۲۳۸ ج ۱۰ عن وغیره)

### ابن فهد

احمد - بن محمد بن فهد اسدی حلی ، ملقب به جمال الدین ،

مکنی به ابوالعباس ، معروف به ابن فهد ، از اکابر و اعیان علمای

امامیه قرن نهم هجرت میباشد که فقیه فاضل محدث کامل عابد زاهد ثقف و صالح مرتاض ، حاوی فروع و اصول ، جامع معقول و منقول ، در فضائل و کمالات ظاهر و باطن و لفظ و معنی و علم و عمل و فضل و عرفان و زهد و تقوی شیره آفاق میباشد و تألیفات او بهترین معرف تمامی مقامات علمی و عملی وی بوده و حاکی از بعض عوالم دیگرش نیز میباشد :

۱- آداب الداعی ۲- الادعية والختموم ۳- استخراج الحوادث و بعض الوقایع

المستقبلية من كلام امير المؤمنين ع في ما انشاه في صفين بعد شهادة عمار بن ياسر که خروج جنگیزخان و ظهور شاه اسمعیل صفوی و پاره‌ای اسرار علوم غریبه و وقایع آینده را حاوی و همه آنها را از کلام معجز نظام حضرت علی ع که در صفین بعد از شهادت عمار یاسر فرموده استنباط کرده است . موافق آنچه از ریاض العلماء و مجالس المؤمنین نقل شده سید محمد بن فلاح مشمشعی (متوفی بسال ۸۷۰ ق = ۱۴۷۰ م) که از تلامذه ابن فهد و جد اعلاى سید علی خان حویزی سابق الذکر میباشد بعضی از آنها اطلاع یافت و بواسطه اعمال آنها در غرض شخصی و هوا و هوس نفسانی منتهی بالحاد و اظهار دعاوی باطله گردید ۴- اسرار الصلوة ۵- تاریخ الائمة ۶- التحریر در فقه ۷- التخصیص فی صفات العارفين من العزلة والخمول بالاسانید المتلقاة عن آل الرسول ۸- ترجمة الصلوة در بیان معانی اقوال و افعال نماز ۹- تعیین ساعات اللیل و تخصیصها بمنازل القمر ۱۰- جامع الدقائق و کاشف الحقائق که نام دیگر مذهب مذکور ذیل است ۱۱- الدر الثریة فی التوحید ۱۲- الدر النضید فی فقه الصلوة ۱۳- شرح ارشاد علامه که نامش المقتصر است ۱۴- شرح الفیه شهید ۱۵- عدة الداعی و نجاج الساعی که در ایران چاپ و سه نسخه خطی آن نیز بشماره‌های ۲۱۳۷ و ۲۱۳۸ و ۲۱۴۰ در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید طهران موجود است ۱۶- فقه الصلوة ۱۷- کفاية المحتاج فی مسائل الحاج ۱۸- اللمعة الجلیة فی معرفة ائمة ۱۹- المسائل البحرانیات ۲۰- المسائل الشامیات ۲۱- مصباح المبتدی و هداية الممهتدی (المقتدی خا) ۲۲- المقتصر فی شرح الارشاد ۲۳- الموجز الحاوی ۲۴- المهذب البارع فی شرح المختصر النافع .

گویند که ابن فهد حضرت امیر المؤمنین ع را در خواب دید که دست در دست علم الهدی بود ، هر دو لباس حریر سبزرنگ در برداشتند ، در روضه مطهره علویه سیر میکردند ، ابن فهد سلام کرد و بعد از جواب سلام ، علم الهدی گفت : اهلا بنا صرنا اهل البيت سپس اسامی تألیفات او را استفسار نمود ، بعد از ذکر آنها فرمود کتاب دیگری که مشتمل بر تحریر مسائل و تسهیل طرق و دلائل باشد تألیف داده و بدین جمله : بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله المقدس بكماله عن مشابهة المخلوقات افتتاح کن ابن فهد گوید بعد از بیداری کتاب تحریر را تألیف کرده و بهمان جمله افتتاح نمودم . نیز از کتاب تکملة الرجال شیخ عبدالنبی کاظمی نقل است که ابی فهد در زمان میرزا اسبند ترکمان ، والی عراق با علمای عامه مناظره مذهبی کرد و ایشان از جواب درماتند ، والی نیز بهمین جهت شیعه شده و خطبه و سکه را با اسامی ائمه معصومین ع مزین گردانید .

وفات ابن فهد بسال هشتصد و چهل و یکم هجری قمری درهشتاد و پنج سالگی در کربلای معلی واقع شد ، قبر شریفش نزدیک خیمه گاه معروف ، کراماتی از آن منقول و محل تعظیم و تبرک اهل تقوی بوده و از باطن وی استمداد می نمایند . صاحب ریاض نیز مکرر زیارتش رفته و تبرک می جسته است و در نخبه المقال گوید :

و احمد بن فهد الحلبي اجل مقبضه (الخیر = ۸۴۱) و عمره (نهل = ۸۵)

(ذریعه وص ۲۰ ت ۸۱ و هب و ۲۲۶ ج ۱ م و تنقیح المقال و ۲۳۸ ج ۱۰ عن وغیره)

محمود بن سلیمان بن فهد - در باب اول بعنوان شهاب الدین محمود مذکور است .

ابن فهد

معروف بن فیروز - در باب اول (القاب) بعنوان کرخی معروف مذکور است .

ابن فیروز

قاسم بن فیره - در باب اول (القاب) بعنوان شاطبی قاسم مذکور است .

ابن فیره

محمد - بن قائد اوانی ، از مریدان شیخ عبدالقادر گیلانی و از اکابر عرفا و صوفیید میباشد که شیخ ، او را معرّب الحضرة گفته

ابن قائد

و از منفر دین اش می شمرد است . منفر دین در اصطلاح ایشان جماعتی را گویند که از قطب خارج و بی واسطه قطب از درگاه فیاض حقیقی اخذ فیض نمایند ، حضرت خضر و حضرت خاتم الانبیاء ص را هم پیش از بعثت از ایشان دانند . ابن قائد در سال ۵۷۶ و هشتاد و ششم هجرت در گذشت و هر یک از دو جمله : محمد آفتاب = ۵۷۶ و سردار عالی = ۵۷۶ ماده تاریخ او است . اوانی منسوب به موضع اوان نامی است نزدیک مدینه و یا شبرکی اوانا نامی است از توابع دجیل در ده فرسخی بغداد .

(صد و ص ۱۰۵ ج ۱ نخه و ۳۹۱ ج ۴۲)

عبدالرحمن بن قاسم - بعنوان عتقی در باب القاب نگارش یافت است .

ابن قاسم

محمد بن قاسم - فقیه شافعی غزی ، مکنی بن ابوعبدالله ، مشبب

ابن قاسم

شمس الدین ، معروف بد ابن قاسم و ابن القرا بلی ، از تلامذ

جلال‌الدین محلی میباشد که ولادتش در شهر غزه (بروزن مکه) در اقصای بلاد شام در دو فرسخی عسقلان واقع شد و بسال نهم و هیجدهم هجری درگذشت. کتاب فتح‌القریب المجیب فی شرح الفاظ التقریب که بارها در مصر و قاهره چاپ شده تألیف او است و اصل کتاب تقریب از ابوشجاع اصفهانی است. (ص ۱۴۱۶ مط)

محمد بن محمد - بن حسن بن قاسم سیدحسینی عاملی جزینی

ابن قاسم

عینائی، معروف به ابن قاسم، محدث حافظ و اعظم جلیل‌القدر

عالم فاضل صالح عابد زاهد ادیب شاعر، از اسباط شهید ثانی و از افاضل قرن یازدهم هجرت میباشد که مادر مادرش دختر شهید بوده و از تألیفات او است:

۱- الاثنی عشریة فی المواظب العدویة که در نهم رجب هزار و شصت و هشتم هجرت تألیف آن خاتمه یافته است ۲- ادب‌النفس ۳- حدائق‌الابرار و حقائق‌الاخبار که در هزار و هشتاد و یکم هجرت تألیف شده است ۴- فوائد‌العلماء و فرائد‌الحکماء ۵- المنظوم‌الفصیح و المنثور الصحیح (الصریح خلا) و اشعار بسیاری در موعظه گفته و از او است:

المراء لا یجزی بفسر سعیه	اذ لیس ثل انسان الا مسعی
و اعلم بان کل من فوق الثری	لا بد من مصیره الی البلاء
و کل الی الله الامور تترح	و عد الی مدح‌الحبیب‌المجتبی
و اثن علی اخیه و ابن عمه	قسیم دار‌الخلد حقاً و نظی
والحسن‌المسوم ظلماً و‌الحی	سن‌السید‌السبط شهید کر بلا

سال وفاتش بدست نیامد. (ذریعه و ص ۸۲ هب و غیره)

احمد بن ابی‌احمد قاص - یا ابی‌احمد بن القاص طبری، فقیه

ابن القاص

قاضی و اعظم شافعی، مکنئی به ابوالعباس، معروف به ابن القاص،

از اکابر فقهای شافعیه میباشد. نخست فقه را در بغداد از ابن‌سریج اخذ کرد، پس بسمت قضاوت بموطن خود طبرستان رفت و در آنجا بنشر علوم پرداخت. کتاب ادب‌القاضی و تلخیص و دلائل‌القبلة و المفتاح و المواقیت تألیفات وی میباشد. عاقبت بسال سیصد و سی و پنجم یا ششم هجری در بلدة طرسوس در اثنای موعظه درگذشت و پدر یا جدش

بجهد قصه خوانی معروف به قاص بوده است .

(ص ۱۸ ج ۱ کا و ۴۱ ج ۱ فع و ۱۰۳ ج ۲ طبقات الشافعیه و غیره)

احمد بن محمد بن ابی العافیه - فقیه مورخ ضابط ، معروف به

**ابن القاضی**

ابن القاضی ، از افاضل عامه قرن یازدهم هجری بوده و از

تألیفات او است :

۱- جذوة الاقتیاس فی من حل من الاعلام بمدينة فاس که در فاس چاپ شده است ۲- درة

الرجال فی اسماء الرجال که متمم تاریخ ابن خلکان است . وی بسال هزار و بیست و پنجم هجرت در شصت و پنج سالگی درگذشت . (ص ۳۰۹ مط)

مظفر بن عبدالرحمن - یا مظفر بن عبدالسلام بن عبدالرحمن

**ابن القاضی**

بعلبکی دمشقی ، ملقب به بدرالدین ، از آن رو که پدرش قاضی

بعلبک بوده به ابن قاضی معروف ، از اطبای نامی اواسط قرن هفتم هجری دمشق میباشد که در اثر مهارت علمی و عملی نزد ملوک و اکابر بسیار محترم ، ریاست کل اطبای آن دیار منصوب بوده و از تألیفات او است :

۱- کتاب الملح در طب ۲- مفرح النفس . وفاتش بعد از سال شصت و پنج هجرت است .

(کف و ص ۲۵۰ ج ۱ مر و ۱۲۵۵ ج ۲ س)

عبدالباقی - بن قانع بن مرزوق بغدادی ، حافظ ، مکنی به ابوالحسین ،

**ابن قانع**

معروف به ابن قانع ، از مشاهیر علما و محدثین عامه و مؤلف

کتاب معجم الشیوخ بوده و بسال سیصد و پنجاه و یکم هجری قمری در هشتاد و شش سالگی درگذشت .

**ابن قایماز**

محمد بن احمد - در باب اول (القاب) بعنوان فهبی مذکور است .

محمد بن عبدالرحمن - بن قبه رازی ، مکنی به ابوجعفر ، معروف

**ابن قبه**

به ابن قبه ، فقیه متکلم عظیم المشن ، از اعیان مشایخ و علمای

امامیه و اعظام و حدائق متکلمین شیعه اوائل قرن چهارم هجرت میباشد که با کینی

(متوفی سال ۳۲۹ هـ ق = شکط) و با ابوالقاسم کعبی بلخی سابق الذکر (متوفی سال ۳۱۷ هـ ق = شیز) که از رؤسای معتزله بغداد بوده اند معاصر، در بدایت حال معتزلی مذهب، از تلامذه کعبی مذکور بوده و اخیراً مستبصر گردید و یقیناً امامیه معتقد شد و با استاد مذکور خود ابوالقاسم بلخی کعبی بمقام معارضه برآمد و چند کتاب در اثبات امامت موافق عقیده اثنی عشریه تألیف کرد و مشهورترین آنها کتابی است انصاف نام که ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، شیخ مفید هم در کتاب عیون و محاسن و اکمال الدین و سید مرتضی در فصول و شافی از آن کتاب روایت میکنند. شیخ ابوالحسن محمد بن بشر سوسنجردی (که شرح حالش را بعنوان حمدونی نگارش داده ایم) گوید که بعد از زیارت حضرت رضا ع یبلخ رفته و با ابوالقاسم بلخی که سابقه آشنائی داشتیم وارد شدم، کتاب انصاف مذکور ابن قبه هم بامن بود، ابوالقاسم آنرا دیده و ردی بنام مسترشد بر آن نوشت، آنرا در ری بنظر ابن قبه رسانیدم او هم ردی بر آن نوشته و به مستثبت موسوم داشت، آنرا نیز در بلخ پیش ابوالقاسم بردم ابوالقاسم نیز کتابی بنام نقض المستثبت در رد آن تألیف کرد، آنرا نیز برداشته و عازم ری شدم که بنظر ابن قبه برسانم ولی پیش از ملاقات وفات یافته بود. بنابراین وفات ابن قبه پیش از سال سیصد و هفدهم هجرت (که تاریخ وفات ابوالقاسم است) میباشد. در اعیان الشیعه هم گوید که وفات ابن قبه در اوائل قرن چهارم هجرت بوده و از تألیفات ابن قبه است:

۱- الامامة ۲ و ۳- الانصاف و التعریف هر دو در امامت و غیر از اولی هستند ۴- الرد علی ابی علی الجبائی ۵- الرد علی الزیدیه ۶- المستثبت که فوقاً ذکر شد. اما لفظ قبه بنابراینچه از علامه حلی نقل شده بکسر قاف و تخفیف با ضبط کرده و از بعضی ضم و تشدید نقل شده و در فهرست ابن الندیم با کسر و تشدید نوشته است (بدون ضبط).

سلیمان - بن قته قرشی، شاعر تابعی شیعی، از موالی بنی تمیم

ابن قته

بوده و آیاتی در مرثیه حضرت امام حسن مجتبی ع گفته است.

اولین کسی میباشد که حضرت امام حسین ع و شهدای کربلا را مرثیه گفته است، چنانچه

بعد از شهادت آن حضرت گذارش بکربلا افتاد ، همینکه مصارع شهدا را دید از کثرت گریه مشرف بموت شد و این ابیات را انشا نمود :

و ان قتیل الطف من آل هاشم      اذل رقابا من قریش فسدت  
مررت علی ابیات آل محمد      فلم ارها امثالها یوم حلت

تا آخر که هفت بیت است و بعضی این اشعار را با بورامح خزاعی نسبت دادند لکن موافق نقل معتمد در مناقب ابن شهر آشوب و مقاتل الطالبیین ابوالفرج از ابن قته میباشند . قته ، بروزن مکه نام مادر سلیمان است و نام پدرش معلوم نشده و سال وفاتش هم بدست نیامد .  
(تنقیح المقال وص ۸۲ هب و غیره)

سعید بن مسلم - بن قتیبه بن مسلم بن عمرو ، بصری الاصل ،

### ابن قتیبه

خراسانی المسکن ، باهلی القبیله ، ابو محمد الکنیه ، ابن قتیبه

الشهره ، از محدثین اواخر قرن دوم و اوائل قرن سیم هجرت میباشد که در حدیث و علوم عربیه خبیر بود ، گوید در اثنای سفر حج با خیمه و خرگاه از بادیه عبور میکردم يك اعرابی را دیدم که بر در خیمه خود ایستاده با دقت تمام در خیمه و خرگاه من نگاه میکند و پرسید که اینها مال کیست گفتم مال مردی است از قبیله باهله ، گفت بالله گمان ندارم که خدایتعالی اینهمه نعمت را بیک مرد باهلی داده باشد پس چون طعن اعرابی را نسبت بدان قبیله دیدم بدو گفتم آیا دوست داری که اینهمه خیمه و خرگاه مال تو بوده و باهلی باشی ؟ سوگند یاد کرد که نه ، گفتم آیا دوست داری که تو امیر المؤمنین بوده و از اهل آن قبیله باشی ؟ باز اکیداً استنکاف نمود ، گفتم دوست داری که باهلی بوده و بهشتی باشی ؟ گفت قبول دارم بشرط اینکه اهل بهشت باهلی بودن مرا ندانند پس يك کیسه درهم که همراه داشتم بدان اعرابی دادم او نیز قبول کرده و اظهار امتنان نمود که محل حاجتش بوده است ، پس گفتم که من باهلی هستم فورا کیسه را بسویم انداخت ، گفتم با این حاجتی که داری چرا رد میکنی گفت خوش ندارم که در موقع ملاقات پروردگار مردی باهلی را حقی در زمه من باشد .

ابن قتیبه گوید که این قضیه را بمأمون عباسی نقل کردم از خنده بیشت افتاده و از



کثرت صبر من تعجب کرده و صد هزار درهم بمن جایزه داد باری چنانچه از این قضیه هم استکشاف میشود عرب از انتساب بقبیله باهله استنکاف تمام دارد اینک گفته اند :

ولو قیل للکلب یا باهلی عوی الکلب من لوم هذا النسب

وما ینفع الاصل من هاشم اذا کانت النفس من باهله

(ص ۳۷۳ ج ۱ نی و ۷۴ ج ۹ تاریخ بغداد)

عبدالله - بن مسلم بن قتیبه ، مروزی الاصل، کوفی یا بغدادی

الولادة ، دینوری الاقامة والقضاة ، باهلی القبيلة ، ابو محمد

الکنیة ، ابن قتیبة الشهرة ، ادیبی است کاتب منشی نحوی لغوی کامل فقیه فاضل ، از اکابر علمای عامه قرن سیم هجرت که در بسیاری از علوم شرعیته متنوعه از فقه و فرائب قرآن و معانی قرآن و مانند آنها حظی وافر داشت ، مدتی در دینور قضاوت نموده و بهمین جهت به دینوری هم موصوف بود ، در اظهار حق کمال جسارت داشته و تألیفات بسیاری در فتنون متنوعه دارد :

۱- ادب الکاتب که بارها در مصر و استانبول و اروپا چاپ و دو نسخه خطی آن نیز بشماره های ۲۷۹۲ و ۲۷۹۳ در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید طهران موجود است . ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود تحت عنوان علم الادب از اساتید خود نقل کرده که میگفتند اصول و ارکان علم ادب چهار دیوان است ، ادب الکاتب ابن قتیبه و کامل ابن میرد و نوادر ابوعلی قالی بغدادی و بیان و تبیین جاحظ و کتب دیگر جز این چهار کتاب فرع و تابع هستند ۲- الامامة والسیاسة که در تاریخ خلافت و شروط آن است و بارها در مصر و قاهره چاپ و چند نسخه خطی آن نیز در کتابخانه های مصر و پاریس موجود است ۳- تأویل مختلف الحدیث ۴- دلائل النبوة ۵- الشعر والشعرا یا اخبار الشعرا یا طبقات الشعرا که بارها در قاهره چاپ شده است ۶- عیون الاخبار که در قاهره چاپ شده است ۷- غریب الحدیث ۸- غریب القرآن ۹- المسائل والجوابات ۱۰- مشکل الحدیث ۱۱- مشکل القرآن ۱۲- المعارف که از قدیمترین کتابهای تاریخ عمومی و در مصر چاپ شده است ۱۳- معانی الشعر ۱۴- المیسر والقدهاح و غیرها که بسیار بوده و در فهرست ابن الندیم نگارش داده است . وفاتش بسال دویست و هفتادم یا هفتاد و یکم یا ششم هجرت در اوائل غیبت صغری بموت فجاء واقع شد و اینکه بعضی از اهل عصر وفات او را در سال سیصد و بیست و دوم هجرت نوشته اند اشتباه بوده و تاریخ وفات احمد پسر

صاحب ترجمه را تاریخ خود او پنداشته‌اند .

(ص ۱۱۵ ف و ۱۷۰ ج ۲ ع و ۲۷۲ ج ۱ کا و ۸۲ هب و ۱۰۹ تذکرة النوادر و ۶۵۵ ج ۱ س)

**ابن القداح** در اصطلاح رجالی عبدالله بن میمون اسود است .

در باب القاب، هویمی بعنوان موفق‌الدین عبدالله، اولی هم در ضمن آن و سیمی نیز بعنوان کاتب بغدادی نگارش یافته است .	عبدالرحمن بن محمد	ابن قدامة
	عبدالله بن احمد	ابن قدامة
	قدامة بن جعفر بن قدامة	ابن قدامة

**ابن قدامة** محمد بن احمد بن قدامة - ملقب به شمس‌الدین ، معروف به

ابن قدامة ، از مشاهیر فقها و محدثین و مورخین حنبلیه میباشد

که در نحو نیز دستی توانا داشته و از تألیفات او است :

۱- تاریخ الخوارج ۳- شرح تسهیل ابن مالک و غیره و در سال هفتصد و چهل و چهارم

هجرت درگذشت . (ص ۵۵۶ ج ۱ س)

**ابن قرقول** ابراهیم بن یوسف بن ابراهیم - مکنسی به ابواسحق ، معروف به

ابن قرقول، از علمای قرن ششم هجری عامه و فقهای ایشان بوده

و مؤلف کتاب مطالع الانوار علی صحاح الآثار است که در حل مشکلات موطاء مالک و صحیح

مسلم و صحیح بخاری میباشد و باصول مشارق الانوار قاضی عیاض تألیف شده و در سال

پانصد و شصت و نهم هجری در شهر فاس درگذشت . (کف و ص ۱۶ ج ۱ کا)

**ابن قره** ابراهیم بن ثابت ، ابراهیم بن سنان ، ثابت بن سنان ، ثابت بن قره بوده و بعنوان صابی نگارش یافتند .

**ابن قریعه** محمد بن عبدالرحمن - بغدادی ، مکنسی به ابوبکر، معروف به

ابن قریعه ، از فضایی فقهی قرن چهارم هجرت میباشد که در

نکتہ‌سنجی و حدت ذهن و جودت فهم و سرعت جواب و بدیبه‌گوئی در غایت اشته

بود ، تمامی سؤالات متنوعه را بی‌توقف و درنگ با سی

میگفت ، رؤسای وقت مسائل غریبه خنده آوری نوشته و از وی سؤال میکردند ، او نیز فوراً مطابق سؤال ایشان جواب مینوشت . مدتی قاضی سندیه و فواحی آن از اعمال بغداد بود ، نزد وزیر مهلبی سابق الذکر هم تقریبی بسزا داشت ، وزیر نیز جماعتی را برمیگماشت که مطالب هزلیه و مضحکه را از او استفسار نمایند ، او نیز مطابق سؤال هر کس جوابهای ظریفانه مینوشت و این گونه مسائل ظریفه و جوابات ظریفه او را بعضی از ظرفا و اهل فوق و صفا جمع و تدوین نموده اند که بنوشته ابن خلکان بین الناس کتابی مشهور است و از آن جمله یکی را بعنوان نمونه ثبت این مختصر مینماید .

ابوالعباس بن معلی کاتب ، کتباً استفتا نمود حضرت قاضی چه میفرماید دربارهٔ مردی یهودی که با زنی نصرانی زنا کرد ، از ایشان فرزندی بوجود آمد که رویش چون گاو و بدنش مانند انسان بود ، اینک هر دو را دستگیر کرده و کیفیت مجازات ایشان را موکول بحکم و فتوای حضرت قاضی داشته اند پس ابن قریعه در جواب نوشت :

هذا من اعدل الشهود علی ملاعین الیهود بانهم اشربوا حب العجل فی صدورهم حتی خرج من ابورهم و اری ان یناط برأس الیهودی رأس العجل ویصلب علی عنق النصرانیة الساق و الرجل و یسحب علی الارض و ینادی علیهما ظلما ت بعضها فوق بعض یعنی این قضیه در باب گوساله پرستی ملاعین یهود از عادل ترین شهود است که ایشان محبت گوساله را چنان در سینه های خودشان جا دادند که از آلات تناسلی ایشان بیرون آمد و فتوای من در این مسئله آن است که نخست باید سر آن گوساله را بگردن آن مرد یهودی زانی آویخته و ساق و پای آن را نیز صلیب وار بگردن زن زانیه نصرانیه معلق کنند و آنگاه هر دو را بر روی زمین کشیده و مقرر دارند که جارچی و منادی بر سر ایشان داد زده و این آیه کریمه را قرائت نماید و نظائر این بسیار است . وفات ابن قریعه بسال سیصد و شصت و هفتم هجرت در شصت و پنج سالگی در بغداد واقع شد و قریعه بضمّ اول و فتح ثانی لقب جدّ صاحب ترجمه بوده است .

## ابن القرية

ایوب بن زید (یزید خدا) بن قیس - هلالی نمری ، مکنی به

ابوسلیمان ، از مشاهیر خطبای فصحای عرب و جلس حججاج

بن یوسف ثقفی میباشد . با اینکه اعرابی عامی بی سواد بوده در فصاحت و بلاغت شهرت داشت ، عاقبت در سال هشتاد و دویم یا چهارم هجرت بامر حججاج مقتول گردید . لفظ قریه (بکسر اول و فتح و تشدید دویم و سیم) که در لغت بمعنی چینهدان مرغان میباشد لقب خماعة یا حمامه جدّه ایوب بوده است و بعقیده کاتب اصفهانی ابن القریه عنوان شخصی موهوم بوده و اصلاً وجود خارجی ندارد مثل مجنون و لیلی و بعضی از نظائر وی .  
(مرصع ابن الاثیر و ص ۸۷ ج ۱ کا و ۶۵۶ ج ۱ س)

## ابن قزمان

محمد - بن عبدالملک بن قزمان ، مکنی به ابویکرم ، معروف به

ابن قزمان ، از مبرزین ادبا و شعرای وزیرای قرن ششم هجری

میباشد که در روئے خود متفرد بود ، فقط باوزان و بحور عروضی متداولی اکتفا نکرده بلکه اوزانی اختراع نمود که در کتب و اشعار سلف اثری از آنها نبوده است . در کلمات غیر شعری خود یک روئے متوسط بین النظم والنثر اتخاذ کرده بوده که کلماتش موزون و لکن نه در ردیف نظم منتظم بودند و نه در سلك نثر منسلک . دیوان ابن قزمان در برلین چاپ شده و در پانصد و پنجاه و پنج هجرت در گذشت .

(ص ۶۵۷ ج ۱ س و ۲۱۴ مط)

## ابن قسی

شیخ احمد بن قسی - مکنی به ابوالقاسم ، معروف به ابن قسی ،

از مشایخ صوفیّه اواسط قرن ششم هجری اندلس میباشد که از

اهل فضل و ادب بود ، در ادبیات و لغت نیز یدی طولی داشت ، کتابی در تصوف بنام خلع النعلین فی الوصول الی حضرة الجمعین تألیف کرده که در موضوع خود مهم بوده و شیخ اکبر محیی الدین ابن العربی و شیخ عبدی شارح فصوص آن را شرح کرده اند . در سال پانصد و چهل و پنجم هجری قمری در گذشت .  
(کنف و ص ۶۵۷ ج ۱ س)

## ابن قصار

علی بن عبدالرحیم بن حسن - ادیب لغوی ، رقی الاصل ، بغدادی

الولادة والمسکن والمدفن ، مکنی به ابوالحسن ، معروف به

ابن قصار (بروزن عطار) ملقب به مذهب‌الدین، از مشاهیر ادبا میباشد که فنون ادبیه را از ابن‌الشجری و ابن‌الجوالیقی سابقی‌الذکر فرا گرفته و بردیگران تقدم یافته است. در خط و کتابت هم مهارتی بسزا داشته و خط‌های او را بقیمت گزاف خرید و فروش میکرده‌اند. بسال پانصد و هفتاد و ششم هجری قمری در شصت و هشت سالگی در بغداد درگذشته و در مقبره شوئیزیه مدفون گردید. (ص ۳۷۴ ج ۱ کا)

سید عبدالله بن محمد - حجازی، حلی‌ی حنفی، معروف به

### ابن قضیب‌البان

ابن قضیب‌البان، از مشاهیر شعرا و خطاطین عرب میباشد که بهر سه

زبان عربی و فارسی و ترکی شعر خوب میگفته است. فضل و کمال و حسن خطش معروف و بسیار مأنوس و نیکو معاشرت بوده و مدتی هم قضاوت دیار بکر نموده است. يك قصیده دالیه در مدح حضرت رسالت ص نظم کرده که از جمله اسباب اشتهار وی گردیده و شرحاً و تخمیساً محل توجه بعضی از اهل فضل میباشد و از آیات آن است:

اهلا بنشر من مهيب زرود  
و روی شذا خبر العقیق ففجرت  
احیی قواد العاشق المنجود  
منه عیون الدمع فوق خدودی

از آثار قلمی او است:

۱- حل العقال ۲- دیوانی مرتب ۳- نظم الاشباه الفقهیه و غیرها. وفاتش بقول

قاموس‌الاعلام برقم هندسی (۱۰۰۶) هزار و ششم هجرت واقع شد و یا بزعم بعضی، در اواخر عمر آداب و اطوارش بکلی تغییر یافته و مردمرا آزار و اذیت میکرده است تا آنکه بسال هزار و نود و ششم هجرت بدست اهل بلد خود مقتول گردید و ظاهر آن است که صفر اول در رقم هندسی مذکور سهو شده و عوض آن رقم ۹ صحیح است.

(ص ۲۱۵ مط و ۶۵۷ ج ۱ س)

علی بن جعفر - بن علی بن محمد بن عبدالله بن حسین، سعدی

### ابن القطاع

القبیلة، حقلی‌الولادة، ابوالقاسم‌الکندی، ابن‌القطاع‌الشهری،

مصری‌الاقامة، از مشاهیر ادبای اوائل قرن ششم هجرت میباشد که کاتب نحوی و بالخصوص در لغت و حید عصر خود بوده و شعر خوب نیز میگفته و از تألیفات او است:

۱- ابنیه الاسماء والافعال والمصادر ۲- تاریخ صقلیه ۳- الدرّة الخطیرة المختارة من شعر اهل الجزیره که حاوی شرح حال یکصد و هفتاد تن از شعرای جزیره صقلیه و بسیاری از اشعار ایشان است ۴- فرائد الشذور و قلائد النحور در اشعار ۵- لمح الملح که حاوی شرح حال شعرای اندلس و اشعار ایشان است و غیر اینها .

ابن القطاع بسال چهارصد و سی و سیم هجرت در جزیره صقلیه از اعمال اندلس از قبیله بنی سعد بوجود آمد ، در حدود سال پانصد هجرت، هنگام استیلا فرنگ بمصر رفته و مورد تجلیل و تبجیل اهالی گردید و در سال پانصد و دهم یا چهاردهم یا پانزدهم هجرت در گذشته و نزدیکی قبر شافعی دفن شد .

(ص ۳۶۸ ج ۱ کا و ۶۵۷ ج ۱ و ۲۵۷۳ ج ۴ س و ۴۸۴ ت و غیره)

احمد بن محمد بن احمد - بغدادی، مکنّی به ابوالحسین، معروف

### ابن القطان

به ابن القطان ، از اکابر فقهای شافعیّه میباشد که فقده را از ابن سرج

و ابواسحاق مروزی یاد گرفت ، مدتی در بغداد تدریس نموده و عاقبت بریاست علمی کل عراق منصوب شد ، در سال سیصد و پنجاه و نهم هجرت درگذشت و مصنفات بسیاری در فقه و اصول و غیره بدو منسوب است . (ص ۱۹ ج ۱ کا و سطر ۶ ص ۵۸ ت)

محمد - بن شجاع قطان انصاری حلّی ، معروف به ابن القطان،

### ابن القطان

ملقب به شمس الدین (که گاهی خودش نیز مثل پدرش به قطان

موصوف میباشد) عالمی است عامل صالح فاضل کامل ، از علمای امامیه قرن نهم هجرت که بواسطه فاضل مقداد (متوفی بسال ۸۲۶ هـ ق = ضکو) از سید اول روایت کرده است و کتاب معالم الدین فی فقه آل یاسین تألیف منیف وی بوده و بهترین معرف ققاهت و فضیلت علمی او میباشد ، فتاوی او در کتب فقهیه منقول و در اصول مسائل ، سأل المسائل محقق و علامه بوده و سال وفاتش بدست نیامد . (تنقیح المقال)

هبة الله - بن فضل بن عبدالعزیز قطان بغدادی ، مکنّی به

### ابن القطان

ابوالقاسم، معروف به ابن القطان و ابن الفضل، از مشهور شعرای

بغداد میباشد که بالخصوص در هجویات و لطائف و هزلیات بی نظیر بود، از جمعی وافر

از مشایخ استماع حدیث نمود و بسیار لطیف و طرفه‌گو و ظریف و عیب‌جو بود، در دیوان شعر خود جماعتی از اعیان و اکابر و وضع و شریف و فقیر و غنی را قدح کرده و همه‌کس حتی خلیفه وقت از صدمه زبانی او درحذر بودند و بین او و حیص بیص سابق‌الذکر نوادری وقوع یافته است. من جمله روزی حیص بیص از خانه شرف‌الدین علی بن طراد زینبی وزیر مسترشد بالله بیست و نهمین خلیفه عباسی (۵۱۲-۵۲۹ هـ ق) ثیب نکط) خارج و عزم خانه خود داشت، در عین حال سگ بچه‌ای دامن‌گیرش شد او نیز بصفحه شمشیرش زد و در حال بمرد. چون این قضیه مسموع ابن‌قطان گردید چند شعری در این باب گفته و دو شعر اعرابی را هم که در حین قصاص و خونخواهی پسر مقتولش از برادر خود که قاتل بوده گفته و شمشیر را انداخته و از قصاص کردن منصرف شده است تضمین همان اشعار خود کرده و همه را در ورقه‌ای نوشت و در گردن آن ماده‌سگ بچه‌دار آویخت و کسی را هم بگماشت که همان سگ را با بچه‌هایش در در خانه وزیر حاضر گردانید مشعر بر اینکه آن سگ در قتل بچه خود از دست حیص بیص تظالم مینماید پس ورقه را از گردن سگ باز کرده و بنظر وزیر رسانید و این اشعار را دیدند:

یا اهل بغداد ان الحیص بیص اتی	بفعله اکسبه الخزی فی البلد
هو الجری اللذی ابدی تشاجعه	علی جری ضعیف البطش والجلد
و لیس فی بسده مال یدیه به	ولم یکن بیواء عنه فی القود
اقول للنفس تعساء و تعزیه	احدی یدی اصابتنی ولم نزد
کلاهما خلف من فقد صاحبه	هذا اخی حین ادعوه وذا ولدی

نیز روزی با حیص بیص در موقع صرف طعام نزد وزیر مذکور بودند ابن‌قطان مرغ قطای بریان شده را برداشته و بد حیص بیص که از قبیله بنی تمیم بوده داد، حیص بیص از اذیت کردن ابن‌قطان بمقام شکایت برآمده و بوزیر گفت که او با دادن مرغ قطا اشاره بدین شعر میکند:

تمیم بطرق اللوم اهدی من القطا	ولو سلکت سبل المکارم ضلت
اری اللیل یجلوه النهار ولا اری	خلال المخازی عن تمیم تجلت
ولو ان برغوثا علی ظهر قملة	یکر علی صفی تمیم ثولت

این گونه لطائف و ظرائف وی بسیار میباشد . وفاتش بسال پانصد و پنجاه و هشتم هجری قمری در هشتاد تمام یا هشتاد و یک سالگی در بغداد واقع شد و در مقبره معروف کرخی مدفون گردید .  
(ص ۳۲۱ ج ۲ کا و ۶۵۸ ج ۱ ص)

محمد - بن سلیمان بن قطرمش ، سمرقندی الاصل ، بغدادی

## ابن قطرمش

الولادة ، ابونصر الكنية ، اديب نحوي لغوي اخباري از افاضل

ادبای قرن هفتم مصر میباشد که در فنون متداوله حظی وافر داشت ، علاوه بر تخصصی که در نحو و لغت و اشعار و اخبار سلف داشته در حل مسائل هندسه نیز دارای یدی طولی بود و در سال شصت و بیستم هجرت درگذشت .

(ص ۲۰۵ ج ۱۸ جم)

بعنوان ابوالفرج طبیب نگارش یافته است .

## ابن القف

شیخ ابراهیم - بن حسن بن علی سعدی ریاحی ، معروف به

## ابن قفطان

ابن قفطان، از شعرای اواخر قرن سیزدهم هجرت میباشد که در

سال هزار و دویست و هفتاد و نهم هجری قمری درگذشته و از او است :

بهر کنی الهوی شوقا اليها  
الا من مبلغ عنی سلاما  
فیمی فی معالنها سکونی  
الی حی بجانبها قطن

برادرش شیخ احمد بن حسن نیز از افاضل ادبا بوده و در هزار و دویست و نود و سیتم درگذشته و از او است :

فيا واحد الدنيا لك الامر فلتطع  
لوانك من نصر الهدى غير ناكص  
لك الخلق طرا طوع عبد لسيد  
و سيفك فيه منتضى غير مغمد

پدرش شیخ حسن نیز از افاضل ادبا بود که در سال هزار و دویست و هفتاد و پنجم هجرت در زیاده بر هشتاد سالگی درگذشته و از او است :

يا علة الایجاد يا من حبه  
لولاك ما ادى النسوة آدم  
تجمیع اعمال الخلیفة روح  
كما لولا نجي السفينة نوح  
احیی بسا ذنك للنفوس مسیح  
سجدت لك الاملاك لالسواك بل



ظاهر کلام من الرحمن آنکه پند و برادر مذکورین شیخ ابراهیم را نیز ابن قفطان گویند و این خانواده به آل قفطان معروف هستند . (ص ۱۲۶ ج ۱ من الرحمن)

ابن قفطان } شیخ احمد - (فوقاً ضمن شرح حال ابن قفطان شیخ ابراهیم  
ابن قفطان } شیخ حسن - (مذکور شدند.

ابن القفطی علی بن یوسف - بنوان جمال الدین ابن القفطی مذکور شده است .

ابن قلاقس نصرالله بن عبدالله در باب القاب بعنوان قاضی نصرالله مذکور است .

ابن القلانی حمزة بن اسد - بنوان ابوعلی حمزة بن اسد مذکور است .

ابن قلیته احمد بن محمد بن علی - کاتب یمنی ، مکنی به ابوالعباس ،  
معروف به ابن قلیته ، از ادبای یمن میباشد و کتاب رشد اللیب

الی معاشره الحیب که مشتمل بر چهارده باب و در فضیلت نکاح و آداب زناشوئی و زن و شوهر و لوازم این موضوع است تألیف او بوده و در سال دوست و سی و یکم هجرت در گذشت .  
(کف و ص ۶۵۸ ج ۱ س)

ابن القلیوی احمد - بن عیسی عسقلانی ، ملقب به کمال الدین ، معروف به  
ابن القلیوی ، از فقهای شافعیه قرن هفتم هجری میباشد و از  
تالیفات او است :

۱- شرح تئبیه ابواسحق شیرازی در فقه شافعی ۲- نهج الوصول فی علم الاصول  
و در سال شصت و هشتاد و نهم هجری قمری در گذشت .  
(کف و ص ۶۵۸ ج ۱ س)

ابن القلیوی علی بن محمد - از شعرای اندلس میباشد که با مهارت در لطافت و  
تشبیهات اشعار خود معروف بود ، در اوائل سلطنت ملک ظاهر

عبیدی هفتمین خلیفه فاطمی (۴۱۱-۴۲۷ هـ ق = قیا - تکز) در گذشته و از او است

ولا ضوء الا من هلال كأنما  
وقد حال دون المشتري من شعاعه  
كأن الثريا في اواخر ليلىها  
تفرق منه الغيم عن نصف دملج  
وميض كمثل الزبيق المترجرج  
تحية ورد فوق زهر بنفسج

(ص ۶۵۸ ج ۱ س)

حسین - بن علی بن محمد بن ممویه زبیدی یمنی ، مکنی به

ابن قم

ابوعبدالله ، معروف به ابن ممویه و ابن قم ادیبی است کاتب شاعر

از افاضل یمن و از اشعار او است :

خیر ماورث الرجال بینهم      ادب صالح و حسن ثناء

ذالك خیر من الدنانیر والاور      راق فی یوم شده و رخاء

تلك تفتی والدین والادب الصا      اج لا یفتیان حتی اللقاء

صاحب ترجمه بسال پانصد و هشتاد و یکم هجرت در پنجاه و یک سالگی درگذشت .

(ص ۱۳۰ ج ۱۰ جم و غیره)

ابن قنبر

در اصطلاح رجالی عبدالوهاب بن قنبر است .

ابن القوطی

مخفف ابن القوطیه است .

ابن القوطیة

محمد - بن عمر بن عبدالعزیز بن ابراهیم بن عیسی بن مزاحم

اندلسی ، اشبیلی الاصل ، قرطبی الولادة والاقامة ، ابوبکر الکنیة ،

ابن القوطیة الشهرة ، نحوی ادیب مشهور لغوی ، در لغت و فنون عربیة اعلم اهل عصر

خود ، در فقه و حدیث و اخبار و نوادر تاریخی نیز متمهر ، بالخصوص در اخبار و

تواریخ اندلس متخصص بود ، وقایع فقها و شعرا و امرای آن دیار را از حفظ نقل

میکرده و از تألیفات او است :

۱- الافعال و تصاریفها که در لیدن چاپ شده و او اولین کسی میباشد که در این موضوع

تألیف کرده است ۲- تاریخ الاندلس یا افتتاح الاندلس که در پاریس چاپ و یک نسخه خطی

آن نیز در کتابخانه پاریس موجود است .

وفاتش موافق ابن خلکان بسال سیصد و شصت و هفتم هجری قمری در قرطبه واقع

شده و در مقبره قریش مدفون گردیده است . لفظ قوطیه با قاف ، نام مادر ابراهیم جد

عالی محمد که به قوط بن حام بن نوح منسوب و ابن القوطیة گفتن محمد نیز بجهت

انتساب او است . حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله سابق الذکر در حاشیه و فیات الاعیان

(تاریخ ابن خلکان) گوید گمان دارم که اشتباه از کتاب شده زیرا که پسر حام موافق نوشته تورات و کتب اهل اروپا قوط بوده با فاء نه با قاف .

(ص ۹۱ ج ۲ کا و ۳۲۰ ج ۲ ع و ۲۷۲ ج ۱۸ جم و غیره)

شیخ جعفر - بن محمد جعفر بن موسی بن قولویه قمی ، مکنی

ابن قولویه

به ابوالقاسم، معروف به ابن قولویه (کدگاهی در مقام نسبت بجده،

جعفر بن قولویه و جعفر بن محمد بن قولویه نیز گویند) از مشاییر فقهای امامیه و اکابر مشایخ محدثین شیعه قرن چهارم هجرت میباشد که در کلمات علمای رجال با جلال و عظمت و وثاقت موصوف بود ، از کثی و کلینی و نظائر ایشان روایت کرده و شیخ مفید و امثال او نیز از وی روایت نمودند و از تألیفات او است :

۱- تاریخ الشهور والحوادث ۲- الجمعة والجماعة ۳- الشهادات ۴- القضاء و

ادبالحکام ۵- کامل الزیارات و غیرها که بسیار است . بسال سیصد و شصت و هشتم یا نهم هجری قمری در بلده کازمین وفات یافت و در پانزین پای حضرت امام جواد ع مدفون گردید و قبر شیخ مفید هم جنب قبر او است . (ص ۱۴۳ تا ۱۴۷ ج ۱ مه و کتب رجال)

علی بن محمد - مکنی به ابوالحسین ، از محدثین شیعه و مشایخ

ابن قولویه

روایت بر ادرش شیخ جعفر فوق میباشد که در نود سالگی در گذشت

و کتاب فضل العلم و آداب او است . (کتب رجالیه)

محمد بن جعفر - قمی ، مکنی به ابو جعفر یا ابوالقاسم ، پدر

ابن قولویه

ابن قولویه جعفر مذکور فوق میباشد که از محدثین و وجوه

۱- ابن قولویه - در اصطلاح رجالیه عنوان مشهوری جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی

بن قولویه و پدرش محمد بن جعفر و برادرش علی بن محمد میباشد و لکن در صورت اطلاق و نبودن قرینه باولی منصرف است و موافق آنچه از ایضاح علامه نقل شده لفظ قولویه بضم قاف و لام و فتح واو است .

فقهای شیعه و ثقات ایشان و از مشایخ کثیف و پسر مذکور خود و نظائر ایشان بوده و از خیار اصحاب سعد بن عبدالله اشعری قمی بشمار میرود. برای طلب حدیث مسافرتها کرده و با جمعی از اکابر عامه ملاقات و بسیاری از احادیث ایشان را استماع نموده و بسال دویست و نود و نهم یا سیصد و یکم هجرت در قم درگذشت و نزدیک بقعه علی بن بابویه قمی پدر صدوق مشهور مدفون گردید.

(ص ۸۳ هب و ۳۷۹ ج ۱ نی و کتب رجال)

ابن قیاما در اصطلاح رجالی حسین بن قیاما است.

### ابن القیسرانی

محمد - بن طاهر بن علی بن احمد، حافظ مقدسی، مکنی به

ابن القیسرانی

ابو الفضل، معروف به ابن القیسرانی، ملقب به شمس الدین، از

اکابر محدثین اوائل قرن ششم هجرت میباشد که بمرام استماع حدیث و علوم دیگر مسافرتها کرده و رنجها دید، در همدان اقامت کرده و بتدریس پرداخت تا در علوم حدیثیه تقدّم یافت. در فنون تصوف نیز معرفت کامل و مهارتی بسزاداشته و از تألیفات او است:

۱- اطراف الکتب السنة ۲- انساب الیه حدیثین یا الانساب المتفقه فی الخط المتماثلة فی النقط والضبط که در لیدن چاپ شده است ۳- تذکرة الموضوعات یا الاحادیث المعروفة که در قاهره چاپ شده است ۴- الجمع بین رجال الصحیحین که در حیدرآباد هند چاپ شده و بسال پانصد و هفتم هجرت در آثنای مراجعت از سفر مکه در پنجاه و نصدسالگی در بغداد درگذشت.

(کف و ص ۶۱ ج ۲ کا و ۲۲۱ مط و ۶۵۹ ج ۱ س)

محمد - بن نصر بن صغیر بن داغر بن محمد بن خالد بن نصر

ابن القیسرانی

خالدی، مکنی به ابو عبدالله، معروف به ابن القیسرانی، ملقب

به عماد الدین و شرف الدین و شرف المعالی از مشاهیر شعرا و ادبای متغذّن او اواسط قرن

۱- ابن القیسرانی - عنوان مشهوری دونفر از اکابر میباشد که ذیلا مینگارند و قیسرانی

منسوب به قیسریه است از بلاد شام در ساحل دریا.

ششم هجری عرب میباشد که در ادبیات و نجوم و هیئت خبیر و با ابن منیر آتی الذکر مناقضاتی داشته که مشهور است . اشعارش در نهایت سلاست و لطافت بوده و دیوانی هم دارد . روزی در مجلس جشن و طریبی حاضر بود ، حاضرین در اثر نغمات دلکش مغنی مجلس بطرب آمده و بنای وجد و انبساط گذاشتند پس ابن القیسرانی گفت :

والله لو اصف العناق انفسهم  
ما انت حين تغنى في مجالسهم  
فدوك منها بما عزوا وما صانوا  
الا نسيم الصبا والقوم اغصان

نیز از ابیات يك قصیده طریقه او است که حاوی معانی لطیفه میباشد :

و خبرونی عن قلبی و مالک  
من ذالذی ترهب الابطال صولته  
فربما اشکل المعنی علمی الفطن  
زید الفوارس ام سیف بن ذی یزن  
اما تری عینسه مئی من السوسن  
هذا الذی سلب العناق نومهم

وفات او بسال پانصد و چهل و هشتم هجرت در هفتاد سالگی در دمشق واقع گردیده است .

(کف و ص ۱۲۰ ج ۲ کا و ۸۴ ج ۱۹ جم و ۶۵۹ ج ۱ س)

محمد - بن ابی بکر بن ایوب بن سعد بن حریر دمشقی حنبلی ،

ابن قیم

ملقب به شمس الدین ، معروف به ابن قیم جوزیه ، مکنی به

ابو عبد الله ، از اکابر علما و محدثین حنبلیه قرن هشتم هجرت میباشد که در تفسیر و حدیث و اصول دین و علم خلاف و مذهب و دیگر علوم اسلامیّه متفنن ، از ابن تیمیه سابق الذکر و پدر خود و دیگر اکابر وقت تکمیل مراتب علمیه نموده است تا آنکه در حال حیات استادش ابن تیمیه نیز مرجع استفاده افاضل شد ، نسبت با استاد مذکورش محبت مفرط داشت و امثال عقائد و اقوال و اوامر او را فرض عین می شمرد ، در نشر و ترویج آنها اهتمام تمام بکار میبرد ، کتابهای او را شرح میکرد و بارها با وی زندانی شد . عاقبت بر شترش سوار کردند و تازیانه اش زدند و در کوچه و بازارش گردش دادند و پیوسته با علمای وقت خود در تحت فشار یکدیگر بوده اند .

علاوه بر مراتب عامیه بانجام وظائف عملیه دینیّه نیز اهتمام تمام داشت ، شب

و روز بنماز و تلاوت قرآن مواظب و بارها حج نمود و اهل مکّه از کثرت طواف و

عبادت وی در حیرت بوده‌اند . از تألیفات او است :

- ۱- اخبار النساء که در قاهره چاپ شده است ۲ و ۳- اغاثة اللهفان في حکم طلاق الغضبان و اغاثة اللهفان في مصادد الشيطان در تصوف و هردو در مصر چاپ شده است ۴- حادی الارواح الی بلاد الافراح در تصوف و امور اخروی ۵- زاد المعاد فی هدی خیر العباد و این هردو در مصر چاپ شده است ۶- هداية الحیاری فی اجوبة اليهود والنصارى که در هند و قاهره چاپ شده و غیر اینها . وی در سال هفتصد و پنجاه و یکم هجری قمری درگذشت .
- (کف و ص ۸۳ هب و ۴۰۰ ج ۳ کم و ۲۲۲ مط)

شیخ محمد - بن صالح ، ملقب به بیجان ، معروف به ابن الکاتب،

ابن الکاتب

از مشاهیر علما و مشایخ عرفای قرن نهم هجری میباشد که از

خلفای عارف شهیر حاج پیرام ولی بوده و در شهر کلیبولی اقامت داشت، در زاویه مخصوصی خارج آن شهر مشغول عبادت بود و بسال هشتصد و پنجاه و پنجم هجری قمری در همانجا درگذشته و قبرش معروف و مزار میباشد و از تألیفات او است :

- ۱- شرح فصوص الحکم محیی الدین العربی ۲- منظومه محمدیه نامی که نظم کتاب ذیل خودش میباشد ۳- مغارب الزمان لغروب الاشیاء فی العین والعیان که احادیث قدسیه و خطابات الهیة با انبیا و ملائکد را جامع و برادرش احمد (بیجان) بترکی ترجمه کرده و انوار العاشقین اش نامیده و خودش نیز ترجمه نظمی کرده و به محمدیه اش موسوم کرده است .
- (کف و ۴۷۸۳ ج ۶ س)

ابن کازد

یا } در اصطلاح رجالی عیسی بن راشد است .

ابن کازر

محمد بن محمد - بن هرون بن محمد بن کوکب بغدادی حلی ،

ابن الکمال

مکنسی به ابو عبد الله ، معروف به ابن الکمال (که پدرش ملقب به

کمال بوده) از اکابر قراء اواخر قرن ششم هجرت بوده و از تألیفات او است :

- ۱- اللحن الجلی ۲- اللحن الخفی ۳- متشابه القرآن ۴- مختصر التبیان فی تفسیر القرآن . بسال پانصد و نود و هفتم هجری قمری درگذشت و عنوان مشهوری مذکور او را بعضی از ارباب تراجم ابن الکمال و بعضی دیگر ابن الکمال ضبط نموده‌اند .
- (ص ۲۴۵ ج ۴ ذریعه)

احمد بن کامل - بن خلف بن شجره مکنسی به ابوبکر، معروف

ابن کامل

به ابن کامل، بنوشته ابن الندیم (متوفی بسال ۳۸۵ هـ ق = شفه)

از مشاهیر علوم قرآنیّه میباشد که در علوم بسیاری مفتی و مولدش سرّ من رای بوده و از تألیفات او است :

۱- کتاب غریب القرآن ۲- کتاب القرائات ۳- المختصر در فقه ۴- کتاب الوقوف

۵- موجز التأویل عن معجز التنزیل و غیر اینها . سال وفاتش بدست نیامد و لکن پیش از

ابن الندیم (متوفی بسال ۳۸۵ هـ ق = شفه) بوده است. (ص ۴۸ ف)

ابن کامل محمد

رجوع به ابن الکمال مذکور فوق نمایند .

عبدالله - بن زبیر بن عوام که یکی از جدانش از قبیله بنی کامل

ابن الکاهلیه

بوده و شرح حالش در کتب مربوطه است .

ابن کبریا

موسی بن حسن - که در باب القاب بعنوان نو بختی موسی مذکور است .

ابن الکتب

عبد الرحمن بن ابی بکر - که شرح حالش در باب اول (القاب) بعنوان

سیوطی عبد الرحمن نگارش یافته است . ابن الکتب گفتن او بجهت

آن میباشد که ولادت او در کتابخانه بود ، چنانچه پدرش (که نیز از اهل علم بوده)

هر کتابی را که برای مراجعه و مطالعه ضرورش بودی زن خود را امر باحضار آن کردی

تا روزی نیز برای آوردن کتابی بکتابخانه رفت و در همانجا درد وضع حملش گرفته و

حمل خود را که همین عبد الرحمن سیوطی بوده وضع نمود اینک محض بسبب وقوع تولد

در کتابخانه بد ابن الکتب معروف گردید .

ابن کثیر

احمد بن محمد - زیلاً بعنوان ابن کثیر محمد بن کثیر مذکور است .

ابن کثیر

اسماعیل - بن عمر بن کثیر بن ضوء بن کثیر قرشی ، بصری الاصل

والولادة ، دمشقی الاقامة ، شافعی المذهب ، عالم الدین الق

ابن کثیر الشبیره ، ابوالفداء الكنیه ، از اکابر و مشاهیر علمای قرن هشتم عامه میباشد

که منسّر مورّخ محدّث حافظ متّمن فقیه متفّسن بود ، فقه و اصول و حدیث و تاریخ و

دیگر علوم متداوله را از ابن تیمیه و ابن عساکر و دیگر اکابر وقت تکمیل نمود تا در سن جوانی بمعاصرین خود تقدّم یافت، تألیفاتش نیز در حال حیات خودش منتشر و محل استفادۀ افاضل وقت شد.

باستاد خود ابن تیمیه محبت بی نهایت داشته و در اکثر مسائل دینیّه برای وی عامل و موافق اقوال او فتوی میداد و بدین جهت در رحمت و ابتلا بوده و از تألیفات او است:

۱- البدایة و النهایة در تاریخ که به تاریخ ابن کثیر معروف و در چهارده مجلد بزرگ در مصر چاپ شده است ۲- تفسیر قرآن که نیز به تفسیر ابن کثیر معروف و در قاهره چاپ شده است ۳- جامع الهسانید که کتابی است عظیم، تمامی احادیث مستد معرف و مسانید ارباب را جامع ۴- شرح صحیح بخاری که یک قسمت از اول آن را شرح کرده است ۵- طبقات الشافعیة، صاحب ترجمه بسال هفتصد و هفتاد و چهارم هجری قمری در دمشق وفات یافت و در مقبرۀ صوفیّه نزدیکی استاد خود ابن تیمیه مدفون شد و در اواخر عمر فاینا بوده است. چنانکه در محل خود تذکر دادیم ابن کثیر اسماعیل بن عمر صاحب ترجمه غیر از ابوالثناء اسماعیل بن علی سابق الذکر میباشد که تاریخ وفات ایشان مختلف و تحقیق مطلب موکول بکتاب مربوطه است.

(کف و ص ۳۷۳ ج ۱ کم و ۸۴ هب و ۲۲۵ مط)

عبدالله بن کثیر، قاری مکی، مکنی بن ابوبکر و ابوسعید،

### ابن کثیر

معروف به ابن کثیر، از موالی عمرو بن عتمة کنانی و از مشاهیر

قراء میباشد که بسیار باوقار و تمکین و از اکابر تابعین و ریاست بدو منتسبی و یکی از قراء سبعه و از قبیلۀ بنی الدار بن هانی بن لخم بوده و بزمین جهت بداری و نخعی موصوفی بوده است چنانچه بجهت عطار بودنش به دارانی نیز متصف میباشد (که در حجاز عطار را دارانی گویند) و بزعم بعضی در اصل از جدۀ ایرانی بوده که انوشیروان ایشان را بجهت طرد حبشیها با کشتی بیمن فرستاده بود. بپرحال بسال صد و بیستم هجرت در مکۀ معظمه در گذشت و اصول قرائت را از محمد از ابن عباس از حضرت امیر المؤمنین ع احد نموده اند الحدیث، قواسم و بعضی دیگر را درین قرائت

(ص ۴۲ ف و ۸۳ هب و ۲۷۱ ج ۱ کا و غیره)



محمد بن کثیر - یا احمد بن محمد بن کثیر فرغانی ، معروف به

## ابن کثیر

ابن کثیر ، در حدود سال دویست و چهل و هفتم هجرت از اکابر

منجمین بود ، در صناعت نجوم بدی طولی داشته و در اکثر استخراجات نجومی مصیب بوده است و اختصار المجسطی و کتابی در حرکات سماویة و جوامع علم نجوم تألیف او میباشد و سال وفاتش بدست نیامد . (ص ۲۲۵ مط)

درویش حسین - حافظ تبریزی کربلائی ، معروف به کربلائی

## ابن الکربلائی

بابا فرجی و ابن الکربلائی و حافظ حسین ، از فضلاء اواخر قرن

دهم هجری بوده و اوائل قرن یازدهم را دیده است . در حدود سال نهمصد و هشتاد و هشتم هجری قمری بدمشق رفت ، با شیخ حسن بورینی سابق الذکر ملاقات کرد و شیخ ، زبان فارسی را از او یاد گرفت بطوری که مثل اشخاص فارسی زبان تکلم میکرد . در همان اوقات با شیخ بهائی نیز که بدمشق آمده و در محله خراب در خانه یکی از تجار منزل کرده بوده ملاقات و خواستار مذاکره بعضی از اشعارش گردید .

درویش حسین کتاب مفصلی بنام *روضات الجنات* در خصوص مقابر فضلاء و مشاهیر اولیای تبریز و نواحی آن در سال نهمصد و هفتاد و پنجم هجرت تألیف کرده که بر یک مقدمه و یک خاتمه و هشت روضه مشتمل و جمله : *زیارات قبور اولیا = ۹۷۵* مازة تاریخ تألیف بوده و یک نسخه خطی از آن در تبریز در کتابخانه شخصی جناب حاج حسین آقا تاجر نخجوانی موجود است و چنانچه از کلمات خودش بر میآید خطاط هم بوده است .

(خلاصه الاثر و خود نسخه مذکوره)

۱- اینجانب عین همان نسخه خطی را در کتابخانه جناب آقای حاجی حسین نخجوانی دیده ام حضرت علامه شهیر معاصر آیه الله العظمی آقای سید شهاب الدین نجفی زریل قم کثر الله امثالهم این شرح را با خط شریف خودشان در اول کتاب مزبور مرقوم داشته اند که برای تکثیر فائده عیناً در اینجا نقل می نماید (مخفی نماید که قبر حافظ حسین در دامنه جبل قاسیون دمشق میباشد و وفات او بنا بر آنچه در مجموعه ای بخط مرحوم والد است (۹۹۴) واقع شده و او را تألیفات بسیاری است از جمله کتاب *مزارات الشام - سفرنامه حجاز - مثنوی تفسیر قرآن بمذاق عرفا و تمام نشده و اعقاب*

## ابن کرئیب

حسین - بن اسحق بن ابراهیم بن زید ، کاتب طبیب بغدادی ،  
مکنی به ابواحمد ، معروف به ابن کرئیب، از اکابر متکلمین بوده

و بمذهب طبعین فلاسفه میرفته است . در علوم طبیعیّه قدیمه سرآمد روزگار و مرجع  
استفاده دانشمندان زمان خود بود، در طبابت نیز متبحر و در ادبیات هم حظی وافرداشت  
و ابن ابی اصیبعه در ردیف اطبای جزیره و عراقش ذکر کرده و از تألیفات او است :

۱- الرد علی ثابت بن قره فی نفیه وجوب وجود سکون بین کل حرکتین متضادین  
۳- عقالة فی الاجناس والانواع. زمان زندگانش بدست نیامد و پیش از ابن الندیم (متوفی  
سال ۳۸۵ هـ ق = شقه) بوده است . (ص ۳۶۷ ف ۲۸ ج ۳ و ۶۵۹ ج ۱ س)

## ابن کرئیب

محمد - بن علاء بن کرئیب همدانی کوفی ، از مشاهیر محدثین  
و حفاظ کوفه میباشد که از عبدالله بن مبارک و جمعی از اکابر

دیگر استماع حدیث کرده است . حسن بن سفیان ثوری و بخاری و مسلم و ترمذی و  
نسائی و ابن ماجه و ابوداود سجستانی و دیگران از وی روایت نموده اند . ابن عقده او را  
در قوت حافظه و کثرت محفوظات بتمامی مشایخ کوفه مقدم داشته که در کوفه سیصد هزار  
حدیث از وی مسموع گردیده است . وی در دو بیست و چهل و سیّم هجرت درگذشت و  
بموجب وصیت خودش تمامی کتابهای او را دفن کردند .

(ص ۱۰۲ ج ۳ نی و ۶۵۹ ج ۱ س)

## ابن کسری

حسن بن محمد - در باب اول (القاب) بعنوان مالتقی حسن مذکور است.

پدر او خانواده ای هستند در شام غالباً در محل خراب ساکن هستند و او را مشایخ و اساتیدی بوده در  
حدیث و طریقت و سایر علوم و سنین عدیده حقیر مشتاق بودم این کتاب را زیارت کنم که بحمد الله  
موفق شدم بمطالعه آن من البدو الی الختم والحق تألیف بسیار نفیسی است و مشحون بفوائد والسلام  
خیر ختام شهاب الدین الحسینی النجفی المرعشی (۱۳۶۷) انتهى .

اخیراً دانشمند بزرگوار و محقق گرانمایه بلند پایه آقبای میرزا جعفر سلطان التمرائی همین  
کتاب را با کمال دقت و اسلوب کم نظیر بنحویکه مقتضای اطلاعات وسیع و تحقیقات امتدانه ایشان  
است تصحیح و با علاوه کردن نکات و حواشی سودمند بچاپ رسانده اند .

ابن کشرایا      ابوالحسین بن کشرایا - در باب اول بعنوان تلمیذ سنان مذکور است.

ابن الکلبی      هشام بن محمد - در باب اول بعنوان کلبی هشام مذکور است.

ابن کلثوم      عمرو بن کلثوم - بن مالک بن عتاب بن زهیر تغلبی، معروف به

ابن کلثوم، از قبیله بنی تغلب بن وائل میباشد که نسبش به معد

بن عدنان موصول و از مشاهیر شعرا و شجاعان فرسان عرب زمان جاهلیت و یکی از اصحاب معارف سبعة بشمار میرود. قصیده نونیه او هم یکی از قصائد سبعة معلقه و خود او از مفاخر عرب و مورد تکریم و تجلیل بنی تغلب بوده و خلفاً عن سلف صغیراً و کبیراً آن را روایت می کنند و گویند شماره ابیات آن هزار و چند بیت بوده است و لکن آنچه دسترس او آخر شده بنوشته بعضی یکصد و هفت بیت میباشد، معلقه او در برلین چاپ و در ضمن شرح سبعة زوزنی نیز در ایران بطبع رسیده است.

مخفی نماند که قبیله بنی تغلب در صولت و سطوت شدیدترین قبائل عرب بوده بحدی که گویند اگر طلوع نور عالمتاب دین مقدس اسلامی اندکی هم بتأخیر می افتاد بنی تغلب مردم را می خوردند، اینک عمرو صاحب ترجمه نیز که از همان قبیله میباشد بسیار شجاع و دلیر و جری و جسور و چیره و قوی دل بود، ملک نعمان بن منذر را هجوها گفته و در صولت و فتاکی و بی باکی بی بدل بلکه ضرب المثل و افتک من عمرو بن کلثوم از امثال دائره میباشد. عمرو بن هند شاه حیره را در دارالملک خودش با شمشیر خودش کشته و تمامی اثاث و تشریفات سلطنتی او را بغارت برد بشرحی که در محل خود مذکور است.

سبب عمده انشای قصیده معلقه اش نیز که سراپا حماسه و فخریات میباشد همین قضیه بوده که بعد از قتل عمرو بن هند آن را انشا کرد و در موسم مکه در بازار عکاظه در روز رسمی آن را خطابت کرد و مطلع آن این است:

الا هُبِّي بصحنك فاصبحينا  
مشعشة كان الحصى فيها  
ولا تبقى خمور الا ندرينا<sup>۱</sup>  
اذا ما الماء خالطها سخينا<sup>۲</sup>  
اذا ما ذاقها حتى يلينا<sup>۳</sup>  
تجور بنى اللبانة عن هواه

وفات ابن کثوم بسال ششصد و میاںدی میباشد که پنجاه یا پنجاه و دو سال پیش از هجرت نبوی ص بوده و در صد و پنجاه سالگی واقع گردیده است .

(شرح سبعة زوزنی و رجال المعلقات العشر وغيره)

**ابن کلوب** در اصطلاح رجالی غیاث بن کلوب است .

**ابن کلب** احمد بن کلب - ادیب شاعر نحوی انداسی ، در شعر و فنون

ادب متفرد ، اشعار او در السنه دایر خصوصاً آنچه در باره اسلم

بن عبدالعزیز که علاقه مفردی بدو داشته گفته دیگر مشهورتر و ثقل مجلس میباشد و در چهار صد و بیست و ششم هجرت در گذشت . (ص ۱۱۸ ج ۴ جم)

**ابن کمال** یا **ابن کمال پاشا** } احمد بن کمال - یا احمد بن سلیمان بن کمال پاشا ، ملقب به شمس الدین ، معروف به ابن کمال و ابن کمال پاشا و مفتی الثقلین ،

از اکابر علمای عثمانی میباشد که نخست ، بعد از تحصیل مقدمات لازمه در سلك امرا منسلک بود ، اخیراً در اثر فطانت و ذکاوت ، حالات علم در مذاقش مستولی گردید ، در حوزه درس اکابر وقت حاضر شد ، در اندک زمانی فقه و تفسیر و حدیث و دیگر علوم شرعیّه را تکمیل ، در ادبیات هر سه زبان عربی و ترکی و فارسی نیز متمیز و در بعضی از مدارس ادرنه مشغول تدریس گردید . مدتی هم بقضاوت آن نواحی و آناتولی منصوب ،

۱- هبی خطاب به معشوقه یا ساقیه مجلس است یعنی بیدار باش . صحن قدح بزرگ .

فاصبحینا یعنی ما را شراب صبوحی بده . اندرین یا اندرون دهی است در شام یا حلب .

۲- مشعشة شراب مزوج آب . حص زعفران و یا نباتی است که گل آن سرخ شیه به زعفران است . سخینا بمعنی گرم و حال است از فاعل خالط و یا جمع متکلم و از سخاوت است .

۳- تجور یعنی منحرف میسازد . لبانة بضم اول حاجت و هوا و خواهش نفس . یلین فعل مضارع از لیت و نرمی است .

بسال نهد و سی و دویم هجری قمری از طرف سلطان سلیمان خان قانونی دهمین سلطان عثمانی (۹۲۶-۹۷۴ هـ ق = ظکو- ظعد) بمقام شیخ الاسلامی بالقب مفتی الثقلین مقتخر و در سال نهد و چهل و یکم در قسطنطنیه در گذشته و در زاویه محمود چلبی دفن شد .  
تالیفات متنوعه دارد :

۱- اصلاح الوقایة فی الفروع ۲- الايضاح که شرح اصلاح مذکور است ۳ و ۴- التجويد والتجوید در کلام که یکی متن و دیگری شرح آن است ۵- ترجمة کتاب رجوع الشيخ الی صباه فی القوة علی الباه که خلاصه کتب طبی بسیاری بوده و بامر سلطان سلیم خان تألیفش نموده (چنانچه در کشف الظنون است) لکن در معجم المطبوعات خود کتاب رجوع الشيخ را با بن کمال پاشا نسبت داده و گوید که در قاهره چاپ شده است ۶- تغییر التنقیح در اصول که موارد طعن و اشتباه کتاب تنقیح الاصول را نگاه داشته و در استانبول چاپ شده است ۷- تغییر المفتاح که عبارات مفتاح سکاکی را تغییر داده و شرحش کرده است در معانی و بیان ۸- تفسیر قرآن که به تفسیر ابن کمال پاشا معروف و تا سوره و الاضافات و دارای تحقیقات شریفه و تصرفات عجیبه است ۹- دقائق الحقائق که بزبان ترکی در تحقیق بعض الفاظ فارسی است ۱۰- رساله فی التعریف ۱۱- شرح صحیح بخاری ۱۲- شرح مشارق الانوار ۱۳- شرح مفتاح سکاکی بطرز قال اقول ۱۴- محیط اللغة از عربی بفارسی ۱۵- المهمات فی فروع الحنفیه ۱۶- تمارستان بطرز گلستان سعدی و غیر اینها که تا صد و بیست و پنج کتاب بدو منسوب و بهر سه زبان عربی و ترکی و فارسی شعر خوب میگفته و از اشعار ترکی او است :

هر صدا که ظاهر اولدی تیشه استاددن  
بر اثر دور داشدا قالمش نالش فرهاددن

(کف و ص ۳۸۸۵ ج ۵ س ۱۵۰ و ج ۴ فع)

سعد بن منصور - بن سعد بن حسن بن هبة الله بن کمونه بغدادی،  
ابن کمونه

ملقب به عزالدوله، معروف به ابن کمونه، از فلاسفه و حکمای

اواخر قرن هفتم بغداد میباشد که عقیده مذهبی او مابین اهل فن محل خلاف و نظر است .  
در چندین موضع از کشف الظنون گاهی به یهودی و گاهی باسرائیلی موصوفش داشته و از میرداماد هم نقل است که کتاب تلویحات شیخ مقبول ، دو فقره شرح دارد یکی از ابن کمونه یهودی و دیگری از شمس الدین محمد بن محمود شهرزوری .

ابن الفوطی معاصر خود ابن کمونه هم در کتاب حوادث جامعه گوید در سال ششصد

و هشتاد و سیتم هجرت بین مردم انتشار یافت که ابن کمونه یهودی کتاب تقویح الایمان را (که ذیلاً خواهیم نگاشت) تألیف داده و در آن از نبوت بحث کرده و چیزهایی گفته که قابل مذاکره نمیباشد نعوذ بالله من ذکره ، اینک عوام ازدحام عام نموده و قتل او را تصمیم کردند لکن بتدایر شحنة عراق مستخلص گردید ، چنانچه شحنة ، روز جمعه با جمعی از حکام سوار شد و تحقیقات لازمه قضیه را از قاضی القضاة و مدرسین مدرسه مستنصریة بغداد درخواست نمود لکن ابن کمونه که متواری بوده پیدا نگردید و قاضی برای نماز سوار شده و باز بجهت ممانعت عوام بمدرسه مذکور برگشت ، ابن الاثیر را نیز که برای اسکات عوام از خانه اش بیرون آمده بوده فحش داد و حرفهای ناشایست گفت و با تعصب و طرفداری ابن کمونه و مدافعه از مزخرفات او متهمش داشت . این است که محض اسکات فتنه و دفع شر ازدحام ، منادی (جارچی) با آواز بلند ندا درداد که عموم جماعت فردا (روز شنبه) برای قتل یا سوزاندن ابن کمونه در بیرون شهر حاضر باشند پس مردم متفرق شدند ، ابن کمونه را هم در صندوقی که رویش جرم کشیده بودند گذاشته به حله نزد پسرش که آنجا کاتب و منشی بوده فرستادند و بقاصلة چند روز به سه ماه در اثر خوف و وحشت آن جریان در آنجا در گذشت انتهی مترجماً و ملخصاً .

با این همه فاضل متببع خبیر معاصر ، شیخ محمد سماوی سابق الذکر ، در جواب استفسار کتبی این نگارنده بواسطه معتمدی نوشته بود که ابن کمونه علاوه بر اسلام ، اظهار تشیع میکرد و در اول و آخر تمامی کتابهای خود اسامی مقدسه حضرت زینب (س) و ائمه اطهار ع را با تعظیم تمام مذکور داشتند و در کتاب نمعه نام وی ، کتبی مذکور که حاکی از اسلام او و احاطه اش در کلمات حضرت امیر المؤمنین و شرح و تفسیر آن نب میباشند ، صاحب ذریعه نیز همین عقیده را تایید و کلمات او که راجع بزمین موضوع است ذیلاً در ضمن تألیفات ابن کمونه مذکور و قضیه ازدحام مذکور را هم حمل بمجرد نسبت عوامی و افتراء و تهمت داشته است و در این گونه موارد قلم و رقوم و تألیفات خود منحصر بهترین معرفت حال او میباشند .

نگارنده گوید علاوه بر اینها دور نیست که یهودی و اسرائیلی گفتن همانا بجهت یهودی بودن جدّ عایش هبة الله بن کمونه بوده چنانچه بحکم عادت غالبی معمولی اغلب اشخاص را با اوصاف و القاب پندرانسان موصوف و ملقب دارند باری از تألیفات ابن کمونه است :

۱- الالتقاط عن الاثار الباقية لابي ریحان البيروني و الالتقاط عن الشمسية المصفية للكاتب القزويني و الالتقاط عن القانون السعودي لابي ریحان المذكور و الالتقاط عن كتاب الهيئة لمؤيد الدين العروضي ۵- انتخاب تلخیص المحصل که اصل محصل، در علم کلام از فخر رازی و تلخیص المحصل که تقدّم محصل هم گویند از خواجه نصیر طوسی و انتخاب تلخیص هم از همین ابن کمونه است و نسخه اصل این پنج فقره بخط خود ابن کمونه در خزانه غرویه موجود بوده و بنظر صاحب ذریعه رسیده است، در اول و آخر همه آنها صلوات بر حضرت نبوی ص و آل طیبین و طاهرین آن حضرت را ملتزم میباشد و از اینجا حسن عقیده او و تهمت بودن آنچه از حوادث جامعه نقل کردیم روشن میگردد ۶- تقریب الحجّة و تهذیب الحجّة که بخط خود مؤلف در کتابخانه شخصی شیخ محمد سماوی فوق موجود است ۷- تنقیح الابحاث فی البحث عن المال الثالث یعنی اسلامیت و یهودیت و نصرانیت که سبب اتهام او و ازدحام عوام بوده و فوقاً مذکور داشتیم و یک نسخه از آن (بنقل معتمد) در کتابخانه مجلس در طهران موجود است ۸- التنقیحات در منطق و حکمت طبیعی و الهی که شرح تلویحات شیخ شهاب الدین مقتول سهروردی بوده و نسخه آن در کتابخانه های آصفیه و کوبریلی (برقم ۸۸۰) و ایاصوفیا و بانگی فور موجود و تنها شرح طبیعیات آن نیز که بخط خود ابن کمونه است در خزانه غرویه موجود است ۹- شرح الاصول و الجمل من مهمات العلم و العمل که شرح اشارات ابن سینا است ۱۰- شرح الصحائف للسهروردی که بخط خود ابن کمونه در بغداد موجود است ۱۱- ثبَاب المنطق و خلاصة الحکمة که بخط خودش در کتابخانه شخصی شیخ محمد سماوی فوق موجود است ۱۲- اللمة الجوینية فی الحکمة العلمیة و العملیة که بنام وزیر کبیر علاء الدین جوینی تألیف و اصل نسخه اش بخط خود ابن کمونه در روضه حیدریه موجود است ۱۳- المطالب المهمة فی الحکمة و نسخه اصل آن در کتابخانه شخصی شیخ سماوی مذکور موجود است ۱۴- المنطق و الطبیعی مع الحکمة الجدیدة و یک نسخه از آن برقم ۲۴۴۷ در کتابخانه ایاصوفیا موجود است .

وفات ابن کمونه بزعم بعضی در سال ششصد و نودم هجرت بوده لکن موافق آنچه از کلمات معاصرش ابن الفوطی معلوم گردید بسال ششصد و هشتاد و سیّم هجرت در حدّه واقع شده و این اقرب بصحت است و اینکه بعضی دیگر هفتاد و ششم نوشته اند قطعاً

اشتباه بوده و تاریخ تألیف بعضی از کتابهایش بعد از این تاریخ بوده است . مخفی نماند که ابن کمونه، صاحب همان شبهه مشهوره در توحید میباشد که در شرح هدایه ملاصدرا و گوهر مراد لاهیجی و بعضی دیگر از کتب معقول با جوابش مذکور و علامه سبزواری هم در منظومه اش گوید :

هویتان بتمام الذات قد      خالفنا لابن الکمونة استند  
وادفع بان طبیعة ما انتزعت      مما تخالفت بما تخالفت

(ذریعه و کف و تقریرات کتبی شیخ محمد و اطلاعات مشرقه)

بندراالدین دمیاطی محمد ضمن شرح حال شرف الدین اسمعیل  
مذکور شد .

ابن کمیل

عبدالله بن یحیی - مکنسی به ابو محمد، یا محمد بن کناسه، یا محمد  
بن عبدالله بن عبدالاعلی کوفی اسدی، مکنسی به ابو یحیی، از

ابن کناسه

صلحای شعرای عباسیین و داماد و خواهرزاده عارف زاهد معروف ابراهیم بن ادیم است  
که بسال صد و بیست و سیّم هجرت در کوفه متولد شد و اخیراً در بغداد اقامت کرد، با  
فصحای بنی اسد و روای شعر ملاقات نمود، اشعار کمیت اسدی سابق الذکر را از ایشان  
اخذ کرده و در سیّم شوال دو بیست و هفتم هجرت در کوفه درگذشت و از تألیفات او است:  
۱- الانواء ۲- سرقات الکمیت من القرآن ۳- معانی الشعر.

ابن کناسه کنیزکی داشته دنانیر نام شاعره و مغنیه که ارباب فضل و هنر او را  
با خصال حمیده ستوده و با وی مشاعره میکردند . علی بن عثمان کلایبی که از ادبای آن  
زمان بوده گوید روزی در حالت حزن و غم بخانه ابن کناسه رفتم، کنیزش دنانیر سبب  
آن را استفسار نمود گفتم که برادری داشتم قرشی و الان از دفن وی بر میآیم پس دنانیر  
قدری بفکر رفته و این بیت را فرو خواند :

بکیت علی اخ لك من قریش      فابکانا بکالك یساعلی

از اشعار خود ابن کناسه میباشد که در مرثیه کنیزك هذکور گفته است :

الحمد لله لا شریک له      یالیت ماکان منک لم یکن



ان لم يك القول قل فيك فما افحمني غير شدة الحزن

(ص ۱۰۵ فهرست ابن الندیم و ۱۳۰ ج ۱ خیرات حسان)

عبدالله - بن عمرو کوءاء از خوارج و با اینکه از اصحاب حضرت

ابن الکوا

امیر المؤمنین ع بوده صدمات زبانی بسیاری بدان حضرت وارد

آورده است . اگر یکسر هم نگوئیم اکثر خوارج ، عابد و زاهد بوده اند ، خبائت ایشان نیز آفتابی و اعید ایشان ابن ملجم مرادی ناپاک بود . روزی ابن الکوا وضو می گرفته و آب را زیاده از حد استعمال می کرد ، آن حضرت فرمود اسراف کردی گفت اسراف تو در خو فریزی مسلمانان از این هم بیشتر است و نیز ابن الکوا در پشت سر آن حضرت این آیه را فرو خواند : **وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ .**

خبائت ابن الکوا آشکار و بالآخر از آن است که بنقل این گونه قضایا حاجتی

باشد آه خدا خدا بتو نالم ز زاهدان ریائی . خداوند عالم را بحقیقت اسلام قسم ، اسلام و مسلمین را از شر این گونه مشرکین مسلمان نما و گرگان میش صورت که در هر عهدی و هر عصری تیشه بریشه اسلام میزنند در سایه امان خود نگهدارد . باری کوءاء با صیغه مبالغه داغ کنند چار بیان را گویند و عمرو پدر عبدالله نیز در زمان جاهلیت این شغل را داشته است . (ص ۸۴ هب و مرصع و تنقیح المقال و غیره)

علی - بن حسین بن علی بن کوجک عبسی ، ادیب فاضل و راق

ابن کوجک

معروف به ابن کوجک که کتاب اعزاز المطالب الی اعلی المراتب و کتاب

الظهورین از او بوده و در اواخر قرن چهارم یا اوائل پنجم هجرت در گذشته است .

(ص ۱۵۷ ج ۱۳ جم)

در اصطلاح رجالی ۵۴۵ بن کوره و یکی از افراد عده کلینی است .

ابن کوره

احمد بن عباس - در باب اول (المقاب) بعنوان نجاشی مذکور است .

ابن الکوفی

علی بن محمد - بن عبید اسدی نحوی ، معروف به ابن الکوفی ،

ابن الکوفی

مکنی به ابوالحسن ، از اجلائی اصحاب ثعلب نحوی معروف

میباشد که خط او با حسن و صحت و اتقان و ضبط مشهور و ضرب المثل میباشد و در جایی که بخواهند صحت و اتقان خطی را بفهمانند گویند که از خط ابن الکوفی نقل شده و از تألیفات او است :

۱- الفرائد والقلائد ۳- معانی الشعر. صاحب ترجمه بسال سیصد و چهل و هشتم هجرت در نود و چهار سالگی در گذشت و بنا بنقل معتمد - نجاشی و سید بحر العلوم او را از مصنفین شیعه دانند .

در اصطلاح ابن ادریس ، همان ابن شهر آشوب سابق الذکر است و رجوع بدانجا نمایند .

### ابن کیاکی

ابن الکیال محمد بن محمد - بعنوان ابن الکمال مذکور شد .

ابن الکیس یا ابن الکیس مردی بوده زید نام ، در فصاحت ضرب المثل (الکیس خا) افسح من ابن الکیس (الکیس خا) از امثال دایره میباشد .

نام پدرش در جمهره ، کیس و در نسخه خطی مظنون الغلط مرصع ابن الاثیر کیس بوده و ازلی اقرب بصحت است . (مرصع و جمهره الامثال)

محمد بن ابراهیم - بن ثابت بن ابراهیم بن فرج کنانی قاری ، ادیب شاعر شافعی عابد زاهد مصری ، مکنی به ابو عبدالله ،

### ابن الکیزانی

معروف به ابن الکیزانی ، از مشاهیر ادبا و شعرا و زهاد او اواسط قرن ششم هجرت بوده و دیوان شعری هم دارد که اکثر آن در زهد بوده و از او است :

و اذا لاق بالمحب غرام فکذا الوصل بالحبیب یلیق

بسال پانصد و شصت و دویم هجرت در مصر در گذشت و در قریب امام شافعی مدفون شد سپس بدامنه کوه مقطم نقلش داده و در قریب حوضی معروف به ام مودود بخاکش سپردند .

لفظ کیزانی منسوب به کیزان است که جمع کوز بمعنی کوزه معروف میباشد و

یکی از اجداد صاحب ترجمه کوزه گر و کوزه فروش بوده است .

(ص ۱۲۱ ج ۲ کا و ۶۶۰ ج ۱ س)

ابن کیسان

طاوس بن کیسان - ضمن شرح حال طاوسی ابوالفضل مذکور است .

ابن کیسان

محمد بن احمد - بن ابراهیم بن کیسان ، یا محمد بن احمد بن

محمد بن کیسان، نحوی بغدادی، مکنی به ابوالحسن، معروف

به ابن کیسان، از اکابر نحویین و از تلامذه مبرد و ثعلب و دیگر اکابر وقت بوده و آن

علم شریف را از هر دو فرقه نحویین و بصریین فرا گرفته است . قواعد هر دو مذهب را

حافظ ، باختلافات ایشان واقف ، استادتر از مبرد و ثعلب بوده و حوزه او کثیرالفائدة

و محل مذاکره علوم متنوعه ، مرجع افاضل و اکابر و گاهی صد مرکب بر در خاندهاش

بودی ، در نظرش زنده پوش و حریر پوش یکسان بوده و از تألیفات او است :

۱ تا ۵- البرهان و التصاریف و الحقائق و علل النحو و غریب الحدیث ۶- القرائات

۷- ما اختلف فيه البصريون والكوفيون ۸- معانی القرآن ۹- المذهب در نحو و غیر اینها .

وی در سال دویست و نود و نهم هجرت در گذشته و چنانچه مذکور داشتیم لفظ کیسان ،

نام جدّ عالیش بوده و بعضی آن را لقب پدرش دانند :

(ص ۱۲۰ ف و ۶۶۰ ج ۱ س و ۸۴ هب و ۱۳۷ ج ۱۷ جم و ۷۰۰ ت و غیره)

ابن لال

شیخ احمد - بن علی همدانی ، مکنی به ابوبکر، معروف به

ابن لال ، از مشاهیر فقها و محدثین شافعیّه میباشد که در همدان

مفتی بوده و از تألیفات او است :

۱- السنن ۲- عالا یسع المكلف جهله من العبادات ۳- معجم الصحابة . بسال سیصد

و نود و دویم یا هشتم هجری قمری در نود سالگی در گذشت .

(کف و ص ۶۶۰ ج ۱ س)

ابن اللبّاء

عبد اللطیف - بعنوان موفق الدین عبد اللطیف در باب اول (القاب)

مذکور است .

ابن اللبان

عبد الله - بن محمد ، اصفهانی الأصل ، مصری الإقامة ، ابو محمد

الکنية ، ابن اللبان الشهرة ، از مشاهیر فقهای شافعیّه و محدثین

ایشان میباشد که در بغداد و اصفهان و مکه از اکابر و مشایخ وقت استماع حدیث نموده و از مشایخ خطیب بغدادی است. خطیب او را بسیار تجلیل کرده و با مخزن علم و فضل و دیانت بودنش ستوده و گوید (والعهدة علیه) که قرآن را بهتر از همه بچندین روایت تلاوت می نمود، در پنج سالگی حفظش کرده و کتاب التروضة تألیف او است و بسال چهارصد و چهل و ششم هجرت در اصفهان درگذشت.

(ص ۱۴۲ ج ۱ تاریخ بغداد و ۲۰۷ ج ۳ طبقات الشافعية)

محمد بن احمد بن عبدالمؤمن - شافعی اشعری مصری، ملقب به

### ابن اللبان

شمس الدین، مکنی به ابو عبدالله، معروف به ابن اللبان، از اکابر

علماء و فقهاء و محدثین قرن هشتم مصر میباشد که در اکثر علوم متداوله خصوصاً در علوم دینیته یدی طولی داشته و از تألیفات او است:

۱- إزالة الشبهات من الآیات والاحادیث المشبهات ۲- تریبة الام ۳- رد المتشابه

الی المحکم که در بیروت چاپ شده ۴- متشابه القرآن که همان رد المتشابه است. در سنن

هفتصد و چهل و نهم هجری قمری درگذشت و ظاهر کشف الظنون آنکه لبان لقب پدرش

بوده است. (کف و ص ۶۶۱ ج ۱ اس و غیره)

ورقاء بن اشعر - بعنوان ابوالکلاب در باب دوم نگارش یافته است.

### ابن لبان

محمد - بن عیسی بن لبانه اندلسی لخمی، مکنی به ابوبکر،

### ابن اللبانه

معروف به ابن اللبانه، از ادبا و شعرای اندلس بود و از تألیفات او است:

۱- سقیط الدر و لقیط الزهر ۲- مناقل الفتنة ۳- نظم السلوك فی وعظ الملوك

و در سال پانصد و هفتم هجرت درگذشت. (کف و ص ۶۶۲ ج ۱ اس)

محمد بن عبدان - بن عبد الواحد بن اللبودی، طبیب حکیم دمشقی،

### ابن اللبودی

مکنی به ابو عبدالله، ملقب به شمس الدین و نجم الدین، معروف

به ابن اللبودی، از مشاهیر طببای قرن هفتم هجرت میباشد که علاوه بر مهارت طبیبی در

بحر و فلسفه و فنون حکمت نیز متبحر بود، برای تحصیل علم از موطن خود شام بیازد

عجم مسافرتها کرده و رنجها کشید تا آنکه در تفسیر و جدل و ریاضیات و فنون فلسفه خصوصاً در طب مهارتی بسزا یافت و مرجع استفادهٔ طبای نامی وقت گردید .

اخيراً بحلب رفته و رئیس‌الاطباء ملك ظاهر غياث‌الدین صاحب حلب پسر صالح‌الدین ایوبی شد ، بعد از وفات ملك ظاهر بدمشق رفته و بمعالجه و تدریس طب اشتغال یافت و ریاست بیمارستان نوری بدو مفوض و بسال ششصد و بیست و یکم هجرت در پنجاه و يك سالگی درگذشته و از تألیفات او است :

- ۱- آفاق‌الاشراق در حکمت ۲- الراى المعتبر فى معرفة القضاء والقدر ۳- غایة الاحكام فى صناعة الاحكام ۴- کافیه الحساب فى علم الحساب ۵- مختصر اشارات ابن سینا ۶- التلعات در حکمت ۷- مختصر کلیات قانون ابن سینا ۸- مختصر مسائل حنین بن اسحق در طب ۹- المناهج القدسیة فى العلوم الحکمیة ۱۰- نزهة الناظر من المثل السائر .

(کف و ص ۶۶۲ ج ۱ ص ۸۴ و ج ۱ مر)

یحیی - طبیب حکیم دمشقی ، پسر ابن اللبودی مذکور فوق ،

#### ابن اللبودی

کنیه اش ابوزکریا ، لقبش نجم‌الدین ، شهرت او نیز مثل پدرش

ابن اللبودی ، از مهرةٔ اطباءى وقت بود که علاوه بر تفرّد در طب و شعب فلسفه در فنون انشا و ترسل و شعر و ادبیات و فصاحت و بلاغت نیز و حید عصر و طبیب مخصوص ملك منصور صاحب حمص بوده و اخیراً در نتیجهٔ صداقت و حسن تدبیر بوزارت نایل گردیده و در سال ششصد و چهل و سیّم هجرت بعد از وفات ملك منصور بمصر رفت و مشمول عنایات ملك صالح ایوبی صاحب مصر گردید تا آنکه نظارت دیوان اسکندریّه و شامات بدو مفوض شد و با این همه اشتغالات فوق‌العاده محنت او مجمع علما و محل استفادهٔ افاضل بوده و از تألیفات او است :

- ۱- ایضاح الراى السخيف من کلام الموفق عبد اللطيف که در سیزده سالگی تألیف شده است
- ۲- تدقیق المباحث الطبیة فى تحقیق المسائل الخلافیة بطریق مسائل خلافیة تمها ۳- مختصر عیون الحکمة لابن سینا و غیرها . در قاموس الاعلام تألیفات مذکوره در فوق پدرش را نیز اشتباهاً بدو نسبت داده است . وفات یحیی بعد از سال ششصد و شصت و یکم هجرت بوده است .

(کف و ص ۶۶۲ ج ۱ ص ۸۴ و ج ۱ مر)

ابن نره } یا بندار یا منداد بن عبدالحمید لغوی اصفهانی کرجی، یا کرجی  
ابن نزه } عراقی، مکنی به ابو عمرو، معروف به ابن نره (لزّه خدا) نخست

در کرج مقیم بوده و اخیراً در عراق عرب توطّن نمود، با مبرّد مواخات داشت، از مبرّزین علم لغت، در روایت و حفظ اشعار متفرد، از تلامذّه ابو عبیده قاسم بن سلام سابق الذکر و اساتید ابن کسان، در نقل دواوین شعرا و حید عصر و اغاب اشعار جاهلیت و اسلام را حافظ بود بلکه هفتصد یا نهصد قصیده را در حفظ داشته که اول همه آنها (بانت سعاد) بوده است. در نحو نیز جامع آراء بصریین و کوفیین بود، هر هفتاد در مجلس متوکل دهمین خلیفه عباسی (۲۳۲-۲۴۷ هـ ق = ثلب - رمز) با ادبا و نحویین وقت حاضر میشد. جامع اللغة و معانی الشعر و شرح معانی الباهلی از تألیفات او است و ظاهراً لفظ نره یا نزه لقب پدر بندار بوده و وجه آن وسال وفاتش بدست نیامد.

(ص ۱۳۶ ت و ۱۲۳ ف و ۱۲۸ ج ۷ جم و غیره)

ابن لسان } یا بعنوان ابوالکلاب در باب دویم نگارش دادیم.  
ابن لسان الحمرة }

محمد بن محمد - بن جعفر بن لنگک بصری، ادیب شاعر، مکنی

ابن لنگک

به ابوالحسین یا ابوالحسن، معروف به ابن لنگک، از شعرای ادبی

قرن چهارم هجرت میباشد که بجهت کساد متاع و عدم مساعدت روزگار اکثر اشعار او در شکایت از زمان و اهل زمان و هجو شعرای زمان خود بود، خصوصاً در هجو و ذمّ دو معاصرش متنبی (متوفی بسال ۳۵۴ هـ ق = شند) و ابوریاح (متوفی بسال ۳۳۹ هـ ق = شلط) سابق الذکر و بالخصوص در پر خوارگی و بی ادبانه و متنفرانه طعام خوردن ابوریاح (چنانچه در شرح حالش اشاره شد) اشعار بسیاری سروده و از او است:

وای دهر علی الاحرار لم یجر

جار الزمان علینا فی تصرفه

ملقی علی الفلک الذوار لم یدر

عندی من الدهر مالو ان ایسره

(ص ۱۹ ج ۱ و ۱۲۸ ج ۲ جم)

سال وفاتش بدست نیامد.

محمد بن علی - مکنی به ابو عبدالله، معروف به ابن ثؤلوه، از

## ابن ثؤلوه

ادبا و شعرای اندلس بوده و از او است :

ومن لم یمت قبل الممات فانه  
فیارب وفقنی الی ما یتکون لی

یراع بهول بعسده و یراغ  
به للذی أرجسوک منه بلاغ

در سال هفتصد و پنجاهم هجرت درگذشت . (ص ۶۶۲ ج ۱ س)

عبدالله - بن لهیعه بن عقبه بن لهیعه حضرمی مصری ، مکنی

## ابن لهیعه

به ابو عبدالرحمن، معروف به ابن لهیعه ، در حدیث و اخبار

کثیر الروایه بود ، در سال یکصد و پنجاه و پنجم هجرت از طرف منصور عباسی بقضاوت مصر منصوب گردید ، او اولین قاضی میباشد که از طرف خلیفه بیلاذ مصر تعیین شد و پیش از او از طرف حکام مصر بوده و نیز نخستین قاضی است که خودش شخصاً برای رؤیت هلال رمضان حاضر و بعد از او رسم ثابت گردید . ابن قتیبه (موافق نقل معتمد) او را از رجال شیعه شمرده بلکه گوید که در تشیع افراط داشته و لکن احادیث او در صحیح ترمذی و صحیح ابی داود و دیگر کتب عامه مذکور است . وی در سال یکصد و هفتاد و چهارم هجرت درگذشت . (ص ۲۷۰ ج ۱ کا و ۸۴ هب ۳۸۵ ج ۱ نی و غیره)

عنوان چند تن بوده که مشهورترین ایشان عمر بن عبدالعزیز هشتمین

## ابن لیلی

خلیفه اموی (۹۹-۱۰۱ هـ ق = ص ۶۰ - ق ۱) است و ابن کثیر گوید:

یا ایها المتمنی ان یتکون فتی  
اعدد ثلاث خلال قد جمعن له

مثل ابن لیلی لقد خلالک السبلا

هل سب من احد اوسب او یخلا

(مرصع ابن الاثیر و غیره)

عباده بن عبدالله - از مشاهیر شعراء قرن پنجم اندلس میباشد که

## ابن ماء السماء

اشعارش لطیف و در زمان خود رئیس الشعراء بوده و از او است :

واصبر علی نوب الزما ..... ن وان رمت بك فی المهالك  
والی اللذی اغنی و اقم ..... نی اضرع وسله صلاح حالك

ساحب ترجمه در سال چهارصد و نوزدهم هجرت درگذشت .

(ص ۶۶۳ ج ۱ س)

} اولی عمرو بن عامر بن حارثة بن امرؤ القیس و دویمی نعمان } بن منذر لخمی که هر دو در سخاوت ضرب المثل هستند .	ابن ماء السماء ابن ماء المزون
--	----------------------------------

محمد - بن یزید، بن ماجه قزوینی، مکنی بد ابو عبدالله، معروف  
 ابن ماجه

به ابن ماجه، از مشاهیر و اکابر حفاظ محدثین عامه میباشد که  
 از ائمه علم حدیث محسوب و در تمامی شعب آن با اطراف دانا و متفرد بود. برای تکمیل  
 آن علم شریف بد ری و مصر و عراق و شام و مکه و بغداد و بصره و کوفه مسافر تھا کرد،  
 از اکابر مشایخ استماع احادیث شریفه نبویّه نمود و یکی از اصحاب صحاح سته عامه  
 بوده است. کتاب سنن او که بد سنن ابن ماجه معروف و در دهلی و قاهره چاپ شده ششمین  
 صحاح سته مذکوره میباشد.

در تاریخ و تفسیر نیز ید طولی داشته و از تألیفات او است :

- ۱- تاریخ قزوین که مولدش بوده است ۲- تفسیر قرآن مجید که به تفسیر ابن ماجه
- معروف است ۳- السنن که به سنن ابن ماجه معروف است و مذکور شد. در بیست و دویمه
- رمضان دو بیست و هفتاد و سیّم هجرت در شصت و چهار سالگی در گذشت و بنوشته قاموس،
- ماجه نام جدّ او نبوده بلکه لقب پدرش بوده است.

(ص ۸۴ هب و ۲۱۰ ج ۲ ع و ۵۹ ج ۲ ک و ۶۶۳ ج ۱ س و غیره)

عبدالله - یا عبدالله بن علی، مکنی بد ابو بکر، معروف بد  
 ابن المارستانیة

ابن المارستانیة، از فحول اضیای او اخر قرن ششم هجرت میباشد  
 که هر دو قسمت علمی و عملی طب را نزد اساتید کبار بغداد تکمیل نمودند. مدیر و مدرس  
 و رئیس و حکیم باشی بیمارستان عضدی بغداد گردید. در تاریخ و حدیث و ادبیات و فنون  
 حکمت و فلسفه نیز بصیرتی بسزا داشته و در سال پنصد و نود و نهم هجرت بسمت سفارت  
 بتغلیس رفت و در اثناى مراجعت، در موضعی حجره جریخ بند نامی در گذشت و  
 قلمی او تاریخ بغداد موسوم بد دیوان الاسلام بوده و به تمامش موفق نگردیده است

(ص ۶۶۳ ج ۱ س و ۲۵ ج ۲ ه و غیره)



## ابن ماری

یحیی - بن یحیی بن سعید، بصری مسیحی، معروف به ابن ماری،

ادیبی است کاتب شاعر طیب نحوی لغوی که در اکثر فنون متداو له

متفکر بوده و با طبابت و کتابت امر از معاش میکرد کتاب المقامات الستین که در نهایت جودت میباشد از مصنفات او است . عماد کاتب اصفهانی از وی روایت میکند و از اشعار او است:

نعم المعین علی المروءة لثقتی  
لا شیئی انفع لثقتی من ماله  
و اذا رمته ید الزمان بسهمه  
مال یصون عن التبذل نفسه  
یقضی حوائجه و یجلب انه  
غدت الدرهم دون ذلک ترسه

در سال یانصد و هشتاد و نهم هجری قمری در گذشت .

(ص ۴۰ ج ۲۰ جم)

ابن ماری

## ابن ماسویه

عیسی بن ماسویه - از اطبای او آخر قرن دوم هجرت میباشد که

در انواع صناعات طبیه ماهر و با حسن سلوک و اخلاق نیکو

موصوف بود. مادامیکه در مزاج مریض تجویز دوا نکرده و سبب بهبودی او نمیشد حق المعالجه

نگرفته بلکه حرامش می شمرد . دو کتاب قوی الاغذیه و من لایحضره الطیب تألیف او

بوده و سال وفاتش بدست نیامد .

ابن ماسویه } یحیی -

ابن ماسویه } یا یوحنا -

بن ماسویه سریانی، مکنی به ابو زکریا، از متمیزین  
اطبای قرن سیتم هجرت میباشد که نزد اکابر وقت

۱ - ابن ماسویه - در دوره خلافت عباسی چهار تن از اطبای نامی به همین عنوان ابن ماسویه

معروف، همه ایشان به بنی ماسویه مشهور و پدرشان ماسویه نیز از اطبای سریانی بوده و در بیمارستان

جندی شاپور بمعالجه و دواسازی اشتغال داشته است . با اینکه حرفی از علم طب نخوانده بود ولی

در اثر تجربه و کثرت مواظبت عمیق بصیرتی بسزا در معالجه داشت و عاقبت در سلك اطبای دربار

هارونی منسلک شد و هر يك از فرزندانش جرجیس و عیسی و میخائیل و یوحنا نیز در دربار خلفای

وقت دارای مقامی عالی بوده و در تراکیب ادویه مجرباتی داشته اند که در کتب طبی نقل است . چون

تألیفاتی به عیسی و یوسف پسران ماسویه منسوب دارند اینک محض استیناس حال مؤلف آنها شرح

حال اجمالی ایشان را تذکر میدهد .

محترم بود ، بامر هارون الرشید اغلب کتب قدیمه یونانی را به عربی ترجمه کرده و علم شریح را در زمان خود بدرجه کمال رسانید . بعد از هارون ، مأمون و معتصم و واثق و متوکل عباسی را نیز بسمت طبابت خدمت کرده و تألیفات او است :

۱- جواهر الکلم ۲- دفع ضرر الاغذیه ۳- علاج النساء اللاتی لا یحبین ۴- المشجر الصغیر ۵- المشجر الکبیر و غیر اینها و در سال دویست و چهل و سیّم هجرت درگذشت .  
(ص ۳۲ ج ۲ مه و ۴۱۱ ف و ۲۱۶ ج ۲ ع و غیره)

ابن ماکولا علی بن هبة الله - بن علی بن جعفر عجللی ، مکنسی به ابونصر ، ملقب

به سعد الملك یا امیر سعد الملك ، معروف به ابن ماکولا ، نسبش به

ابودلف قاسم بن عیسی عجللی سابق الذکر موصول و از اکابر حفاظ محدّثین و ادبای قرن پنجم هجرت میباشد که بیاد بسیاری سیاحت ، با اکابر هر طبقه ملاقات ، از مشایخ و اکابر شام و عراق و خراسان و غیره احادیث بسیاری استماع کرده و تکمیل مراتب علمیّه نمود . مصنفات بسیاری دارد :

۱- الاکمال فی المؤلف و المختلف فی اسماء الرجال که اسامی مشتمله بسیاری از اعلام و رجاان حدیث را با ضبط حرکات و رفع اشتباه و التیاس آنها جامع ، در غایت جودت و محل اعتماد محدّثین و ارجاب سیر بوده و در اثبات کثرت احاطه و اطلاع و ضبط و اتقان مؤلف خود کافی و محتاج بفضلتی دیگر نمیشد . یک نسخه از آن در خزانه مصریه و یکی دیگر نیز که در نهایت صحت میباشد در خزانه ایاصوفیا موجود و محفوظ است ۲- تهذیب مستمر الاوهام علی ذوی التمنی و الاحلام که مضموم دو کتاب مختلف و مؤتلف دارقطنی و خطب بغدادی است و غیر اینها . ابن ماکولا شعر خوب نیز میگفته و از او است :

قوص خیامک عن ارض تهمان بها  
و ارحل اذا کان فی الاوطان منقصة  
و جانب الذل ان الذل یجتنب  
فالمنذل الرطب فی اوطانه حطب

در سال چهارصد و هفتاد و پنجم یا نهم و یا هشتاد و پنجم یا ششم یا هفتم هجری قمری در جرجان یا اهواز بدست غلامان ترک خود مقتول گردید و ظاهر آن است که ماکولا جنس علی بوده

(تذکره النوادر و کف و ۸۵ هب و ۳۶۲ ج ۱ ک و ۱۰۲ ج ۱۵ جمه و ۶۶۳ ج ۱ س)

محمد بن عبدالله بن مالك - اندلسی ، حیاتی "الولادة ، دمشق"

ابن مالك

الوفاة والاقامة ، طائی القبيلة ، ابو عبدالله الكنية ، ابن مالك

الشهرة ، جمال الدين اللقب ، شافعی المذهب ، اديب صرفی نحوی لغوی شاعر ، بهمه گونه فنون شعری قادر ، دارای طبعی روان ، در نحو و صرف و لغت و علوم عربیه بحری بی پایان ، در فنون قرائت و اصول و فروع لغت در نهایت مهارت ، در اطلاعات حدیثیه و کثرت احاطه باشعاری که در اثبات قواعد ادبیه محل استشهاد میشد مشار بالبنان مورد شگفت ابناي زمان بود .

در مقام استدلال برای صحت قواعد و اقوال از حفظ خاطر نخست بقرآن مجید

و في الجواب ان ان في ان تقم اقم بخدم بكمي  
 و بونس التقدم جوشي بومع و عند سيبويه ذلكا فتع  
 والشرايح حقا الجواب ان محمول لم في التمر حقا الجواب  
 ان ان في شرطان من عن الثاني مقيد للدليل كقيد في حال فاقعة مرفعة  
 والجواب المذكور او المذلل عليه للدليل والثاني مستغنى عن جوابه لبقائه مناهم بالاجزاء  
 له وهو الحاك الثالث ذكر قول الشاعر  
 ان استغشوا بنا ان نذعوا وجدوا منا ما قلنا اننا كرمون هذا بمنزلة ان يقول  
 ان استغشوا بنا نذعوا من عن الثاني مقيد للدليل كقيد في حال فاقعة مرفعة  
 والثاني مقيدنا يمد الحاك من القيد من هذا النوع قوله تعالى ولا يستعمل بعضي ان  
 اردستان نفع لكم ان كل ان الله يريد ان يعوكم فلا يستعمل دليل على الجواب المذكور و صاحب  
 الجواب ادب الشرايح والثاني مقيد له مستغنى عن جوابه والثاني مقيدنا يمد الحاك من القيد من هذا النوع قوله تعالى ولا يستعمل بعضي ان  
 لكم مراد انكم لا تستعمل بعضي فان تواله شرطان يعطف فالجواب انما معقول  
 ان يوما وثلا تكروا منه قول الله تعالى وان يومئذ يستويون في اهولكم ولا تبالكم

كلیشه خط ابن مالك

قطعه مزبور از صفحه ۲۰۵ کتاب الوافی (شرح کافی منظوم خود ابن مالك) است این کتاب نسخه اصل و تماماً بخط ابن مالك بوده و غالب حواشی آن هم بخط تلمیذ مصنف

ابوالفتح محمد بعلی حنبلی (متوفی بسال ۷۰۹) میباشد

تمسك ميکرد و در صورت يأس متمسك باحاديث نبويه ميگرديد والا از اشعار و کلمات فصحا اقامه بيسته مي نمود . بالجمله حاوی مراتب علمی و عملی بود ، تمامی اوقات خود را در نماز و تلاوت و تدریس و تألیف و مطالعه و مذاکرات علمی مصروف میداشت ، در تحقیق غوامض و اتقان اصول و قواعد زبان عرب اهتمام تمام بکار میبرد در دو صفت کرم و سخاوت و تأسی ب مذهب شافعی در میان تمامی اهل اندلس متفرد و در جامع عادلیه دمشق مدرس و امام جماعت بود ، معاصر جلیلش ابن خائکان همه وقت در نمازش حاضر می شد و بعد از نماز نیز محض تجلیل و احترام او تا خاندانش مشایعت می کرد و از تألیفات ابن مالک است :

- ۱- الاعلام یا اكمال الاعلام بمثلث الکلام که با کتاب تحفه ذیل در مصر چاپ شده است
- ۲- الالفیه که جامع مقاصد عربیه و محل توجه اکابر و در دیار عرب و عجم مشهور و بارها مستقلاً و با شروح مختلفه در مصر و ایران و غیره چاپ و نام اصلش خلاصه بوده که ملخص کتاب کافیه نام خودش است و از آن رو که مشتمل بهزار بیت است به الفیه شهرت یافته است ۳- تحفه المورود فی المقصور و الممدود که اشاره شد و نظم است ۴- تسهیل الفوائد و تکمیل المقاصد در نحو که ملخص کتاب فوائد نام خودش بوده و تمامی قواعد و مسائل نحو را جامع و از این رو محل توجه فحول و اکابر بود و شروح بسیاری بر آن نوشته اند ۵- الخلاصه که نام اصلی همان الفیه مذکور فوق بوده است ۶- شرح تسهیل فوق ۷ و ۸ و ۹- شرح هر یک از عمده و کافیه و لامیه مذکورات ذیل ۱۰- شواهد التوضیح و التصحیح لمشکلات الجامع الصحیح که شرح مشکلات اعراب صحیح بخاری بوده و در هند چاپ شده است ۱۱- عمده الحافظ و عمده الالفاظ ۱۲- الفوائد فی النحو ۱۳- الکافیة الشافیة فی النحو که کتابی است نظمی و جلیل القدر و خودش شرحی بر آن نوشته و اولس این است :

قال ابن مالک محمد وقد

الحمدين لله اللذي من رفته

نوی افاده بما فيه اجتهد

توفيق من وفقه لعمده

الفیه فوق ملخص همین کافیه است ۱۴- لامیه الافعال یا لامیه ابن مالک که داعی به الافتتاح با بنیة الافعال هم موسوم و با شرح ابن الناظم در بیروت چاپ شده و غیر اینها که تماماً با اتقان و مدانت موصوف و بعضی از فضلا بیست و هشت فقره از تألیفات او را در ضمن بیست و هشت بیت بنظم آورده که تماماً در روضات مذکور و نقل آنها موجب اصناب است . وفات ابن مالک بسال ششصد و هشتاد و دویم هجری قمری در هفتاد و دو یا سه سالگی در صحنه دمشق

واقع شد و در متبره ابن الصائغ مدفون گردید .

(ص ۷۴۰ ت و ۸۵ هب و ۱۱۳ ج ۱ مه و ۲۳۲ مط و ۶۶۳ س)

**ابن مالک** - محمد - بن محمد بن عبدالله بعنوان ابن الناطم خواهد آمد .

**ابن مأمون** - احمد بن علی - بن هبة الله بن حسن بن علی بن محمد بن یعقوب  
بن حسین بن عبدالله مأمون بن هارون الرشید ، ملقب به زوال ،

معروف به ابن مأمون ، ادیبی است نحوی لغوی که هر دو فن را از ابو منصور جوالیقی سابق الذکر اخذ کرد ، خطی خوب داشته و مدتی در بغداد قضاوت نمود ، پس از آنکه مستجد ، سی و دویمین خلیفه عباسی (۵۵۵-۵۵۶ هـ ق = ۹۶۵ - ۹۶۶ م) بخلافت رسید او را نیز با قضات دیگر در حبس کرد و در همین یازده سال ایام زندانی هشتاد کتاب در موضوعات متنوعه تألیف نمود که من جمله اسرار الحروف و شرح الفصیح است . پس از آنکه نوبت خلافت به مستضی سی و سیمین ایشان (۵۶۶-۵۷۵ هـ ق = ۹۷۵ - ۹۷۶ م) رسید تمامی زندانیان را خلاص نمود و هر یکی را راتبه ای فراخور حال خود مقرر داشت . ابن مأمون بسال پانصد و هشتاد و ششم هجرت در هفتاد و هفت سالگی در گذشت . ظاهر روضات آنکه لفظ زوال لقب علی ، جدّ سیّم احمد است و در اصل زول (بروزن قول) بمعنی مرد شجاع و سخی بوده و اخیراً تحریفش داده و زوال گفته اند .

(ص ۸۲ ت و غیره)

**ابن ماهیار** - محمد - بن عباس (عیاش خدا) بن علی بن مروان بن ماهیار بزاز ،

مکنی به ابو عبدالله ، معروف به ابن ماهیار و ابن جحام یا ابن حجام ،

از اکابر و ثقات علما و مشایخ امامیه قرن چهارم هجرت میباشد که در اصول عرفان و سیر و سلوک و طریقت نیز نظیر ابراهیم ادهم و زوالنون مصری و امثال ایشان بود و از تألیفات او است :

۱ تا ۴- الاوائل و تاویل ما نزل فی اعداء آل محمد و تاویل ما نزل فی شیعتهم و

تاویل ما نزل فی النبی ص و آله ۵- قرآن امیر المؤمنین ع ۶- الناسخ و المنسوخ و خبر اینها

سال وفاتش بدست نیامد لکن تلکبری (متوفی بسال ۳۸۵ هـ ق = شفه) درسال سیصد و بیست و هشتم هجرت از وی اجازه روایت دارد . اما لفظ **حجاء** بفرموده تنقیح المقال با حای حطی مفتوح و جیم مشدد و بقول رجال کبیر استرآبادی با جیم مضموم و حای حطی مخفف است .

**ابن المبارک**

ابراهیم بن یحیی بن مبارک - درباب اول بعنوان یزیدی مذکور است .

**ابن المبارک**

حسن بن غالب بن علی - قاری ، مکنی بد ابوعلی ، معروف بد

ابن المبارک ، از محدثین قرن پنجم عامه میباشد که از مشایخ

روایت خطیب بغدادی و مردی بوده ظاهرالصلاح ، قرآن مجید را با حروف و قرائت مخالف اجماع قرائت کرده و آنها را بواسطه اسانید معجوله خود از ائمه قرائت نقل میکرده است . کذب او مبین و مورد طعن اهل علم گردیده و عاقبت توبه اش دادند . وی درسال چهارصد و پنجاه و هشتم هجرت در بغداد درگذشته و نزد قبر ابراهیم حربی دفن شد . (ص ۴۰۰ ج ۷ تاریخ بغداد)

**ابن المبارک**

سعدان بن مبارک - نایبای نحوی ، مکنی بد ابوعثمان ، معروف

بد ابن المبارک ، از علما و روات کوفه و متقدمین علوم عربیه

میباشد که تألیفات ابو عبیده لغوی (متوفای ۱۰۷ هـ ق = رف) را از خودش روایت کرده و کتاب الارضین و الهیاء و الجبال و البحار و کتاب الامثال و کتاب النوحوش و غیره از تألیفات او است و سال وفاتش بدست نیامد و پدرش مبارک از اسرای طخارستان بوده است . (ص ۱۰۵ ف و سطر ۳۲ ص ۳۰۸ ت)

**ابن المبارک**

عبدالله - بن مبارک شیرازی (در باب اول (المقاب) بعنوان مبارک

**ابن المبارک**

عبدالله - بن مبارک کوفی (مذکور هستند .

**ابن المبارک**

عبدالله بن مبارک - مروزی ابن واضح ، مکنی بد ابو عبد الرحمن ،

معروف بد ابن المبارک ، از مشاهیر تابعین تابعین و از اکابر عرف

و محدثین و عالمی بوده است عارف زاهد ، فقیه حافظ ، در بلاد خراسان با علم و فضل

و زهد و صلاح معروف ، کثیرالانقطاع و الانزوا و خانه نشین و محب خلوت . فقه را از سفیان ثوری و مالک بن انس و بنو شیبه بعضی از ابوحنیفه کوفی اخذ کرد ، اصول شریعت و فنون و سیر و ساوکه و طریقت را جامع بود ، از کثرت تورع و احتیاط در دین ، احادیث را از روی کتاب روایت میکرد . اقوال حکیمانه و اشعار نصیحت آمیز عارفانه اش بسیار و از چهار هزار حدیث این چهار کلمه را انتخاب نموده بود : لا تثقن بامرأة - لا تغترون بمال - لا تحمل معدتك ما لا تطيق - تعلم من العلم ما ينفعك فقط و گوید برای دنیا علم آموختیم و ما را بترك دنیا دلالت نمود . از اشعار عارفانه او است :

قد ارحنا و استرحنا من غدو و رواح  
بعفاف و كفاي و قنوع و صلاح

و الصال بسامير و وزير ذی سماع  
وجعلنا اليأس مفتاحا لابواب النجاح

قد يفتح المرء حانوتا لم تجره  
بين الاساطين حانوت بلا غلق  
صيرت دينك شاهينا تصيد به

وقد فتحت لك الحانوت بالدين  
تبتاع بالدين اموال المساكين  
و ليس يفلح اصحاب الشواحين

نیز برای یکی از اهل علم که داخل در امر قضاوت بوده نوشته است :

يا جاعل العلم له بازيا  
احتلت للدينيا و لذاتها  
فصرت مجنونا بها بعد ما  
ابن رواياتك في سردها  
ان رواياتك و القول في  
ان قلت امرهت فذا باطل  
مسافرت مکه گفته است :

بفض الحياة و خوف الله اخرجني  
اني و زنت الذي يبقى ليعد له

و بيع نفسي بمائست له ثمنا  
مائس يبقى فلا والله ما اتونا

از تألیفات او است :

کتاب البر و الصلوة و کتاب التاريخ و کتاب التفسیر و کتاب الزهد و کتاب السنن در فقه .  
بالجملة در فوائد البهية و تذکرة الاوليا و تاریخ بغداد و غیره ابن المبارک را با ادب و فقه  
و شجاعت و سخاوت و نحو و لغت و زهد و ورع و عبادت و استقامت در روایت و وثافت

وکیاست و روایت کردن زیاده بر بیست هزار حدیث از احادیث حضرت رسالت ص و نظیر  
نداشتن در روی زمین و اعلم اهل مشرق و مغرب بودن و مناقب بسیاری دیگر موصوف  
و کراماتی هم بدو منسوب داشته‌اند .

در سبب توبه و انسالک او در سالک اهل طریقت گویند که روزی ابوحنیفه کوفی از  
وی سابقه‌اش را استفسار نمود گفت با برادران خود در باغی بودیم و تا شب مشغول اکل  
و شرب شدیم و حریص‌ترین مردم به ساز و تنبور من بودم تا وقت سحر در خواب دیدم که  
مرغی بر درختی بالای سر من این آیه را تلاوت مینمود : **أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا - الْخ**  
در جواب گفتم بلی وقت شده اینک بعد از بیداری ساز را شکسته و هر چه را که داشتم  
سوزاندم و قدم بدایره زهد گذاشتم و سبب دیگر نیز گفته‌اند .

ولادت عبدالله بسال یکصد و هیجدهم یا نوزدهم یا بیستم در مرو و وفاتش نیز  
بسال یکصد و هشتاد و یکم یا دویم هجرت در هیت واقع شد و قبرش معروف و مزار است  
و بنا بر اول ، جمله : **قطب اهل دل = ۱۸۱** و بنا بر دویمی جمله **امام اهل دین = ۱۸۲**  
ماده تاریخ او میباشد .

**هیت** بکسر اول شهری است از توابع شام در ساحل فرات بالای ابار که از توابع  
بغداد میباشد و فرات در میان هیت و انبار فاصل است . مخفی نماند که صاحب ترجمه  
غیر از عبدالله بن مبارک کوفی است که معاصر حضرت سجّاد ع و حضرت باقر ع بوده و  
بعنوان مبارک نگارش یافته است بلی محتمل است که صاحب ترجمه همان عبدالله بن  
مبارک نهاوندی باشد که هم در آنجا اشاره نمودیم باختلاف ادوار زندگانی گاهی به مروزی  
موصوف و گاهی به نهاوندی متّصف باشد لکن با در نظر گرفتن امامی مذهب بودن او و حنفی  
مذهب بودن این چنانچه مصرّح به فوائد البیّه و بعضی دیگر میباشد حکم با اتحاد و  
یکی بودن ایشان مشکل و مستبعد است .

(ص ۳۱۹ ف و ۳۸۸ ج ۱ نی و ۲۶۹ ج ۱ کا و ۱۵۲ ج ۱ تاریخ بغداد و ۱۳۰)

ج ۲ خه و ۶۶۴ ج ۱ س و غیره)



عبدالله بن مبارك - نهاوندی ، در عنوان مبارك عبدالله اجمالاً

ابن المبارک

مذکور شد و رجوع به ابن المبارک مروزی فوق هم نمایند .

علی بن محمد بن مبارك - ملقب به کمال الدین ، معروف به

ابن المبارک

ابن المبارک و ابن الاعمی از ادبا و شعرای توانای قرن هفتم هجرت

میباشد که نخست مداح بعضی از ملوک وقت بود ولی اخیراً راه تجرد و تصرف پیموده و

در این موضوع کتابی بنام اثمقامة البحریه تألیف کرد و از آیات قصیده‌ای است که در مذمت

خانه مسکونی خود گفته است :

ان تكثر العشرات في حجراتها

دار سکنت بها اقل صفاتها

والشردان من جميع جهاتها

الخير عنهما نازح متباعد

در باره حمام تنگ و تاریک و گرمی بد :

قد اناخ العذاب فيه وخيم

ان حمامنا اللذي نحن فيه

ان بك مالك ارق وارحم

وله مالك عنا خازن النية

قال لي احسافيه ولا تكلم

كلما قلت قد اطلت عذابي

ربنا اصرف عنا عذاب جهنم

قلت لئما رأيتنه يتلفي

در سال شصت و نود و دویم هجرت در گذشت و ظاهراً جدش مبارك فاینا بوده

(ص ۶۰۳ ج ۱ س و اطلاعات متفرقه)

محمد - بن عباس بن مبارك | در باب اول ( القاب ) دویمی را

ابن المبارک

محمد - بن عمر بن مبارك

ابن المبارک

محمد - بن یحیی بن مبارك

ابن المبارک

یحیی - بن مبارك

ابن المبارک

یوسف بن حسن - در باب اول بعنوان مقدسی مذکور است .

ابن المبرد

محمد بن علی - بعنوان رحبی محمد در باب اول مذکور است .

ابن المتقننه

در اصطلاح علمای رجال و ارباب تراجم عنوان مشهوری چند

ابن المتوج

تن از علمای امامیه میباشد که غالباً اشعار و تألیفات ایشان محل

شبهه است اینک شرح حال اجمالی ایشان را با تذکر دادن موارد اشتباه می نگارد و

قبلاً خاطر نشان از باب رجوع مینماید که ظاهر کلام تنقیح المقال و منتهی الامال و امل الآمل و روضات الجنات موافق آنچه از ریاض العلما نیز نقل شده آنکه احمد بن عبدالله نام ، معروف به ابن المتوج از آن چند تن مزبور تنها احمد بن عبدالله بن سعید است و بس لکن موافق تحقیقات ذریعه و اعیان الشیعة دو نفر از ایشان بدین اسم و این عنوان بوده اینک ما نیز ابن المتوج احمد نام را تحت دو عنوان مینگاریم و موارد امتیاز نیز از اختلاف قیود و القاب و تألیفات ایشان معلوم خواهد شد .

احمد بن عبدالله - بن سعید متوج ، یا سعید بن متوج بحرانی ،

### ابن المتوج

معروف به ابن المتوج ، ملقب به فخرالدین و شهاب و شهاب الدین ،

از علمای امامیه اوائل قرن نهم هجرت میباشد که عالمی است عامل کامل عابد زاهد مفسر متبحر ادیب شاعر ، باتقوی و فضل و کمال ، به خاتم المجتهدین موصوف ، درسانید روایات و اجازات اکابر در السنه دایر و در علوم عربی وارد و از تلامذة فخر المحققین و شهید اول (متوفی بسال ۷۸۶ هـ ق = ذقو) و از اساتید و مشایخ ابن فهد حلی (متوفی بسال ۸۴۱ هـ ق = ضما) .

از فتاوی نادره او اشتراط علم فصاحت و بلاغت در اجتهاد است . حافظه عجیبی داشت که هر چه را درک میکرد اصلاً فراموش نمیشد . اشعار بسیاری در مرثی اهل بیت عصمت ع بدو منسوب و بعضی از آنها در منتخب طریحی مذکور میباشد و از آن جمله است :

الانوحوا و ضجوا بالبكاء	علی السبط الشهيد بكر بلاء
الانوحوا بكب الدمع حزنا	علیمة و امزجوه بالدماء
الانوحوا علی من قد بکاه	رسول الله خیر الانبیاء
انا ابن متوج توجهونی	یتاج الفخر طرا والبهاء

از تألیفات او است :

- ۱- آیات الاحکام که ذیلاً بنام نه-ایه مذکور است ۲- تفسیر قرآن مجید که بنوشته تنقیح المقال و روضات ۳ و فقره تفسیر مختصر و مطول دارد ۳- تلخیص التذکرة که ذیلاً بنام غرائب المسائل مذکور است ۴- دیوان اشعار مرثی اهل بیت ع که در دو مجلد و حاوی بیست هزار بیت و بعضی از اشعارش فوقاً مذکور شد ۵- شرح قواعد علامه چنانچه از ...

نقل شده است ۶- غرائب المسائل یا نهج الوسائل الی غرائب المسائل ویا تلخیص التذکرة که ملخص تذکرة علامه حلی است ۷- کفایة الطالبین ۸- ما یجب علی المکلفین ۹- المقاصد ۱۰- الناسخ والمنسوخ ۱۱- النهایة فی تفسیر الخمس مائة آیه که بموجب حصر محققین فقها شماره آیات فقهیه قرآنی پانصد آیه ویا در این حدود بوده و تفسیرهای بسیاری بنام آیات الاحکام ویا اسامی مخصوصه دیگر بدانها نوشته اند و در هر جا از این کتاب کلمه معاصر باشد همانا مراد از آن فاضل مقداد (متوفی بسال ۸۲۶ هـ ق = ضکو) در کنز العرفان بوده و بالعکس مراد مقداد هم از کلمه معاصر در این کتاب کنز العرفان خود همین ابن المتوج احمد بن عبدالله است در کتاب نهاییه ۱۲- نهج الوسائل که بنام غرائب المسائل مذکور شد ۱۳- الوسیلة چنانچه در روضات الجنات و تنقیح المقال است و صحت انتساب بعضی از اینها محل تردید بوده و چنانچه ذیلاً ضمن بیان تألیفات ابن المتوج عبدالله پدر صاحب ترجمه و ابن المتوج احمد بن عبدالله بن محمد مذکور خواهد شد اغلب اشعار و تألیفات ایشان بجهت آنکه در کتب مربوطه بعنوان مشترکی ایشان (ابن المتوج) نسبت داده شده محل اشتباه گردیده است. بالجمله سال وفات او معلوم نشده و قبرش در جزیره اکل (بروزن عنق) از بلاد بحرین که جزیره صالح پیغمبر نیز گویند مشهور است.

(ذریعه و تنقیح المقال و ص ۱۹ ت و ۴۳۵ مس و ۲۵ ج ۱۰ عن ۸۶ هب و غیره)

شیخ احمد بن عبدالله - بن محمد بن علی بن حسن متوج یا  
**ابن المتوج**  
 حسن بن متوج ، ملقب به جمال الدین ، مکنی به ابوالناصر ،  
 معروف به ابن المتوج ، از اکابر علمای امامیه اوائل قرن نهم هجرت میباشد که فقیه  
 مجتهد جلیل القدر ، فتاوی او در همه جا منتشر ، از اکابر تلامذه فخر المحققین و اساتید  
 ابن فهد احسائی و دیگر اجله بوده و با شهید اول هم ملاقات کرده است .  
 در عصر خود ریاست مذهبی بدو منتهی ، در بحرین متصدی انجام امور حسبه  
 و فصل خصومات شرعیته و دیگر وظائف دینیته بوده و بسال هشتصد و دویم هجرت در ظهر  
 کتاب تلخیص التذکره با ابن فهد مذکور اجازه نوشته و از تألیفات او است :

۱- آیات الاحکام که موسوم به منهاج الهدایة بوده و صریح کلام ذریعه و اعیان الشیعه آنکه  
 آن ، غیر از آیات الاحکام معاصرش احمد بن عبدالله بن سعید مذکور فوق است ۲- اخذ الثار که

منظومه و شرح حال مختار بن ابی عبیده ثقفی است ۳- تفسیر قرآن مجید ۴- شرح قواعد علامه و باستظهار ذریعه همان کتاب وسیله نام مذکور در ذیل است ۵- کفایة الطالبین فی اصول الدین ۶- مایجب علی المکلفین ۷- مجمع الغرالب که حاوی فروع غریبه است ۸- مختصر التذکرة چنانچه بعضی گفته اند ۹- المقاصد ۱۰- مقتل الحسین که منظومه است ۱۱- منهاج الهدایة فی شرح آیات الاحکام الخمس مائة که مختصر و درموضوع خود ممتاز و از فضل مؤلف خود حاکی است ۱۲- الناسخ و المنسوخ ۱۳- نهج الوسائل الی غرالب المسائل ۱۴- الوسيلة فی فتح عقالات القواعد که همان شرح قواعد مذکور فوق است و غیر اینها و اکثر اینها بمعاصرین احمد بن عبدالله بن سعید هم منسوب است .

**وفات ابن المتوج موافق آنچه از کتاب ناسخ و منسوخ فوق که بخط پسرش شیخ ناصر بن احمد بوده استظهار شده در سال هشتصد و بیستم هجرت واقع و او نیز مثل معاصر مذکورش در جزیره اکل در مقبره صالح نبی مدفون است . اشعار مذکوره در شرح حال معاصر مرقومش را در اعیان الشیعه بهمین صاحب ترجمه نسبت داده و بعضی با ابن المتوج عبدالله مذکور ذیل منسوب دارند .**

شیخ عبدالله - بن سعید متوج ، یا سعید بن متوج ، پدر احمد

### ابن المتوج

بن عبدالله بن سعید مذکور فوق میباشد که نیز با ابن المتوج معروف

و از علمای امامیه او آخر قرن هشتم یا اوائل نهم و با شهید اول (متوفی بسال ۸۸۶ هـ ق = ضغو) معاصر و فقیهی بوده فاضل ادیب شاعر و او نیز اشعار بسیاری در مرثیة اهل بیت عصمت ع سروده است . بعضی از اهل فن اشعار مذکوره و دیوان و کفایه و مقاصد و ناسخ و منسوخ و نهایتاً مذکوره در شرح حال پسرش را بدو نسبت داده اند و سال وفاتش بدست نیامد .

ناصر بن احمد - بن عبدالله بن سعید مذکور فوق (چنانچه در

### ابن المتوج

روضات است) یا ناصر بن احمد بن عبدالله بن محمد بن علی

بن حسن متوج یا حسن بن متوج بحرانی (چنانچه در اعیان الشیعه میباشد) بهر حال به ابن المتوج معروف ، به جمال الدین یا شهاب الدین ملقب ، فقیهی است فاضل ادیب شاعر محقق حافظ از علمای امامیه او اواسط قرن نهم هجرت که ذهنی وقاد و حافظه عجیب

داشت، قول با شرایط فصاحت و بلاغت در اجتهاد که فوقاً ضمن شرح حال احمد بن عبدالله<sup>۱</sup> بن سعید اشاره نمودیم گاهی بهین صاحب ترجمه ناصر منسوب است .  
وفاتش بعد از سال هشتصد و پنجاهم هجرت واقع شد و نزد قبر پدرش مدفون گردید و تالیفی بدو نسبت داده اند .

(ص ۳۸ ج ۱۰ عن و ۲۴۷ ذریعه و سطر ۲۹ ص ۱۹ ت)

**ابن متویه** - بنو احمد - بنو ان واحدی مذکور و لفظ متویه بفتح اول و ضم و تشدید ثانی است .

**ابن متویه** - بن محمد بن علی بن سعد اشعری قمی قزدانی ، مکنی به ابوالحسن، معروف به ابن متویه ، از محدثین شیعه اوائل قرن

چهارم یا اواخر قرن سیم هجرت بوده و مؤلف کتاب نوادری است بزرگ ، محمد بن حسن بن ولید قمی و ابن بابویه صدوق (متوفی بسال ۳۸۱ هـ ق = شفا) آن کتاب را بیث واسطه از خود مؤلف روایت میکنند و سال وفاتش بدست نیامد .

(تنقیح المقال و ص ۸۶ هـ)

**ابن مجاهد** - احمد بن موسی - بن عباس بن مجاهد، مکنی به ابوبکر، معروف

به ابومجاهد ، از اکابر قراء زمان غیبت صغری ، وحید عصر خود و با آن همه علم و فضل و دیانت و تبخیر در علوم قرآنی بسیار با ادب و نیکو رفتار و کثیر المزاج بود . در سال سیصد و بیست و چهارم هجرت در گذشته و از تالیفات او است:  
۱- کتاب قرائة ابن عامر ۲- کتاب قرائة ابن کثیر ۳- کتاب قرائت ابوعمر و  
۴- قرائت حمزة ۵- قرائة عاصم ۶- قرائة الکسائی ۷- قرائة النبی ص و غیر اینها .  
(ص ۴۷ ف)

**ابن مجدالدین** - عبدالسلام بن عبدالله - حرانی الولادة ، بغدادی الإقامة ، مکنی

به ابوالبرکات، معروف به ابن مجدالدین، از مشاهیر علمای عامه اواسط قرن هفتم هجرت بوده و از تالیفات او است :

۱- الاحکام ۲- ارجوزة فی القرائات ۳- شرح الهدایة . بسال ششصد و پنجاه و دویم هجرت در شصت و سه سالگی درگذشت .  
(ص ۶۶۴ ج ۱ س)

ابن‌المجدی احمد بن رجب - ضمن عنوان مجدویه احمد نگارش یافته است .

ابن‌المجوسی علی بن عباس - بعنوان مجوسی علی در باب القاب مذکور است .

ابن‌مجیر یحیی - بن عبدالجلیل فهری اندلسی ، مکنی به ابوبکر ، از مشاهیر شعرای اندلس میباشد که دیوانی بدو منسوب ، اکثر اشعارش در مدح امرای بنی‌عبدالؤمن بوده و در سال پانصد و هشتاد و هفتم یا هشتم هجرت در گذشته و از اشعارش بدست نیامد . (کف و ص ۶۶۴ ج ۱ س)

ابن‌محبوب در اصطلاح رجالی ، حسن بن محبوب و محمد بن علی بن محبوب است که اولی بعنوان سراد مذکور و دومی نیز موکول بکتاب رجال است .

ابن‌محرز در اصطلاح رجالی عبدالله بن محرز و عقبه بن محرز است .

ابن‌المدبر ابراهیم بن محمد - بن عبدالله بن مدبر ، مکنی به ابواسحق ، معروف به ابن‌المدبر ، از مشاهیر ادبا و شعرای قرن سیم هجری میباشد که ادیبی است فاضل شاعر ، اشعارش لطیف و ظریف ، در زمان متوکل دهمین خلیفه عباسی (۲۳۲-۲۴۷ هـ ق = رجب ۲۴۷) بمقامی بس عالی رسید تا آنکه چند سال حبس شد . با دختری ادیبه شاعره عربی نامی معاشقه داشته و مراسلات و مشاعرات بسیاری مابین ایشان واقع شد که جریانات مابین ایشان مشهور است . از اشعار او میباشد که در حق معشوقه مذکوره اش گفته است :

زعموا اننی احب عربیا	صدقوا والله حبا عجیبا
حل من قلبی هواها محلا	ثم تدع فیه لخلق نصیبا
لیقل من قد رأی اناس قدما	هل رأی من عرب عربیا
هی شمس والنساء نجوم	فماذا لاحت اقلن غیوبا

در سال دوست و هشتاد و پنجم هجرت درگذشت .

(ص ۲۲۶ ج ۱ جم و ۶۶۴ ج ۱ س)

ابن‌المدبر احمد - بن محمد بن عبدالله کاتب ضبی ، مکنی به ابوالحسن ، معروف به ابن‌المدبر ، از امرای قرن سیم هجرت میباشد که در

عهد احمد بن طولون والی مصر متصدی امر خراج و مالیات و ممدوح شعرای وقت بوده تا هابین او و ابن طولون رقابتی حاصل و محکوم بحبس شد و در ماه صفر دو بیست و هفتادم هجرت در زندان مرد و با امر ابن طولون مقتول گردید .

عادتش آن بوده که اگر اشعار مدحیه هر شاعری پسندد طبعش میشد بصله کمالش مفتخر می نمود و الا غلام خود را برمی گماشت که آن شاعر را بمجازات بدی شعرش در مسجدش توقیف می کرد و مادامیکه صد رکعت نماز نمی خواند رهایش نمی کرد تا روزی حسین بن عبدالسلام مصری، مکنی به ابو عبدالله، معروف به جمل که شاعری بوده ذکی و بدیبه گو و هجو گو و بذله گو و چرکین لباس نزد او رفته و در خواندن اشعار چندی که گفته بوده استیذان نمود گفت از شرط عادت ما اطلاع داری گفت بلی پس این اشعار را فرو خواند :

اردنا فی ابي حسن مدیحا	كما بالمدح تنجع الولاء
و قلنا اکرم الثقلین طرا	و من كفاه دجلة والفرات
فقالوا یقبل المدحیات لکن	جوائزه علیهن الصلوة
(وقالوا یقبل الشعراء لکن	اجل صلات مادحه الصلوة) - خدا
فقلت لهم وما یغنی عیالی	صلوتی انما الشأن الزکوة
فتامر لی بکسر الصاد منها	فتصبح لی الصلوة هی الصلوة

ابن المدبر خندید و تحسین نمود و بصله کلمی مفتخرش گردانید . وفات جمل هم بسال دو بیست و پنجاه و هشتم هجرت در دمشق واقع گردید .

(ص ۵۱۴ ج ۲ کا و ۱۲۱ ج ۱۰ جم)

حسین - بن عبدالله توقانی ، ملقب به حسام الدین ، معروف به

ابن المدرس

ابن المدرس، از افاضل قرن دهم هجری حنفیه میباشد که تعلیقه

بر حواشی شرح تجرید سید شریف و شرح عوامل مائة عبدالقاهر جرجانی تألیف او بوده و در نهند و بیست و ششم هجری قمری در گذشت . (ص . عوائد البهیه)

علی بن عبدالله - بن جعفر بن نجیح بن بکر بن سعد، ابو الحسن

ابن المدینی

المکنیة ، ابن المدینی الشهرة ، بصری الدار ، سعدی النسب ،

از مشاهیر محدّثین قرن سیم هجرت ، از مشایخ روایت بخساری و احمد بن حنبل و ابوحاتم رازی و نظائر ایشان، داناترین مردم باحدیث حضرت رسالت ص و مرجع حل اشکال اختلافات اهل حدیث بود ، سفیان بن عیینه که یکی از مشایخش میباشد او را بجهت تبخّر در خبایای حدیث **حیة الوادی** مینامید . ابن المدینی در بغداد اظهار تسنن کرده و در بصره اظهار تشیّع مینمود ، در اواخر عمر بقدم قرآن معتقد و قائل بحدوث آن را تکفیر میکرده است . در ماه ذیقعدة دوست و سی و چهارم هجرت درگذشت .

(ص ۴۵۸ ج ۱۱ تاریخ بغداد)

ابن مراد } در اصطلاح رجالی اولی اسمعیل بن مراد یا مرار و دومی اسحق  
یا  
ابن مرار } بن مرار را نیز گویند که بعنوان ابو عمرو اسحق مذکور است .

ابن المراجعة جریر بن عطیه - که بهمین عنوان جریر در باب اول مذکور است .

ابن المراغی محمد بن جعفر - بن محمد همدانی ، مکنی به ابو الفتح ، معروف به ابن المراغی ، ادیبی است نحوی لغوی محدّث عامی و کتاب المراجعة

که برویه کامل مبرّدمیباشد تألیف او بوده و در سال سیصد و هفتاد و یکم هجرت زنده بوده است .

(ص ۱۵۲ ج ۲ تاریخ بغداد)

ابن مرج محمد بن ادریس - مکنی به ابو عبدالله ، ملقب بدرحل ، معروف به ابن مرج ، از مشاهیر ادبا و شعرای اندلس میباشد که بازی

و قیافه اهل بادیه مشهور ، اشعارش لطیف و دلنشین بوده و از او است :

مثل الرزق اللذی تطلبه      مثل الظل اللذی یمشی معك  
انت لا تدركه متبعاً      و اذا ولیت عنه تبعك

بسال ششصد و سی و چهارم هجرت در مولد خود جزیره شقر درگذشت .

(ص ۶۶۵ ج ۱ س)

ابن المرحل محمد بن عمر - ملقب به صدرالدین ، معروف به ابن المرحل ، از فضلای قرن هشتم هجرت میباشد که در فقه و دیگر علوم دینی

وحید عصر خود بود ، در ادبیات و قسمت علمی طبّ نیز دستی توانا داشت ، در هر دو



وسخاوت و اخلاق فاضله او نیز نوادری منقول میباشد اشعار خوب هم می گفته و از آیات  
يك قصيدة خمريه او است :

عناصر اربع في الكأس قد جمعت      و فوقها الفلك السيار والشهب  
ماء و نار هواء ارضها قدح      و ظرفها فلك والانجم الحبيب

در اصل مصری بوده و مدتی در شام و حلب اقامت داشته است . در شام با ابن الوکیل  
نیز معروف بوده و در هفتصد و شانزدهم هجرت در قاهره درگذشت .  
از تألیفات او است :

۱- الاشباه والنظائر ۲- کتابی در فروق ملک و نبی و شهید و عالم .

(ص ۶۶۵ ج ۱ س)

عیسی بن مردان - نحوی کوفی ، مکنی به ابوموسی ، معروف به  
ابن مردان

ابن مردان که کتاب القیاس علی اصول النحو را تألیف کرده و از اصحاب

قرآء نحوی (متوفی بسال ۲۰۷ هـ ق = ۸۱۸ م) بوده است و سال وفاتش بدست نیامد .  
(ص ۱۰۵ ف و غیره)

احمد بن موسی - اصفهانی ، مکنی به ابوبکر ، (چنانچه در  
ابن مردویه

کشف الظنون است) یا بکر بن احمد اصفهانی (چنانچه در

قاموس الاعلام میباشد) بهر حال از علماء و محدثین و مفسرین عامه محسوب و به حافظ هم  
موصوف بوده و از تألیفات او است :

۱- تاریخ اصفهان ۲- تفسیر قرآن مجید که به تفسیر ابن مردویه معروف در سال

چهارصد و دهم هجرت درگذشت . اینکه تاریخ وفاتش را در هدیه الاحساب سید و  
پنجاد و دریم نوشته مثل بکر بن احمد بودن نام او چنانچه اشاره شد اشتباه است .

(کف و ص ۸۲ هـ و ۶۶۵ ج ۱ س)

بهمنیار - بن مرزبان آذربایجانی ، مکنی به ابوالحسن ، نخست  
ابن المرزبان

مجوسی بوده و اخیراً بشرف اسلام مشرف شد ، از مشاهیر فلاسفه

و حکما و اعیان تلامذه شیخ الرئیس ابن سینا بوده و مسلک مشائی را می ستوده و با استاد

مذکورش مباحثات و مناظراتی داشته است . موافق آنچه از کتاب تعدیل المیزان امیر غیاث‌الدین منصور حسینی شیرازی استظهار شده بحکیم لوگری نیز تلمذ نموده است . در سبب تلمذ او بشیخ‌الرئیس گویند که روزی از آهنگری آتش خواست آهنگر گفت ظرف را بگیر تا آتش بگذارم ، بهمینار فوراً يك مشت خاک در دست گرفته و گفت توی این ظرف بگذار ، در هماندم ابن‌سینا که عبور می‌کرده ملتفت قضیه شده و از فطانت و استعداد و حسن قریحه بهمینار در شکفت شد و تعلیم و تربیت او را تصمیم گرفت تا در نتیجه اهتمام آن استاد عالی‌مقام بترقیات علمی نایل و در سلك اکابر حکما منسلک گردید . از تألیفات او است :

۱- البهجة والسعادة ۲- التحصيل در منطق و ریاضی و طبیعی و الهی بطریقه حکمت مشائی ، يك نسخه از آن که فقط مبحث منطق و مابعدالطبیعه میباشد در کتابخانه مجلس طهران موجود است ۳- مابعدالطبیعة و یا اینکه این ، کتابی مستقل نبوده و یکی از مباحث کتاب تحصیل است چنانچه اشاره شد ۴- مراتب الوجود . صاحب ترجمه در سال چهارصد و پنجاه و هشتم هجرت درگذشت . (ذریعه وص ۱۳۹ ت و غیره)

**ابن المرزبان** - حسین بن علی - بن حسین بن علی بن محمد بن یوسف بن بحر بن بهرام بن مرزبان مغربی که ابن‌المغربی نیز گویند (یا نام و نسبش موافق معجم‌الادباء حسین بن علی بن حسن بن محمد بن یوسف بن بحر بن بهرام است) از مشاهیر ادبا و وزرا میباشد که نسبش از طرف پدر به یزدجرد آخرین ملوک ساسانی (که از احفاد بهرام‌گور چهاردهمین ایشان بوده) موصول و مادرش فاطمه دختر محمد بن ابراهیم نعمانی صاحب غیبت معروف سابق‌الذکر از تلامذۀ کلینی و کتبه‌اش ابوالقاسم است . از آنرو که در بعضی از ادوار زندگانی خود در موصل بوزارت ابوالمنعم قرواش بن هانی امیر بنی‌عقیل و در دیار بکر بوزارت ابونصر احمد بن مروان منصوب و در بغداد هم متصدی وزارت شرف‌الدوله دیلمی بوده و اجدادش هم از قدیم‌الایم ببارد مغرب زمین مهاجرت کرده‌اند و یا بجهت آنکه بعضی از ایشان واهی و شامی سمت مغربی

بغداد بوده‌اند به مغربی موصوف و به وزیر مغربی معروف است .

پیش از چهارده سالگی قرآن مجید و پانزده هزار بیت از محاسن اشعار را حفظ ، نحو و لغت و ادبیات و حساب و جبر و هندسه و منطق و دیگر فنون متداوله را تکمیل کرد . خط و ربط و انشایش نیز ممتاز ، در فنون شعری هم متمیز ، در هفده سالگی بتألیف آغاز کرد ، کتاب اصلاح المنطق پدرش را تلخیص و سپس با پدر بنظمش آورده و از تألیفات او است :

- ۱- اختصار اصلاح المنطق ابن السکیت ۲- اختصار اصلاح المنطق پدر خود که مذکور شد
- ۳- الاختیار من شعر ابی تمام ۴- الاختیار من شعر البحتری ۵- الاختیار من شعر المتنبی ۶- ادب الخواص ۷- الایناس ۸- تهذیب اصلاح المنطق ابوحنیفه دینوری
- ۹- خصائص القرآن ۱۰- الماثور من ملح الحدور و غیرها و از اشعار او است :

اقول لها والعیس تحدج للبری  
اعدی لفقیدی ما استطعت من الصبر  
الیس من الخسران ان لیالیاً  
تمر بالانفع و تحسب من عمری

وفات وزیر مغربی در سیزدهم یا پانزدهم رمضان چهارصد و هیجدهم یا بیست و هشتم هجرت در چهل و هشت یا پنجاه و هشت سالگی در مباحارقین که اشهر بلاد دیار بکر میباشد واقع شد و بحسب وصیت خود جنازه‌اش با تدابیر حسنه و نهایت احترام بنجف اشرف نقل و در جوار قبر مطهر حضرت امیرالمؤمنین ع در وادی السلام دفن گردید .  
(کنف و ذریعه و ص ۱۷۱ ج ۱ کا و ۲۴۱ ت و ۲۱۱ لس و ۲۶۱ هب و ۷۹ ج ۱۰ جم و ۴۳۲۶ ج ۱ س)

**ابن المرزبان** محمد بن مرزبان - بعنوان دمیری در باب القاب مذکور است .

**ابن المرزوق** عثمان بن مرزوق - مکنی به ابوعهرو، از مشایخ و عرفا و علمای

حنبلیه مصر میباشد که موافق مذهب مذکور فتوی داده و وعظ

و تدریس مینموده است . اقوال حکیمانه دایر بر تصوف و حقائق ربانیه بدو منسوب میباشد . روزی تلامذهاش حقائق را از وی استفسار نمودند در جواب امر نمود که از خودشان که ششصد تن بوده‌اند صد نفر و از آن صد نفر ده نفر و از آن ده نفر نیز چهار نفر انتخاب کردند بهمین چهار نفر که ابن القسطالانی و ابوالطاهر و ابن الصابونی و ابوعبدالله قرطبی

بوده اند گفت که اگر من فقط يك كلمه از حقائق بشما گفته باشم البته بقتل من فتوی خواهد داد . بسال پانصد و شصت و چهارم هجرت در مصر در گذشته و قبرش هزار است .

(ص ۶۶۵ ج ۱ س)

ابن المرزوق ابو عبدالله - نوۀ ابن المرزوق محمد بن احمد ذیل میباشد که او

نیز عالمی بوده ادیب و از تألیفات او است :

- ۱- اختصار الفیه ابن مالك ۲- انوار الدراری فی مکرمات البخاری ۳- انوار الیقین فی شرح حدیث اولیاء الله المتقین ۴- تفسیر سورة الاخلاص ۵- تلخیص المختار ۶- الحدیقه ۷- حرز الامانی ۸- الروضة در حدیث و غیر اینها.

بسال هشتصد و چهل و دویم هجرت در هفتاد و شش سالگی درگذشت و در قاموس الاعلام او را بپمین عنوان مذکور فوق درج و اسمی برای وی نوشته و ظاهرش آنکه نام اصلیش هم ابو عبدالله است . در کشف الظنون هم بتألیفات مذکوره پرداخته و تمامی مراتب محتاج بتحقیق میباشد .

(ص ۷۳۷ ج ۱ س)

ابن المرزوق محمد بن احمد - ضمن عنوان مرزوقی از باب القاب مذکور است .

ابن مرزویه در باب اول (القاب) بعنوان مهیار بن مرزویه مذکور است .

ابن مروان در اصطلاح رجالی عباس بن عمر است که بعنوان کلوذانی اشاره شده است

ابن مریم شریف محمد بن محمد - از علمای قرن یازدهم تلمسان میباشد که

در تاریخ هزار و یازدهم هجرت کتابی بنام البستان فی ذکرا الاولیاء والعلماء بتلمسان تألیف کرده که حاوی شرح حال هزار و هشت نفر از علمای و اولیای آن نواحی بوده و نزد اهل تلمسان بسیار معتبر است و سال وفاتش بدست نیامد .

(ص ۶۶۶ ج ۱ س)

ابن مزاحم نصر - بن مزاحم بن سیار منقری، مکنی به ابو الفضل، ز مورخین

قرن دویم هجرت میباشد که با ابو مخنف لوط بن یحیی معروف